

شخص و کار روح القدس

تالیف

سرگیز بنیامین

شخص و کار روح القدس

تالیف : سرگیز بنیامین

انتشارات کلیسای انجیلی آشوری تهران

تیر ماه ۱۳۷۸

مقدمه

مشاهده نقش اساسی و تعیین کننده روح القدس در کار نجات افراد، داشتن زندگی پیروزمندانه مسیحی و در نهایت رشد و پیشرفت کلیسا در دوران خدمت و همچنین نبود یا حداقل کمبود مطالب پیرامون این سومین شخص تثلیث اقدس در حیطه تعلیم کلیسای انجیلی از عواملی بودند که انگیزه کافی برای غلبه بر موانع موجود (که از نداشتن تجربه در امر ترجمه حاصل می شدند) و به پایان رسانیدن کتاب حاضر را، در من ایجاد نمودند.

این کتاب گلچینی از آثار چند نویسنده بزرگ می باشد که همسو بودن و اشتراک دیدگاههای آنها با موضوع مورد نظر (شخص و کار روح القدس) این امکان را فراهم ساخت که مطالب آنان با هماهنگی کامل در کنار یکدیگر قرار گرفته کتاب واحدی را شکل بخشند. اما علت اتخاذ این شیوه (گلچین نمودن مطالب)، تهیه کتابی ساده، قابل فهم برای عموم و در عین حال جامع (از جهت اینکه تمامی موضوعات قابل بحث را در بر داشته باشد) بوده است.

برای آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان محترم با وقایع اتفاق افتاده و مباحث صورت پذیرفته پیرامون این موضوع (روح القدس) در تاریخ کلیسا، فصل نخست کتاب به تاریخچه مختصر آموزه روح القدس اختصاص یافته است. اما بطور کلی این کتاب به شهادت عنوانش به دو مبحث شخص و کار روح القدس می پردازد و تمامی موضوعات قابل بحث را، ولو بطور خلاصه در بر می گیرد.

بدون شک این کتاب نسبتاً کوچک از کاستی ها به دور نخواهد بود، لیکن آرزوی من این است که خداوند این زبان الکن و ناقص را جهت منفعت رساندن به کلیسای خویش به کار گیرد. و کلیسا را متوجه گنج بی نظیر و موقعیت منحصر به فردی نماید که از روز پنطیکاست به آن اعطا گردیده است. باشد که کلیسای خداوند با روحی تجهیز شود که برهانش مجاب کننده استدلال گران، مکاشفاتش روشنی بخش طریق نجات، سکوتش سبب وفور نعمات و اعجازش تبدیل موت به حیات است.

در خاتمه از راهنمایی های گرانبهای برادران کشیش نینوس مقدس نیا و همکاری صمیمانه شرودر یادگار، که مرا در به پایان رسانیدن این کار یاری نمودند، سپاسگزاری می نمایم.

فهرست مندرجات

فصل اول : تاریخچه آموزه روح القدس

فصل دوم : شخصیت روح القدس

فصل سوم : الوهیت روح القدس

فصل چهارم : سمبل های روح القدس

فصل پنجم : کار روح القدس در دوره قبل از پنتیکاست (۱)

فصل ششم : کار روح القدس در دوره قبل از پنتیکاست (۲)

فصل هفتم : نقش روح القدس در مکاشفه و الهام

فصل هشتم : فیض عام و فیض موثر

فصل نهم : تولد تازه

فصل دهم : تعمید روح القدس

فصل یازدهم : سکونت روح القدس

فصل دوازدهم : عطایای روح القدس

فصل سیزدهم : گناه علیه روح القدس

فصل چهاردهم : پری روح القدس

فصل پانزدهم : ثمره روح القدس

فصل شانزدهم : اعمال دیگر روح القدس

این کتاب را به کشیش ادیسون آشوری و همسرش آنژل، آن عزیزان خوابیده در خداوند که در گوشه‌های ما سلامتی را ندا کردند و به جهت نجات جانهایمان، نزد خداوند تضرع نمودند،

و به شادروان دکتر شهرام حبیب زاده، آن شیخ بزرگوار کلیسای انجیلی، دوست و مشاور مهربان خادمین خدا و عطر خوشبوی کلیسا تقدیم می‌کنم.

فصل اول

تاریخچه آموزه روح القدس

از آغاز مسیحیت تا شورای نیکیه (۱)

الف (نشانه های راست دلیلی (۲)

در تاریخ کلیسا سیستم جامع اعتقادی که به « راست دینی » تعبیر می گردد به یکباره پدید نیامده است، زیرا در دوره های متفاوت، کلیسا به دلیل قرار گرفتن در موقعیتهای خاص به یکی از جنبه های تعلیم مسیحی توجه بیشتری معطوف می داشت و در موقعیتی دیگر به جنبه ای دیگر از آن می پرداخت.

بدین سبب آموزه روح القدس به دلیل اینکه در قرون اولیه مسیحیت مورد توجه از فرمول تعمیم، اعتقادنامه رسولان (The Apostles Creed)، برخی دفاعیات و جوابیه های طرح شده که تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) را مطرح نموده اند، کاملاً مشهود می باشد. مطرح نمودن تثلیث در کلیسای اولیه نشان می دهد که شخصیت و الوهیت روح القدس توسط آن کلیسا امری تصدیق شده بوده است.

ب (مونتانیسم (۳) در حدود ۱۵۰ میلادی

این جنبش که در واقع عکس العملی علیه سردی روحانی و افزایش دنیا پرستی در کلیسا بود توسط « مونتanos » در سال ۱۵۶ میلادی در « پرجه » (Phegia) به وجود آمد. او دو زن به نامهای پریسکا و ماکزیمیلا را شدیداً تحت تاثیر تعالیم خود قرار داد و اینان بودند که موجبات گسترش این جنبش را فراهم آوردند. آنها اعتقاد داشتند که دوره جدیدی تحت عنوان « پاراکلت (The Paraclete) آغاز شده است، و آنان به عنوان نبی، مکاشفات جدیدی از خداوند دریافت می نمایند. آنها همچنین در تعالیم خود بر پایان قریب الوقوع جهان تاکید نموده و نزول اورشلیم سماوی را در دشتهای مجاور وعده می دادند. بطوریکه به سبب اصرار آنان بر این امر تعدادی از شهرها از سکنه خالی گردید. اما چون این واقعه به وقوع نپیوست از نفوذ آنان بسیار کاسته شد. علاوه بر این، آنان معیارهای بسیار والای اخلاقی را برای پیروان خود وضع نموده و بر انجام آنها پافشاری می ورزیدند و در واقع وجود همین معیارهای والای اخلاقی بود که سبب گردید که « تر تولیان » (Tertullian) و عده ای دیگر جذب این جنبش گردند.

1 – The council of Nicea

2 – Orthodox Witness

3 – montanism

مونتانیسم در مقایسه با ناستیک ها (Gnostics)، جنبشی راست دین محسوب می گردید و در واقع این جنبش عکس العملی علیه ناستیک ها نیز به شمار می آمد، زیرا ناستیک ها با گرایشهای عقلانی خود مانعی بر سر راه مشارکت شخصی انسان با خدا ایجاد نموده بودند. با این وجود، کلیسا آیین مونتانیسم را به سبب تاکید بر دریافت مکاشفات جدید (سواى مکاشفات ثبت شده در کتاب مقدس) طرد نمود. اما با وجود تاکید فراوان بر کار روح القدس، در این دوره نیز آموزه روح القدس چهار چوبی مشخص به خود نگرفت.

ج) سابلیانیسم (۱) در حدود ۲۱۵ میلادی.

در واقع قبل از پرداختن به سابلیانیسم می باید به مونارکیانیسم (Monarchianism) اشاره داشته باشیم، زیرا از لحاظ عقیدتی، مونارکیانیسم را می توان سلف سابلیانیسم به شمار آورد. مونارکیانیست ها چنین تعلیم می دادند که عیسی مسیح تجلی صرف خدای پدر می باشد. نونتوس و پراکساس از رهبران این جنبش محسوب می گردیدند. آنان همچنین تعلیم می دادند که عیسی مسیحی که بر روی صلیب زحمت کشید در حقیقت همان خدای پدر بوده است. تعلیم مونارکیانیست ها سبب توجه بیشتر کلیسا به روابط موجود مابین اقانیم ثلاثه گردید و در این هنگام بود که سابلیانیست ها پدیدار گشتند. سابلیوس سرکرده این جنبش، تعلیم می داد که خدا نخست خود را چون خدای پدر و سپس چون خدای پسر و سرانجام چون روح القدس مکشوف نموده است. بر طبق این تعالیم پدر و پسر و روح القدس مکشوف نموده است. بر طبق این تعالیم پدر و پسر و روح القدس سه اقنومی که با هم از ازل در یک ذات الهی وجود داشته اند، نبودند، بلکه سه شکل و یا سه اسمی بودند که خدا را به وسیله آنها ظاهر فرموده بود. بدین ترتیب سابلیانیسم نخستین بدعت عمده تثلیث اقدس محسوب می گردد که توانست پیروان فراوانی در کلیسا بیابد.

د) آریانیسم (۱) در حدود ۳۲۵ میلادی

در حدود سال ۳۱۸ میلادی الساندر، اسقف اسکندریه برای کشیشان خود درباره سر عظیم تثلیث در وحدت، سخن می گفت. یکی از کشیشان به نام « آریوس » از اهالی شهر باوکالیس واقع در مصر که محقق زاهد، پرهیزکار و محبوب بود به سخنان الکساندر اعتراض نمود. او معتقد بود که تمایز موجود میان اقانیم تثلیث اقدس رعایت نشده است. آریوس که مایل بود از هر گونه برداشت و عقیده چند خدایی پرهیز کند، در مورد مسیح عقایدی را شکل داد که الوهیت واقعی او را خدشه دار می ساخت. او معتقد بود که خدا از خلقت کاملاً جداست، پس ممکن نیست مسیحی را که به زمین آمده و چون انسان تولد یافته است را با خدایی که نمی شود شناخت یکی بشماریم. همان ورطه ای که انسان را از خالق خود جدا می نماید مابین خدا و پسر وی عیسی مسیح نیز وجود دارد. پدر، پسر را تولید نمود یعنی پیش از هر چیز پسر به وسیله پدر از نیستی خلق گردید پس او مخلوق است و نمی تواند از ذات پدر باشد و در نتیجه به معنی تمام نمی توان او را خدا خواند. او همچنین اعتقاد داشت که روح القدس نیز نخستین مخلوق پسر بوده است. نظریات آریوس سبب بروز اختلافات و بالا گرفتن مناقشات شد. قسطنطین وارد عمل گردید و طرفین دعوا را به خویشتنداری و حفظ وحدت کلیسا ترغیب نمود، لیکن این کار نتیجه ای در بر نداشت. لذا برای پایان دادن به این مناقشه تصمیم گرفت که تمامی اسقفان مسیحی را برای تشکیل شورای کلیسا گرد هم آورد. این شورا در سال ۳۲۵ میلادی با حضور سیصد و هیجده اسقف در شهر نیقیه (واقع در ترکیه امروزی) تشکیل شد. عقاید آریوس در شورا مطرح گردید و مورد مخالفت شدید شماس جوانی به نام « آتاناسیوس » (Athanasius) قرار گرفت. آتاناسیوس (۲۹۵ تا ۳۷۳) در شورای نیقیه مدافع اعتقادی گردید که به عنوان نظر ارتودکس (راست دینی) پذیرفته شد. آنها در خاتمه اعتقادنامه ای (۲) را تدوین نمودند که به امضای اکثریت اعضای شورا رسید.

این اعتقاد نامه الوهیت و هم ذات بودن مسیح با خدا را تایید نمود. اما شورا تمامی توجه خویش را به الوهیت و هم ذات بودن مسیح با خدا مبذول نموده به شخص روح القدس نپرداخت، بطوری که تنها به ذکر این جمله در اعتقادنامه: « که ما اعتقاد داریم به روح القدس » بسنده نمود. علت عدم توجه شورا این بود که روح القدس در مرکز کانون مناقشات قرار نگرفته بود. با این حال آتاناسیوس در تعالیم خود با قدرت تمام از این عقیده که روح القدس نیز همانند پسر هم ذات پدر می باشد حمایت و جانبداری می نمود.

۱ - Arianism

۲ - این اعتقادنامه با اعتقادنامه نیقیه که امروز در کلیسا مورد استفاده قرار می گیرد اندکی متفاوت است. اعتقادنامه ای که در سال ۳۲۵ میلادی تدوین گردید با جمله « ایمان داریم به روح القدس » خاتمه می یابد و به دنبال آن نظرات آریوس محکوم می شوند. این اعتقادنامه بعدها اندکی بسط یافت و به شکل اعتقادنامه نیقیه امروزی درآمد.

الف (شورای قسطنطنیه (۱) ۳۸۱ میلادی

اگر چه تعلیم شخصی آتاناسیوس در مورد روح القدس تعلیمی واضح و راست دین بود، اما همانطور که ذکر گردید شورای نیقیه به مبحث روح القدس پرداخت و آن را به صورت نا مشخص باقی گذاشت. دیری نپایید که شخصی به نام « ماسدونیوس » (Macedonius) که بین سالهای ۳۴۱ و ۳۶۰ میلادی اسقف قسطنطنیه بود با تعلیم خود آغاز گر بدعت نوینی گشت. بر طبق تعلیم او، روح القدس یک خادم در سطح فرشتگان محسوب می گردید. در نتیجه به همان اندازه ای که تعلیم آریوس مقام مسیح را پایین می آورد، این تعلیم نیز مقام روح القدس را تنزل می داد. اما در آن دوره افرادی همچون « بازیل قیصریه » (Basil of Caesarea)، « گریگوری نازیانزوس » (Gregory of Nazianzus) و « گریگوری نیسا » (Gregory of Nyssa) با حمایت و ترویج دیدگاه ارتودکس، راه را برای تشکیل شورای قسطنطنیه مهیا ساختند. اما زمانی که این موضوع بار دیگر موجب بالا گرفتن مناقشات گردید، تئودوسیوس (امپراتور وقت که از جانشینان قسطنطین بود) را مجبور ساخت که شورای دیگری برای حل این مشکل تشکیل دهد. شورا در سال ۳۸۱ میلادی با حضور یکصد و پنجاه اسقف که همگی از قسمت شرقی بودند در شهر قسطنطنیه تشکیل گردید. شورای قسطنطنیه تحت رهبری گریگوری نازیانزوس اعتقادات خود راجع به روح القدس را بدین صورت جمع بندی نمود: « و ما ایمان داریم به روح القدس، خداوند حیات بخش که از پدر صادر می شود، و با پدر و پسر او را تمجید می باید کرد، که او به وسیله انبیاء تکلم کرده است. »

نکته قابل توجه در این میان اتخاذ شیوه ای محتاطانه از جانب شورا و پرهیز آنان از به کارگیری عبارت « هم ذات » (Same Substance) (که در اعتقادنامه نیقیه برای مسیح به کار گرفته شد)، جهت نشان دادن همانندی روح القدس با پدر و پسر می باشد. در حقیقت اعتقادنامه، روح القدس را خدا نخواند، اما عباراتی را جهت توصیف و تشریح عملکرد او به کار گرفت که هرگز نمی توان آنها را به یک مخلوق نسبت داد.

در هر حال، شورا با پیروان ماسدونیوس تقابل نمود، ولو اینکه اظهار نظر قطعی راجع به هم ذات بودن روح القدس با پدر انجان نپذیرفت و رابطه روح القدس با پدر و پسر تعریف نگردید، اما درسا به همان صورت که شورای نیقیه مسئله الوهیت مسیح را حل نمود، شورای قسطنطنیه نیز این مهم را در مورد روح القدس به انجام رسانید.

۱ - درباب تثلیث (۲)

عقیده به تثلیث در کلیسای غرب به وسیله آگوستین، فرمول نهایی خود را یافت. علاقه و باور شخصی آگوستین به آموزه فیض او را به سوی توجه هر چه بیشتر به روح القدس سوق داد، زیرا تجربیات شخصی آگوستین به او آموخته بود که قدرت روح القدس در زندگی یک فرد ایماندار امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد. او در این رساله تعلیم می دهد که هریک از اقانیم ثلاثه از کل جوهر الهی برخوردار بوده دارای اتکای متقابل می باشند. آگوستین عنوان می کند که از به کار بردن کلمه « اشخاص » در مورد سه هم ذات خشنود نیست و او کلمه مذکور را تنها به جهت پرهیز از سکوت به کار برده است. او همچنین معتقد بود که روح القدس از پدر و پسر صادر شده است.

۲ - مباحثه « پیلاگیوس » (۳) ۴۳۱ میلادی

آگوستین بر کار روح القدس همچون فیض موثر تاکید فراوان می نمود. بطوریکه او معتقد بود، خلقت جدید منحصراً کار روح القدس می باشد. او تعلیم می داد که انسان در ابتدا به صورت خدا آفریده شده بود و در انتخاب خوب و بد آزاد بود، اما گناه همه انسانها را اسیر ساخت. اراده انسان در اثر سقوط آدم کاملاً دچار انحطاط گشته و از این رو به هیچ وجه قادر به ایفای نقش در امر نجات نمی باشد. او معتقد بود که همه انسانها گناه را از آدم به ارث برده اند و به همین جهت هیچکس قادر نیست از گناه اولیه بگریزد. اراده انسان آنچنان در قید است که هیچ کاری در جهت نجات خود نمی تواند انجام دهد. نجات فقط از طریق فیض خدا در مسیح نصیب برگزیدگان می گردد. خدا باید اراده انسان را به کار اندازد تا او بتواند عطیه فیض خدا را بپذیرد، عطیه ای که فقط نصیب آنانی می شود که برای نجات، برگزیده سده اند. اما « پیلاگیوس » راهب انگلیسی در طرف دیگر بحث قرار داشت. بر طبق تعلیم او هر انسانی مانند آدم، آزاد خلق شده و دارای قدرت انتخاب خوب و بد می باشد. هر نفسی، خلقت مستقل خداست و به همین علت تحت تاثیر مخرب گناه آدم نمی باشد. فراگیر بودن گناه در جهان از طریق ضعف جسم انسان توجیه می شود و نه از طریق انحطاط اراده انسان به وسیله گناه اولیه. انسان، گناه اولیه را از جد نخستین به ارث نمی برد. خداوند در واقع با اعطای شریعت و احکام سرمشق و دستورهای قدیسان، آب پاک تعمید و خون رستگار کننده مسیح ما را یاری می کند و انتخاب سرنوشت ما را به خودمان وا می گذارد. بطور کلی او تعلیم می داد که انسان می تواند و باید با انجام کارهای نیکو با خدا مصالحه نماید. شورای افسس (The council of Ephesus) (۴۳۱ میلادی) پیرامون عقاید پیلاگیوس مبنی بر رستگاری انسان بدون عنایت و یاری خدا بحث نمود، آن را محکوم نمود و به عنوان بدعت رد کرد. اگر چه عقیده پیلاگیوس محکوم گردید، لیکن از کلیسا اخراج نشد زیرا امروز نیز عقاید مشابه عقاید پیلاگیوس و همچنین طرف مقابل او آگوستین را می توان مشاهده نمود.

ج) شورای کالسدون (۱) ۴۵۱ میلادی

شورای کالسدون با شرکت نمایندگان از حوزه های روم، قسطنطنیه، انطاکیه و اورشلیم، تصمیمات اتخاذ شده در شورای نیقیه و قسطنطنیه را تایید کرد. این شورا صریحاً اعلام نمود که اعتقادنامه نیقیه آموزه تثلیث اقدس را به نحوی شایسته و کافی شرح داده است و اضافه شدن مواردی چند بر اعتقادنامه مذکور در شورای قسطنطنیه تنها جهت شفاف تر شدن موضوع مورد بحث بوده و اقدامی در جهت تغییر اعتقادنامه محسوب نمی گردد. بدین ترتیب این نتیجه گیری به طرز محکمی آموزه الوهیت روح القدس را تایید نمود.

د) شورای تولدو (۲) ۵۸۹ میلادی

اگر چه مسئله الوهیت روح القدس در شورای قسطنطنیه و کالسدون حل گردید، لیکن هنوز مسئله مهم دیگری در مورد رابطه دقیق و صریح روح القدس با پدر و پسر همچنان حل نشده، باقی مانده بود. به همین دلیل موضوع مذکور به عنوان مشکلی رو به گسترش در کلیسای غرب نمایان گردید (قبلاً مبحث الوهیت روح القدس در کلیسای شرق مشکل ساز شده بود). در ابتدا شورای قسطنطنیه کلمه « مولود » (۳) را برای توصیف رابطه پدر و پسر، و « صادر شده » (Procession) را برای نشان دادن رابطه روح القدس به کار برد. اما سوال بدون پاسخی که در این میان باقی ماند، این بود که آیا روح القدس تنها از پدر صادر شده است؟ یا از پدر و پسر؟ اگر چه شورای قسطنطنیه مسئله صادر شدن روح القدس از پسر را صریحاً عنوان ننمود، لیکن ایمان بسیاری از رهبران کلیسای این بود که « روح » از پدر و پسر صادر شده است. زیرا پذیرش اینکه روح القدس تنها از پدر صادر شده است یگانگی پسر با پدر را انکار می نمود. اما رهبران کلیسای در اینباره اتفاق نظر نداشتند، زیرا عده ای دیگر چنین استدلال می کردند که با پذیرش صادر شدن روح القدس از پدر و پسر، او را به پسر وابسته نموده به الوهیت او خدشه وارد می نماییم.

الهیدانان کلیسای غرب صادر شدن روح القدس از پدر و پسر را پذیرفته در شورای تولدو، لفظ معروف « فیلپوکبو » (Filio – Que)، به مفهوم « و پسر » را بر اعتقادنامه قسطنطنیه اضافه نمودند. (۴). این اقدام سبب بروز بحثهای فراوان گردید، اما وجود لفظ مذکور (و پسر) در اعتقادنامه نه تنها بعدها مورد تردید واقع نگردید بلکه در شوراهای متوالی تکرار شده، به عنوان تعلیم درست پذیرفته گردید. اما کلیسای شرقی، کلیسای غربی را به ساخت و پاخت های محرمانه و غیر قابل قبول در مورد اعتقادنامه قسطنطنیه محکوم نمود، اضافه شدن لفظ مذکور را هرگز نپذیرفت. کلیسای مذکور این عمل را تا امروز نوعی بدعت به شمار می آورد.

۱ – The Council of Chalcedon – ۲ – The Synod of Toledo

۳ – Generation

۴ – با اضافه شدن لفظ « و پسر »، جمله مورد بحث در اعتقادنامه قسطنطنیه به شکل: « که از پدر و پسر صادر می شود » در آمد.

با این وجود حداقل در کلیسای غربی در میان سوالات فراوانی که وجود داشت سه سوال اساسی پاسخ خود را یافتند. بطوری که مسئله الوهیت پسر در شورای نیقیه، الوهیت روح القدس در شورای قسطنطنیه و صادر شدن روح القدس از پدر و پسر در شورای تولدرو حل و فصل گردیدند. و در واقع پدید آمدن بدعتها بود که کلیسا را جهت پرداختن به این مسائل مهم تحت فشار قرار داد و منجر به حل این مباحث بزرگ تعلیمی گردید.

۵ (آبلارد (۱) ۱۰۷۹ - ۱۱۴۲ میلادی

سخنان « آبلارد » راجع به تثلیث به گونه ای می باشند که سبب محسوب شدن او در صف سابلیانیست ها گردیده است. او چنین اظهار می نمود که نام پدر نشان دهنده قدرت، پسر نشان دهنده حکمت و روح القدس نشانگر نیکویی می باشد. در برخی مواقع چنین به نظر می رسد که او به وجود شخصیت حقیقی در نزد اقانیم ثلاثه اشاره می نماید، اما در مواقعی دیگر سخنان و نوشته های او حکایت از عقاید « مودالیستیک » (۲) او می نمایند.

۶ (توماس آکویناس (۳) ۱۲۲۷ - ۱۲۷۴ میلادی

تعالیم این شخص همواره از اعتقاد درست او نسبت به تثلیث حکایت می کنند. اما روی هم رفته قرنهای طول کشید که اصلاح گران پروتستان بر آموزه روح القدس که به شایستگی توسط آگوستین طبقه بندی شده بود اندکی بیفزایند و از آن فراتر بروند زیرا اگر چه در دوران آکویناس، نفوذ آگوستین هنوز در کلیسای غربی مشهود بود لیکن کلیسا تفکری نیمه پلاگیوسی یافته بود. علاوه بر این رشد سریع قدرت روحانیون (اسقفان و کشیشان) در کلیسا و پیامدهای آن سبب بازداشتن افکار بسیاری از توجه و مطالعه بیشتر پیرامون روح القدس گردید. اگر چه در این دوره برخی اوقات گرایشهای عرفانی مشاهده شده است لیکن تا دوران اصلاحات کلیسا آموزه روح القدس هیچگاه بطور جدی مورد توجه و مطالعه قرار نگرفت.

۱ - Abelard

۲ - (Modalistic)، پیروان این عقیده بر این باورند که اقانیم ثلاثه از شخصیت جداگانه ای برخوردار

نمی باشند

۳ - Thomas Aquinas

۳ - از اصلاحات کلیسا تا زمان معاصر

الف (اصلاحات پروتستان (۱) ۱۵۱۷ میلادی

در ایام اصلاحات، توجه کلیسا بار دیگر به سوی روح القدس جلب گردید. در آن ایام اصلاح گران توجه خود را بیشتر به کار روح القدس مبذول داشتند، اما اعتقادات آنان نشان می دهند که آنها پیرو آموزه صحیح روح القدس در رابطه با دیگر اشخاص تثلیث بوده اند. آنها همچنین با بازگشت به موازین آگوستین مبنی بر تباهی کامل انسان بر ضرورت کار « روح » و اعطای تولد تازه به انسان تاکید می نمودند. علاوه بر این اصلاح گران در زمانی که کلیسای کاتولیک رومی تعلیم می داد که تفسیر کلام تنها می تواند توسط اسقفان و کشیشان صورت پذیرد، بر این واقعیت تاکید می نمودند که همه ایمانداران، می توانند با راهنمایی و تعلیم روح القدس کتاب مقدس را مطالعه نموده، تفسیر نمایند. آنها تعلیم می دادند که روح القدس به عنوان الهام کننده کتاب مقدس می تواند فکر ایمانداران را برای درک آن کتب روشن نماید. تاکید لوتر بر رستگاری به وسیله ایمان سبب گردید که او از کار روح القدس در مورد نجات افراد، بسیار سخن گوید. تاکید کالوین بر جنبه هایی از کار روح القدس که با دیگر اشخاص تثلیث همراه می باشند، بود. او همچنین بر ضرورت کار روح القدس در قلوب و زندگی ایمانداران اعتقاد راسخ داشت.

اسناد و اعتقادنامه های متعددی که در ایام اصلاحات پدید آمدند، همگی جامه راست دینی در بر دارند. اعتقادنامه آگسبورگ (Confession The Augsburg)، مقالات انگلیکان (The Anglican Articles)، اعتقاد نامه هلوتیک (The Helvetic Confession)، اعتقاد نامه وست مینستر (The Westminster Confession) و ... تماماً به متابعت از اعتقادنامه کالدون از الوهیت روح القدس به همراه لفظ « Filio que » (و پسر)، دفاع نموده، بر آن تاکید کرده اند. در واقع شاید بتوان گفت که از دوران اصلاحات کلیساست که ما برای نخستین بار شاهد آموزه بسط یافته و تکمیل شده روح القدس می باشیم.

ب (سوسیانیست ها (۲) و آرمینیست ها (۳)

تقریباً می توان گفت که هر نهضت دینی گرایشهای افراطی و عکس العمل هایی را به دنبال دارد. و نهضت اصلاحات کلیسا نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. بطوری که برخی تا حد افراط، به گونه ای کاملاً نامتعادل، به دنبال غلبان احساسات و عرفان رفته، عده ای دیگر به سوی عقل گرایی کشیده شدند، به صورتی که ضرورت کار روح القدس در زندگی افراد را کاملاً نادیده گرفتند. در قرن شانزدهم « سوسیانیست ها » تعلیم می دادند که پذیرش هم ذات بودن اقانیم ثلاثه اشتباهی بزرگ می باشد. این تعلیم آنها را می توان انعکاس تعلیم آریانیست ها به شمار آورد. لیکن آنها به این هم بسنده ننموده فراتر از آن، ازلی بودن مسیح را نیز انکار کردند. آنها همچنین روح القدس را نیروی به شمار می آورند که از خدا به سوی انسان جاری می شود.

اما از خود کلیسای اصلاح شده نیز مشکل جدی دیگری تحت عنوان الهیات آرمینیوسی پدیدار گشت. الهیات « آرمینیوس » (۱) به تاکید بر اراده و تلاش انسان، گرایش داشت و بدین ترتیب از این دیدگاه نجات انسان بیش از اینکه کار خدا باشد به عمل انسان مبدل می گردید. بدین ترتیب الهیات آرمینیوس اراده انسان را جایگزین عمل روح القدس در اعطای تولد تازه به انسان نمود. شورای « دورت » (The synd of Dort) (۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ میلادی) جهت بررسی موضوع تشکیل یافت، این شورا ضمن محکوم نمودن الهیات آرمینیوس، با قویترین شکل ممکن بر نیاز به کار و قدرت روح القدس در زندگی افراد تاکید نمود. با این حال شورا، الهیات آرمینیوسی را از کلیسا محو ننمود و این الهیات تا به امروز باقی مانده است. نهضت « پیوریتن » (The Puritan Movement) در انگلستان به سبب تاکید بر آموزه فیض، بشدت با آرمینیست ها مقابله نمود.

ج (جان اوون (۲) ۱۶۱۶ - ۱۶۸۳ میلادی

یکی از بزرگترین دستاوردهای پیوریتن ها کتاب « مباحثی درباره روح القدس » نوشته « جان اوون » می باشد. بسیاری بر این باورند که کتاب مذکور هرگز جایگزینی نداشته است. این کتاب مبادی و اصول بسط یافته اصلاحات در مورد روح القدس و زندگی مسیحی را در بر داشته از ارزشی انکار نشدنی برخوردار می باشد.

د (ابراهام کیپر (۳) ۱۸۳۷ - ۱۹۲۰ میلادی

کار « ابراهام کیپر » نیز یک کار کلاسیک محسوب می گردد. او به ویژه دیدگاه عقل گرایانه را از سراسر اروپا جارو نموده بود. در اروپا « سودنبرگ » (Swedenborg) (۱۶۸۸ - ۱۷۲۲ میلادی) تثلیث را انکار نمود. « شلایر ماخر » (Schleiermacher) (۱۷۶۸ - ۱۸۳۴ میلادی) با وجود اینکه با تاکیدش بر واقعیت مذهب شخصی و نیاز انسان به آن، با عقل گرایی مقابله نمود، لیکن واقعیت عینی تجسم، صلیب و آمدن روح القدس را نپذیرفت. آموزه تثلیث او بر پایه نظریه سابلیانیسم که در همین فصل مورد بررسی قرار گرفت، پایه گذاری شده بود. او همچنین شخصیت قابل تمیز روح القدس را نیز مورد انکار قرار داد. « آلبرخت ریچل » (Ritschel) (۱۸۲۲ - ۱۸۸۹ میلادی)، مونارکیانیسم پولس اهل ساموساتا را مجدداً احیا نمود. الهیات او عاری از امور ماوراء الطبیعه بود و همین امر الزاماً دیدگاه او، راجع به روح القدس را تحت تاثیر قرار داده بود.

۱ - Arminius ، آرمینیوس از ۱۵۶۰ تا ۱۶۰۹ میلادی

۲ - John Owen

۳ - Albraham Kuyper

ه) برادران پلیموت (۱) در حدود ۱۸۲۵ میلادی

ما درک شایسته و مناسب عمل « تعمید روح » و ماهیت مشخص کلیسای عهد جدید را مدیون برادران پلیموت می‌باشیم. کلیسا همچنین به جهت تاکید آنان بر اهمیت کلام خدا، اشراق روح القدس و موقعیتی که ایمانداران به وسیله عمل روح القدس در مسیح می‌یابند به این فرقه مدیون می‌باشد. اگر چه این فرقه بعدها دچار شقاقی دردناک گردید لیکن شهادت ضروری بر حضور، قدرت و هدایت روح القدس در کلیسا را به انجام رسانید.

راست دینی جدید (۲).

راست دینی جدید نهضتی است که در قرن بیستم توسط الهیات « کارل بارت » (Karl Barth) (۱۸۸۶ - ۱۹۶۸) شکل گرفت. در واقع راست دینی جدید را باید عکس‌العملی در مقابل آزاد اندیشی که تا جنگ جهانی اول دوام داشت به شمار آورد. جنگ جهانی سبب گردید که مردم به شکل جدی راجع به گناه و فقدان صلاحیت و توانایی جهت حل مشکلات خود بیندیشند. نهضت راست دینی جدید ادعا می‌نمود که حرکت اصلاحی جدیدی است که انسان را به بازگشت به سوی کتاب مقدس فرا می‌خواند. در حقیقت راست دینی جدید ادعای خویش را به انجام رسانید، لیکن بازگشت آنان به سوی کتاب مقدس اصلاح‌گران نبود. زیرا الهیدانان راست دینی جدید با میل و رغبت تعالیم آزاد اندیشان راجع به صحت و درستی کتاب مقدس را پذیرفته بودند و در عین حال تلاش در موعظه پیغامهای آن داشتند.

اغلب الهیدانان راست دینی جدید، روح القدس را بیش از اینکه یکی از اشخاص تثلیث به شمار آورند، کار و فعالیت خدا می‌شمردند. دیدگاه خود بارت راجع به تثلیث را می‌توان دیدگاهی « مودالیستیک » به شمار آورد. اگر چه خود او از طرفی تجلی خدا به سه شکل متفاوت را رد می‌نمود، لیکن از سوی دیگر به کارگیری اصطلاح (شخص) برای اقامیم ثلاثه را نیز، به عنوان تعلیم سه‌خدایی نمی‌پذیرفت. به نظر می‌رسد که از دیدگاه بارت، تثلیث طریق سه‌گانه تجلی و کمتر از سه شخص می‌باشد. با این حال بارت بر خلاف اغلب اساتید راست دینی جدید، به الوهیت روح القدس اعتقاد داشت.

ز) آزاد اندیشی جدید (۳).

ظهور و پذیرش وسیع الهیات راست دینی جدید سبب گردید که آزاداندیشان عقاید خویش را مورد بررسی مجدد قرار دهند. نتیجه این بررسی مجدد سبب پدید آمدن آزاداندیشی جدید گردید که نسبت به آزاداندیشی قدیم از خوش بینی کمتر برخوردار بوده، گناه را بسیار جدی تر از اسلاف خویش تلقی می‌نمودند. اما با وجود اینکه نحوه تقرب آزاداندیشی جدید به مشکلات جهانی اندکی تغییر یافته بود لیکن تعلیم آنها کمترین تغییر را نسبت به تعالیم آزاداندیشی قدیم بخود دیده بود. آزاداندیشی جدید بسرعت و بطور کامل از آموزه راست دینی روح القدس صرف نظر نمود، زیرا آنها به الوهیت اقنوم دوم تثلیث اعتقادی نداشتند. در واقع آنها واقعیت تثلیث و قطعاً الوهیت سومین شخص آن را نیز نمی‌پذیرفتند. آزاداندیشان جدید روح القدس را صرفاً یک عمل خدا به شمار آورده او را فاقد هر نوع صفت و شخصیت قابل تمیز می‌دانستند.

ح) پنطیکاستی ها (۱)

بدون شک نهضت پنطیکاستی را باید عکس العملی در برابر کم ثمری کلیسای معاصر به شمار آورد. پنطیکاستی ها بر عمل تعمید روح القدس و تجربه تمامی عطایای کلیسای اولیه خصوصاً تکلم به زبانها و شفای بیماران تاکید می نمایند. این نهضت آموزه صحیح روح القدس را تقبل نموده است. آنها همچنین بر واقعیت کار روح القدس در زندگی ایمانداران مسیحی تاکید نموده آن را ترویج می نمایند، لیکن در این مورد عملکرد آنان در تمامی مواقع خالی از اشکال نیست.

حال ما با نظری کلی به تاریخ کلیسا در وهله نخست متوجه فرمول اولیه آنچه که آموزه راست دینی روح القدس خوانده می شود می گردیم، این فرمول در شوراهاى اولیه کلیسا تعریف گردید و در دوران اصلاحات بسط یافته، کامل گردید. در هر حرکتی که جهت تعریف یا بسط آموزه مذکور صورت پذیرفت جریاناتی از آن منشعب گردیده به سوی عقل گرایی خشک یا غرق شدن در احساسات نامتعادل و عرفان برداشتند. ما باید از تاریخ کلیسا بیاموزیم که آموزه صحیح روح القدس نه تنها اهمیت فوق العاده برای ایمان ما دارد بلکه برای زندگی ما نیز امری حیاتی تلقی می گردد.

Pentecostalism – ۱

در این فصل علاوه بر منابع اصلی، از منابع زیر نیز بطور مختصر استفاده شده است :

(۱) « تاریخ تمدن - عصر ایمان ۱ » ویل دورانت

(۲) « سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ » ارل کرنز - ترجمه آرمان رشدی.

فصل دوم

شخصیت روح القدس

موضوع شخصیت روح القدس واقعیتی است که از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد. انکار شخصیت روح القدس به معنی انکار موجودیت اوست. و این عمل به معنی انکار واقعیت تثلیث و همچنین نفی تعلیم کتاب مقدس در مورد آن تلقی می گردد.

با این حال، همانطور که در فصل قبل مشاهده گردید، شخصیت روح القدس در طی دوره های مختلف بارها مورد سوال و انکار قرار گرفته است. این عمل ابتدا توسط مونارکیانیست ها و آریانیست ها صورت پذیرفت. آریانیست ها روح القدس را تنها یک نیروی صرف به شمار می آوردند که از خدا صادر گردیده است. سوسینیانیست ها نیز در ایام اصلاحات کلیسا از منکران شخصیت روح القدس به شمار می آمدند. همچنین در دوره های نزدیکتر، شلاپرماخر، ریچل، یونیتاریان ها (۱)، آزاداندیشان (Liberals)، و اکثریت الهیدانان راست دینی جدید منکر شخصیت روح القدس گردیدند.

اغلب اشخاصی که شخصیت روح القدس را انکار می کنند واژه شخصیت انگاری را به جای شخصیت به کار می گیرند، و این در حالی است که واژه مزبور در تعالیم آنان با آنچه که مفهوم شخصیت در تعلیم ارتودکس (راست دین) دارد، یکسان نمی باشد. اما ما در این قسمت به ذکر و بررسی دلایلی که وجود شخصیت روح القدس را تأیید می کنند، می پردازیم.

الف) روح القدس خصوصیات شخصیت را دارا می باشد.

اگر داشتن شخصیت منوط به داشتن قوه تعقل، احساسات و اراده باشد، به سادگی می توان ثابت نمود که روح القدس به دلیل داشتن قوه تعقل، احساسات و اراده دارای شخصیت می باشد.

(۱) قوه تعقل

روح القدس همه چیز خدا را تفحص نموده و می داند (اول قرنیتیان ۲ : ۱۰ - ۱۱ ، اشعیا ۱۱ : ۲ ، افسسیان ۱ : ۱۷). در رساله رومیان ۸ : ۲۷، از روح القدس به عنوان فکر سخن به میان آمده است و همچنین او قادر به تعلیم انسان می باشد. (اول قرنیتیان ۲ : ۱۳)

۱- Unitarians این فرقه منکر تثلیث و الوهیت مسیح بودند.

(۲) احساسات.

واقعیت دیگری که کتاب مقدس آن را نشان می دهد احساس روح القدس است. این امر خود گواه دیگری بر این ادعاست که روح القدس دارای شخصیت می باشد. به عنوان مثال در رساله افسسیان ۴ : ۳۰ بیان شده است که روح القدس از اعمال و رفتار گناه آلود ایمانداران محزون می گردد: « پس روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده اید، محزون مسازید » و این در حالی است که یک نیروی صرف هرگز محزون نمی شود. در جایی دیگر پولس رسول اساس نصیحت خویش را بر محبت روح القدس قرار می دهد (رومیان ۱۵ : ۳۰).

(۳) اراده

در رساله اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۱، صریحاً گفته شده است که « عطایای روح » بر حسب اراده روح القدس در بین ایمانداران توزیع می گردند. همچنین روح القدس قادر به هدایت فعالیت خادمین خدا می باشد. این واقعیت به طرز جالبی در هدایت پولس رسول در میسیا و ترواس به نمایش درآمده است. بطوری که روح القدس، پولس را از ورود و موعظه در آسیا و بطینیا منع نموده، سپس او را به واسطه رویای مرد مکادونیه ای به سوی اروپا روانه می کند (اعمال ۱۶ : ۶ - ۱۱).

ب - روح القدس اعمالی انجام می دهد که تنها یک شخص قادر به انجام آنهاست.

در کتاب مقدس اعمالی به روح القدس نسبت داده شده اند که هرگز نمی توان آنها را به یک نیرو یا انرژی صادر شده نسبت داد. این قبیل اعمال تنها می توانند توسط یک شخص انجام پذیرند و این خود دلیلی دیگر بر تایید وجود شخصیت روح القدس می باشد.

(۱) روح القدس تعلیم می دهد.

« لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد » (یوحنا ۱۴ : ۲۶).

(۲) روح القدس شهادت می دهد.

« لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم آید یعنی روح راستی که از پدر صادر می گردد، او بر من شهادت خواهد داد » (یوحنا ۱۵ : ۲۶).

« همان روح بر روحهای ما شهادت می دهد که فرزند خدا هستیم » (رومیان ۸ : ۱۶).

(۳) روح القدس هدایت می کند.

« زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خدایند » (رومیان ۸ : ۱۴).

(۴) روح القدس ملزم می نماید.

« و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود » (یوحنا ۱۶ : ۷ - ۸).

(۵) روح القدس معجزات به انجام می رساند.

« و چون از آب بالا آمدند روح خداوند فیلیپس را برداشته خواجه سرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را بخوشی پیش گرفت » (اعمال ۸ : ۳۹).

(۶) روح القدس اشخاص را به خدمت خاص فرا می خواند.

« چون ایشان در عبادت خداوند و روزه مشغول می بودند روح القدس گفت برنابا و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام » (اعمال ۱۳ : ۲).

(۷) روح القدس اشخاص را برای انجام خدمت مسیحی اعزام می نماید.

« پس ایشان از جانب روح القدس فرستاده شده به سلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قبرس آمدند » (اعمال ۱۳ : ۴).

(۸) روح القدس شفاعت می نماید.

« و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می باید نمی دانیم لیکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد. » (رومیان ۸ : ۲۶)

ج - با او همچون یک شخص رفتار می شود.

(۱) رسولان از او اطاعت می کند.

« و چون پطرس در رویا تفکر می کرد، روح وی را گفت اینک سه مرد ترا می طلبند، پس برخاسته پایین شو و همراه ایشان برو هیچ شک مبر زیرا که من ایشان را فرستادم. پس پطرس نزد آنانی که کرنیلیوس نزد وی فرستاده بود پایین آمد » (اعمال ۱۰ : ۱۹ - ۲۱).

(۲) به او دروغ گفته میشود.

« آنگاه پطرس گفت : ای حنانيا، چرا شيطان دل ترا پر ساخته است تا روح القدس را فريب دهی و مقداری از قيمت زمين را نگاه داری؟ (اعمال ۵ : ۳).

(۳) با او مخالفت می شود.

« ای گردنکشان که به دل و گوش نامختونيد، شما پيوسته با روح القدس مقاومت می کنيد، چنانکه پدران شما هم چنين شما « (اعمال ۷ : ۵۱).

(۴) او را محزون می نمايند.

« و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده ايد، محزون مسازيد. « (افسسيان ۴ : ۳۰)

(۵) عليه او سخنان کفرآمیز گفته می شود.

« از اين رو شما را می گويم هر نوع گناه و کفر از انسان آمرزيده می شود ليکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد « (متی ۱۲ : ۳۱).

(۶) مورد بی حرمتی قرار می گيرد.

« پس به چه مقدار گمان می کنيد که آن کس مستحق عقوبت سخت تر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پايمال کرد و خون عهدي را که به آن مقدس گردانیده شده ناپاک شمرد و روح نعمت را بی حرمت کرد « (عبرانيان ۱۰ : ۲۹).

با توجه به نکات مذکور و چگونگی رفتار اشخاص با روح القدس در می يابيم که با او همچون یک شخص رفتار می گردد.

د - روح القدس اصول دستور زبان را نقض می نمايد.

در زبان يونانی کلمه " Pneuma " را برای روح به کار می برند و اين کلمه در واقع کلمه ای خنثی می باشد.

بر طبق اصول معمول دستور زبان، هر ضميری که جایگزین این اسم خنثی گردد خود نیز قطعاً باید خنثی باشد. با این حال نویسندگان کتاب مقدس در قسمتهای متعددی، از این اصل معمول دستور زبان متابعت ننموده اند. آنها بجای جایگزین نمودن ضمير خنثی در مورد اسم خنثی روح (Pneuma) عمداً قوانین دستور زبان را نقض نموده، ضمير مذکر را بکار گرفته اند.

آنها در مورد روح القدس از سه ضمير استفاده کرده اند که همگی آنها مذکر می باشند :

(۱) در انجیل یوحنا ۱۶ : ۱۳ - ۱۴ ، ضمیر اشاره مذکر برای « روح » (Pneuma) به کار گرفته شده است (در ترجمه یونانی متن مشخص است).

(۲) در انجیل یوحنا ۱۵ : ۲۶ و رساله به افسسیان ۱ : ۱۴ ، ضمیر ربط مذکر برای « روح » (Pneuma) به کار گرفته شده است (در ترجمه یونانی متن مشخص می باشد).

(۳) و سرانجام در انجیل یوحنا ۱۶ : ۷ - ۸ ضمیر شخصی مذکر جایگزین اسم خنثی « روح » شده است، « ... اما اگر بروم، او (در زبان یونانی ضمیر شخصی مذکر می باشد) را نزد شما خواهم فرستاد. »

به کارگیری ضمائر فوق نشان می دهد که نویسندگان کتاب مقدس با علم به شخصیت روح القدس به این کار مبادرت ورزیده اند. آنها هیچگاه روح القدس را یک نیروی صرف به شمار نیاورده اند. این انحرافات عمدی از مسیر معین قوائد دستور زبان و به کارگیری انواع متعدد ضمائر مذکر دلیل محکم دیگری برای اثبات واقعیت شخصیت روح القدس می باشد.

فصل سوم

الوهیت روح القدس

کتاب مقدس خود را تنها به تایید شخصیت روح القدس محدود نمی کند، بلکه به طرق متعددی الوهیت او را نیز، اثبات می نماید.

۱ - روح القدس عناوین الهی را بر خود می گیرد.

وقتی که او « روح خدا » خوانده می شود، بدین معنی است که او همان شخص خداست. اول قرنیتیان ۲ : ۱۱ آشکارا نشان می دهد که همان طور که انسان و روح او یک هستند، خدا و روحش نیز یک می باشند: « زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بداند جز روح انسان که در وی می باشد. همچنین نیز امور خدا را هیچکس ندانسته است جز روح خدا. »

۲ - روح القدس صفات الهی را دارا می باشد.

(الف) او دانای مطلق است. « روح همه چیز حتی عمقهای خدا را نیز تفحص می کند. » (اول قرننثیان ۲ : ۱۰ - ۱۱)

(ب) او حاضر مطلق است. « از روح تو کجا بروم » (مزمور ۱۳۹ : ۷). همچنین روح القدس بطور همزمان در قلوب همه ایمانداران ساکن است (یوحنا ۱۴ : ۱۷ را بخوانید).

(ج) او قادر مطلق است. « نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من » (زکریا ۴ : ۶). در واقع روح القدس عمل آفرینش را انجام می دهد: « روح خدا مرا آفریده است » (ایوب ۳۳ : ۴)، « چون روح خود را می فرستی، آفریده می شوند » (مزمور ۱۰۴ : ۳۰).

(د) او « روح » راستی است. عیسی می تواند بگوید: « من راستی هستم » زیرا او خداست. به همان طریق در اول یوحنا ۵ : ۶ شهادت داده می شود که روح القدس نیز حقیقت محض است (ترجمه شریف).

(ه) او عظمتی غیر قابل تفتیش دارد. « کیست که روح خداوند را قانون داده یا مشیر او بوده، او را تعلیم داده باشد؟ » (اشعیا ۴۰ : ۱۳).

(و) او « روح » حیات است (رومیان ۸ : ۲) همچون خدا که خدای حیات است.

(ز) او « روح » محبت است (دوم تیموتاوس ۱ : ۷) همچون خدا که خدای محبت است.

(ح) او « روح » قضاوتهای بی عیب می باشد (دوم تیموتاوس ۱ : ۷) همچون خدا که به تنهایی حکیم می باشد (رومیان ۱۶ : ۲۶).

۳ - روح القدس شخص سوم تثلیث است.

در ابتدا باید بر این واقعیت تاکید نمود که روح القدس هم ذات و هم طراز با خدای پدر و پسر می باشد (متی ۲۸ : ۱۹). شاگردان در نام پدر، پسر و روح القدس تعمیم می یابند؛ درست به همان نحو که برکت نیز به نام هر سه اقنوم تثلیث داده می شود (دوم قرننثیان ۱۳ : ۱۳). از سوی دیگر عیسی، روح القدس را « تسلی دهنده ای دیگر » می نامند و بدین ترتیب به روح القدس به عنوان کسی همچون خودش اشاره می نماید (یوحنا ۱۴ : ۱۶). و این بدین معنی است که او به شاگردانش اعلام می کند که مصلحت آنان در این است که حضور فیزیکی او را از دست بدهند و روح القدس را در وجود خویش دریافت دارند (یوحنا ۱۶ : ۷). بر طبق رومیان ۸ : ۹ - ۱۰، دریافت کردن « روح » در واقع سکونت گرفتن مسیح درماست.

یگانگی سه اقنوم الهی به اندازه ای است که پولس در مورد آن اینگونه اظهار نظر می کند :

- « بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است » (اول قرن‌تینان ۶ : ۱۹).
- « مسیح در شما است » (کولسیان ۱ : ۲۷)
- « شما هیكل خدا هستید » (اول قرن‌تینان ۳ : ۱۶)

در واقع خدا غیر قابل تقسیم می باشد و ممکن نیست که شخصی یکی از اقانیم ثلاثه را جدا از دو اقوم دیگر دریافت دارد. این یگانگی در عین چندگانگی، برای بسیاری از مردم قابل درک نمی باشد و حتی مستمسکی برای بی ایمانی می گردد.

با این حال نباید فراموش کنیم که خود انسان متشکل از سه عضو می باشد که عبارت اند از : روح، جان و جسم (اول تسالونیکیان ۵ : ۲۳). و اگر این واقعیت در مورد طبیعت انسان امری قابل قبول می نماید، به مراتب بیش از آن می تواند در مورد طبیعت خدا مورد پذیرش باشد.

اما اتحاد و یگانگی اقانیم ثلاثه مانع از این نمی شود که هریک از آنان نقش و سهم خاصی داشته باشند؛ پدر از همه بزرگتر است (یوحنا ۱۰ : ۲۹). پسر از خود هیچ نمی تواند کرد مگر آنچه ببند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می کند همچنین پسر نیز می کند (یوحنا ۵ : ۱۸ و ۲۹). روح القدس به وسیله پدر و پسر فرستاده شده است (یوحنا ۱۴ : ۲۶ ، ۱۶ : ۷). روح القدس در جواب دعای پسر و دعایی که بنام پسر باشد اعطا می گردد، و کار وی جلال دادن پسر با نهادن حضور او در قلوب شاگردانش می باشد (یوحنا ۱۴ : ۱۶ ، ۲۶ ، ۱۶ : ۱۴).

از سوی دیگر اتحاد و یگانگی پسر و روح القدس در این واقعیت نشان داده می شود که پذیرفتن یکی از آنها از سوی شخص، نشانگر رفتار و طرز برخورد او با دیگری می باشد، شخصی که مسیح را رد می کند با روح القدس مقاومت می نماید. کسی که عیسی مسیح نجات دهنده را می پذیرد روح القدس را می یابد و کسی که خود را کاملاً تسلیم و وقف عیسی مسیح می نماید روح القدس او را به کار می برد.

۴ - روح القدس خود خداست.

بطور خلاصه ما می توانیم اساس الوهیت روح القدس را از طریق متعددی اثبات نماییم. این واقعیت علاوه بر آنچه آموختیم در عبارتهای زیر نیز بطرز واضحی آشکار می گردد.

- خداوند روح است (دوم قرن‌تینان ۳ : ۱۷)
- خدا روح است (یوحنا ۴ : ۲۴)
- دروغ گفتن به روح القدس، دروغ گفتن به خود خداست (اعمال رسولان ۵ : ۳ - ۴).

همچنین عبارتهای دیگری در عهد جدید وجود دارند که سخنان یا اعمالی را به روح القدس نسبت می دهند که در عهد عتیق به خدا نسبت داده شده بودند :

- موسی بدیشان گفت ... چرا خداوند را امتحان می نمایید؟ و آن موضع را مسه و مریبه نامید، به سبب منازعه بنی اسرائیل و امتحان کردن ایشان خداوند را « (خروج ۱۷ : ۲ - ۷)

« پس چنانکه روح القدس می گوید امروز اگر آواز او را بشنوید دل خود را سخت مسازید چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او در روز امتحان در بیابان، جایی که پدران شما مرا امتحان و آزمایش کردند » (عبرانیان ۳ : ۷ - ۹).

* « آنگاه آواز خداوند را شنیدیم که می گفت برو و به این قوم بگو البته خواهید شنید اما نخواهید فهمید » (اشعیا ۶ : ۸ - ۱۰).

« روح القدس به وساطت اشعیا نبی به اجداد ما نیکو خطاب کرده گفته است که نزد این قوم رفته بدیشان بگو ... » (اعمال رسولان ۲۸ : ۲۵ - ۲۶).

* « خداوند می فرماید : اینک ایامی می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه ای خواهم بست، شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد » (ارمیا ۳۱ : ۳۱ - ۳۴).

« و روح القدس نیز برای ما شهادت می دهد، زیرا بعد از آنکه گفته بود : این است آن عهدی که بعد از آن ایام با ایشان خواهم بست » (عبرانیان ۱۰ : ۱۵ - ۱۷).

بنابر این با توجه به آیات ذکر شده می توان نتیجه گرفت که روح القدس قطعاً خود خداست.

۵ - آیا تفاوتی بین روح القدس و روح عیسی جلال یافته وجود دارد ؟

برخی اشخاص می گویند : وقتی فردی ایمان می آورد روح مسیح را می یابد (رومیان ۸ : ۹) و هنگامی که او « تعمید روح » را تجربه می نماید روح القدس را دریافت می کند. آیا چنین ادعایی می تواند درست باشد ؟ آیا دو « روح » جداگانه وجود دارند ؟

جواب منفی است. تنها یک روح الهی وجود دارد و آن روح القدس می باشد، او در همان حال روح پدر و پسر نیز هست. کتاب مقدس مکرراً اظهار می دارد که تنها یک « روح » وجود دارد :

« یک روح ... » (افسسیان ۴ : ۴).

« زیرا که به وسیله او، هر دو نزد پدر در یک روح دخول داریم » (افسسیان ۲ : ۱۸). لیکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است، ... زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم ... » (اول قرنتیان ۱۲ : ۱۱ و ۱۳).

عبارتهای زیر در همان حال که عناوین مختلفی به « روح » نسبت داده اند، بر یگانگی او بطرز واضحی شهادت می دهند :

« روح القدس ایشان را از رسانیدن کلام به آسیا منع نمود ... سعی نمودند که به بطینا بروند، لیکن روح عیسی ایشان را اجازت نداد » (اعمال رسولان ۱۶ : ۶ - ۷).

« لیکن شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست » (رومیان ۸ : ۹).

بنابر این با توجه به آنچه که ذکر گردید این واقعیت ثابت می گردد که در کتاب مقدس، روح القدس، روح خدا و روح مسیح یک می باشند و در واقع یک شخص مد نظر است. علاوه بر این باید توجه داشت که کتاب مقدس همین شیوه را در مورد انجیل نیز به کار برده و آن را بدون هیچگونه تمایزی انجیل خدا و انجیل مسیح می نامد.

به آیات زیر توجه نمایید :

« جهد نموده شده برای انجیل خدا » (رومیان ۱ : ۱).

« کهنات انجیل خدا » (رومیان ۱۵ : ۱۶).

« انجیل مسیح را همه جا منتشر کرده ام » (رومیان ۱۵ : ۱۹ ترجمه انجیل شریف).

همچنین کتاب مقدس در مورد فیض هم روش مشابهی را پیش گرفته است و آن را فیض خدا (غلاطیان ۲ : ۲۱) و فیض عیسی مسیح (غلاطیان ۱ : ۶ ، ۶ : ۱۸) می نامد. با این حال این فکر به ذهن کسی خطور نمی کند که دو نوع انجیل یا دو نوع فیض وجود دارد.

۶ - اگر تنها یک « روح » وجود دارد چرا کتاب مکاشفه (۱ : ۴ ، ۳ : ۱ ، ۴ :

۵ ، ۵ : ۶) راجع به هفت روح خدا سخن می گوید ؟

با توجه به تمامی عباراتی که یگانگی روح القدس را ثابت می نمایند، آیات مذکور در کتاب مکاشفه نمی توانند به معنی وجود هفت « روح » مستقل و مجزا از هم باشند.

ما برای درک این موضوع باید داشته باشیم که کتاب مکاشفه اغلب ربان نمادی (سمبولیک) را به کار می گیرد و در این زبان، عدد هفت نشان دهنده پری و کمال می باشد (در عهد عتیق نیز دیده می شود). در کتاب مکاشفه ۵ : ۶ ، بره ذبح شده ای را مشاهده می کنیم که دارای هفت شاخ و هفت چشم است که هفت روح خدا می باشند و این در حالی است که آیه مذکور در حقیقت به قدرت و دانش کامل بره اشاره می نماید که به وسیله روح خدا (یوحنا ۳ : ۳۴) از آن برخوردار گردیده است.

در کتاب مکاشفه ۱ : ۴ - ۵ این حقیقت بیشتر آشکار می شود که روح القدس در عین کمال، همان یک روح واحد می باشد. زیرا فیض و سلامتی که در این قسمت به کلیساها اعطا می گردد از سوی خدا، هفت « روح » پیش تخت او و عیسی مسیح، درست به همان صورتی است که در سایر قسمتهای کتاب مقدس انجام می پذیرد، یعنی به نام پدر و پسر و روح القدس (به عنوان مثال به دوم قرننتیان ۱۳ : ۱۳ مراجعه نمایید).

بدین ترتیب این واقعیت ثابت می گردد که کتاب مقدس تنها از یک « روح » سخن می گوید و آن هم روح القدس می باشد.

فصل چهارم

سمبل های روح القدس

کتاب مقدس سمبل هایی را برای به تصویر کشیدن روح القدس و درک هر چه بیشتر شخصیت و کار او به کار می گیرد که در این قسمت به بررسی آنها می پردازیم.

۱ - دم یا باد (The BREATH ir The WIND)

(در زبان اصلی، کلمه روح به معنی دم نیز می باشد .)

مطابق پیدایش ۲ : ۷، خدا در آدم دم حیات دمید و او نفس زنده گشت. او بعدها این کار را در انسان جدید انجام داد و روح القدس را در او دمید. ما در ایوب ۳۲ : ۸ می خوانیم « لیکن در انسان روحی هست و نفخه قادر مطلق ایشان را فطانت می بخشد. » حزقیال نیز موت نموده می گوید: « ای روح از بادهای اربع بیا و به این کشتگان بدم تا ایشان زنده شوند » (حزقیال ۳۷ : ۹).

خود عیسی به هنگام صحبت راجع به تولد تازه به عنوان کار روح القدس می فرماید: « باد هر جا که می خواهد می وزد و صدای آن را می شنوی لیکن نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود » (یوحنا ۳ : ۸).

او همچنین به هنگام گسیل داشتن شاگردان خود بر ایشان دمیده، می فرماید: « روح القدس را بیابید » (یوحنا ۲۰ : ۲۲) و سرانجام وقتی که خود روح القدس در روز پنطیکاست نازل گردید، به هنگام قرار گرفتن بر شاگردان با صدایی همچون باد شدید سراسر خانه را پر ساخت (اعمال ۲ : ۲).

این سهمیه چه مفهومی می تواند داشته باشد ؟

با توجه به عبارت بالا می توان چنین نتیجه گیری کرد که این سمبل بر عملکرد بی پروا، نامرئی و غیرمترقبه روح القدس تاکید می کند و نشان می دهد که عمل « روح » آسمانی است، از بالا صادر می شود، دارای اقتدار و عظمت بوده و بر انسان برتری دارد. و سرانجام اگر روح القدس نفخه قادر مطلق خوانده می شود به این دلیل است که او جلوه و تجلی مستقیم حضور الهی است.

از آنجایی که ما راجع به عملکرد بی پروایانه « روح » صحبت کردیم، خواندن آیات زیر که درباره موضوع مذکور می باشند برای مفید خواهد بود. « و روح مرا در میان زمین و آسمان برداشت و مرا در رویاهای خدا به اورشلیم برد ... روح مرا برداشته به دروازه شرقی خانه خداوند که به سوی مشرق متوجه است آورد ... آنگاه روح خداوند بر من نازل شده مرا فرمود ... » (حزقیال ۸ : ۳، ۱۱ : ۱ و ۵).

« روح خداوند فیلیپس را برداشته... اما فیلیپس در اشدود پیدا شد ... » (اعمال ۸ : ۳۹ - ۴۰).

آیا در این آیات روح القدس عملکردی ناگهانی همچون باد تندى ندارد که شخص یا آنچه که مد نظرش می باشد، را ربوده و با آن موافق اراده خویش عمل می نماید؟

۲ - کبوتر (The DOVE)

زمانی که عیسی توسط یحیی تعمید دهنده در رود اردن غسل تعمید یافت، « روح القدس به هیئت جسمانی مانند کبوتری بر او نازل شد » (لوقا ۳ : ۲۲).

همچنین برخی کبوتری را که نوح از کشتی آزاد نمود (پیدایش ۸ : ۸ - ۱۲)، تصویری از روح القدس می پندارند. روح القدس نیز همچون آن کبوتر نتوانست جایی برای سکونت بر زمین ویران و مملو از گناه بیابد، لذا برگشته بر مسیح قرار گرفت. سپس روح القدس کلیسا را به همان نحوی که کبوتر شاخه زیتون را باز آورد، به آسمان خواهد برد.

چرا کتاب مقدس این سمبل را بکار می برد؟ بدون شک قصد دارد که روح القدس را همانند کبوتر، ملایم، حساس و پاک توصیف نماید. روح القدس نه تنها دارای قدرتی مقاومت ناپذیر است بلکه او « روح » محبت، فیض، تسلی و معصومیت نیز می باشد.

۳ - روغن (OIL)

عهد جدید بطور مستمر راجع به « مسح » روح القدس سخن می گوید. عیسی کلام اشعیا را به خود نسبت داده می فرماید: « روح خداوند بر من است زیرا مرا مسح کرد » (لوقا ۴ : ۱۸). پطرس در اعمال رسولان ۱۰ : ۳۸ می گوید: « عیسی ناصری را که خدا او را چگونه به روح القدس و قوت مسح نمود. » نویسنده رساله به عبرانیان می افزاید: « بنابر این خدا خدای تو ترا به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده است » (عبرانیان ۱ : ۹). و سرانجام پولس و یوحنا نیز در اینباره می گویند: « اما او که ... ما را مسح نموده است خداست » (دوم قرنتیان ۱ : ۲۱). « و اما شما از آن قدوس مسح را یافته اید و هر چیز را می دانید » (اول یوحنا ۲ : ۲۰).

تمامی عبارات بالا اشاره ای به عمل مسح با روغن که در عهد عتیق شرح آن آمده است می باشند. در عهد عتیق کاهنان، انبیا و پادشاهان جهت انجام خدمت، مسح می شدند. بنابر این مشخص می شود که روح القدس آمادگی لازم و ضروری جهت خدمت خداوند را ایجاد می نماید (اعمال ۱ : ۸).

از سوی دیگر چنین به نظر میرسد که روغن باکره های دانا که در مشعل دان هایشان ریخته می شد نیز نمونه ای از روح القدس باشد. مثل مذکور آشکارا نشان می دهد فردی که روح القدس را در قلب خویش نداشته باشد متعلق به مسیح نیست (رومیان ۸ : ۹).

در عهد عتیق هیکل تنها با نور چراغهایی که با روغن مقدس می سوخت روشن می گردید. و علاوه بر اینکه محل پرستش خدا بود تماماً نشانه ای از شخص و کار مسیح نیز محسوب میشد (خروج ۲۷ : ۲۰ - ۲۱)؛ به همان نحو روح القدس مسیح را در زندگی ما منور نموده، آشکار می سازد و او را جلال می دهد. روح القدس به ما قدرت درک حقایق

آسمانی را اعطا می کند و ما را قادر می نماید که خدا را به روح و راستی عبادت نماییم (یوحنا ۱۶ : ۱۴ ، اول یوحنا ۲ : ۲۷ ، فیلیپیان ۳ : ۳).

بر طبق لایوان ۱۴ : ۱۷ و ۸ : ۳۰ ، روغن در بالای قسمتی که خون بر آن زده شده بود جهت تقدیس جذامیان و کاهنان مالیده می شد. و باز به همان نحو ما به عنوان گناهکارانی که جهت خدمت خدای زنده دعوت شده ایم به وسیله خون صلیب و قدرت روح القدس تقدیس می شویم (رومیان ۸ : ۲ - ۳).

۴ - آتش (The FIRE)

در روز پنطیکاست زبانه هایی به شباهت زبانه های آتش بر هر یک از شاگردان قرار گرفت و همه آنها از روح القدس پرگشتند (اعمال ۲ : ۳ - ۴). در عمل آنچه که بر شاگردان قرار گرفت آتش نبود بلکه زبانه های منقسم شبیه به آتش بود. اما شاگردان زبانه های منقسم مذکور را شبیه به آتش یافتند. و از سوی دیگر با قرار گرفتن این زبانه ها بر شاگردان آنان پر از « روح » شدند. لذا این موضوع برای آنانی که به نحوی به کارگیری آتش در عهد عتیق آشنایی دارند اهمیت فراوان می یابد.

آتش در عهد عتیق نشانه :

(۱) حضور خداوند است (خروج ۳ : ۲)

(۲) تایید خداوند است (لایوان ۹ : ۲۴)

(۳) حمایت خداوند است (خروج ۱۳ : ۲۱)

(۴) داوری، تقدیس و نیروی پاک کننده خداست (لایوان ۱۰ : ۲ ، اشعیا ۶ : ۱ - ۸)

اما منظور یحیی تعمید دهنده از اینکه عیسی مسیح به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد چیست ؟ (متی ۳ :

۱۱)

از سویی می توان گفت که گفته یحیی در روز پنطیکاست به انجام رسید. برخی دیگر معتقدند که تمجید به وسیله روح القدس در روز پنطیکاست به انجام رسیده اما کار تقدیس از جانب روح القدس همواره ادامه می یابد. و سرانجام عده ای دیگر بر این باورند که منظور یحیی به عنوان آخرین نبی عهد عتیق از تعمید روح القدس همان پنطیکاست بوده است. او همچنین از آتش جهت اشاره به داوری مسیح به هنگام بازگشت ثانوی استفاده می نماید (متی ۳ : ۱۲).

۵ - آب زنده (LIVING WATERS)

خود عیسی در انجیل یوحنا ۷ : ۳۸ ، این سمبل را به کار گرفته، می فرماید: « کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می گوید از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. » یوحنا رسول آشکارا بیان می دارد که عیسی این سخنان را راجع به روح القدس عنوان نمود: « اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت » (یوحنا ۷ : ۳۹).

از سوی دیگر سخنان عیسی به زن سامری بدون شک اشاره به روح القدس می باشد که در قلوب ایمانداران ساکن خواهد گردید: « لیکن کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد ابدأ تشنه نخواهد شد بلکه آن آبی که به او می دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می جوشد » (یوحنا ۴ : ۱۴). ما همچنین در اشعیا ۴۴ : ۳، شاهد به کارگیری این سمبل « روح » می باشیم: « اینک بر زمین تشنه آب خواهم ریخت و نهرهای بر خشک، روح خود را بر ذریت تو خواهم ریخت. »

دانستن مفهوم این سمبل کار ساده ای است. همچون آب زنده، حضور روح القدس نیز سبب طراوت و تازگی و همچنین رفع عطش در درون ما می گردد. حضور روح القدس سبب پدیدار گشتن حیات در جایی که قبلاً ویرانی و مرگ بر آن حکمفرما بود، می شود. او با خود پری و فراوانی و برکات وافر و لبریز شونده ای به زندگی ایماندار می آورد.

در این مورد مطلب آموزنده و قابل توجهی در خروج ۱۷ : ۶ وجود دارد که از سویی می تواند نشانگر تثلیث در عهد عتیق نیز تلقی گردد: « همانا من بر آنجا پیش روی تو بر آن صخره که در حوریب است می ایستم و صخره را خواهی زد تا آب از آن بیرون آید و قوم بنوشند. »

پولس در رساله اول قرنتیان ۱۰ : ۴، بطور واضح اظهار می دارد صخره ای که جهت نجات قوم زده شد، مسیح بود. و آن آبی که از صخره جاری گشته، سبب رفع تشنگی و حیات قوم گردید، مس تواند نشانه روح القدس باشد.

۶ - مهر (The SEAL)

وقتی که شخصی به مسیح ایمان می آورد بلافاصله با روح القدس برای همیشه مهر می شود (افسسیان ۱ : ۱۳، ۴ : ۳۰، دوم قرنتیان ۱ : ۲۲).

در میان یهودیان زدن مهر نشانگر پایان یک معامله بود. وقتی که توافق حاصل گردیده، کارهای مربوطه به انجام می رسد و بها پرداخت می شد، در خاتمه مهر جهت قطعی شدن قرارداد بر آن زده می شد (ارمیا ۳۲ : ۹ - ۱۰). بدین ترتیب روح القدس آن مهر الهی است که از مالکیت خدا بر ما حکایت می کنند. او به اطمینان می دهد که نجات یافته ایم و برای روز جلال برگزیده شده ایم، روزی که نجات ما به کمال خواهد رسید.

۷ - بیعانه (The EARNEST)

« اما او که ما را با شما در مسیح استوار می گرداند و ما را مسح نموده است خداست. که او نیز ما را مهر نموده و بیعانه روح را در دل‌های ما عطا کرده است » (دوم قرنتیان ۱ : ۲۱ - ۲۲).

این نمونه به ما کمک می کند که درک کنیم اعطای روح القدس یک تضمین جدی برای نجات ما می باشد. در واقع ما می توانیم « عطیه روح » را به عنوان نخستین مرحله نجات کامل خود به شمار آوریم. حال ما که روح القدس را

یافته ایم می توانیم بر این اطمینان شگفت انگیز تکیه کنیم و از فکر اینکه روزی خواهد رسید که از تمامی پری خدا لبریز خواهیم گشت، شادی نماییم.

شایسته است که در انتهای این فصل خدا را به سبب به کارگیری این نمونه ها جهت آشکار کردن حقایق گرانبهای الهی شکر کنیم.

فصل پنجم

کار روح القدس در دوره قبل از پنطیکاست (۱)

* سهم روح القدس در آفرینش

حال با توجه به اینکه خود روح القدس، خدا و همچنین « روح » حیات نیز می باشد، حضور او در آفرینش امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. دومین آیه پیدایش می گوید: « و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. »

همچنین در پیدایش ۱ : ۱ و ۲۶، نکات قابل توجهی وجود دارند که به تثلیث (اشاره غیر مستقیم به حضور روح القدس در آفرینش) اشاره می نمایند. با توجه به قواعد دستور زبان عبری در می یابیم که در پیدایش ۱ : ۱، کلمه خدا به صورت جمع به کار گرفته شده است و این در حالی است که فعل آن مفرد می باشد. درست مثل اینکه بگوییم: « در ابتدا خدایان آفرید. » در آیه ۲۶ نیز می خوانیم: « و خدا گفت : آدم را به صورت ما (جمع) و موافق شبیه ما بسازیم. »

در کتاب مقدس آیات متعددی وجود دارند که بر قدرت حیات بخش روح القدس ناکید می نمایند :

پیدایش ۲ : ۷، « خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین سرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد. »؛ پیدایش ۶ : ۳، « و خداوند گفت : روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام صد و بیست سال خواهد بود. »

بنابر این حیات وابسته به « روح » بوده، با آن مداوم می یابد. عبارت زیر تایید کننده این ادعا می باشند :

– مزمور ۱۰۴ : ۲۹ – ۳۰، « روی خود را می پوشانی پس مظطرب می گردند. روح آنها را فیض می کنی، پس می میرند و به خاک خود بر می گردند. چون روح خود را می فرستی، آفریده می شوند و روی زمین را تازه می گردانی. »

– ایوب ۳۳ : ۴، « روح خدا مرا آفریده، و نفخه قادر مطلق مرا زنده ساخته است. »

- حزقیال ۳۷ : ۱۰، « و روح به آنها داخل شد و آنها زنده گشته... »

- یوحنا ۶ : ۶۳، « روح است که زنده می کنند ... »

- دوم قرننیا ۳ : ۶، « ... حرف (شریعت) می کشد لیکن روح زنده می کند. »

**** کار روح القدس در قلب انسان عهد عتیق**

قبل از جلال یافتن مسیح و فرار رسیدن پنتیکاست، روح القدس به عموم مردم اعطا نمی شد. « ... زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود » (یوحنا ۷ : ۳۹). در واقع می توان گفت که کار روح القدس در عهد عتیق با آنچه که او امروز انجام می دهد متفاوت بوده است.

کتاب مقدس کار روح القدس در آن دوره را به شرح زیر توصیف می نماید :

۱ - روح القدس به همه افراد اعطا نمی گردید.

خداوند تنها اشخاصی را که جهت خدمت خاصی خوانده بود به روح القدس ملبس می ساخت. او بصلئیل را جهت ساخت خیمه (خروج ۳۱ : ۳) و عتئیل، جدعون و یفتاح را برای داوری بر اسرائیل (داوران ۳ : ۱۰، ۶ : ۳۴، ۱۱ : ۲۹) به روح القدس ملبس نمود. همچنین داود را برای پادشاهی اسرائیل (اول سموئیل ۱۶ : ۱۳) و انبیا را جهت نوشتن کتاب مقدس (اول پطرس ۱ : ۱۰ - ۱۱) به روح القدس ملبس ساخت.

در عهد عتیق هرگز گفته نشده است که هر یک از اسرائیلیان شخصاً روح القدس را یافته اند. در مقابل عهد عتیق اعلام می دارد که در ایام آخر (عهد جدید) روح القدس به عموم مردم (ایمانداران) اعطا خواهد شد. (به قسمت سوم همین فصل مراجعه نمایید.)

۲ - روح القدس به صورت موقت اعطا می گردید و ممکن بود گرفته شود.

شمشون مردی بود که تحت کنترل روح القدس قرار داشت (داوران ۱۳ : ۲۵)، اما زمانی فرا رسید که خدا روح خود را از او دور ساخت (داوران ۱۶ : ۲۰). شاول نخستین پادشاه اسرائیل نیز روح خدا را یافته بود، اما بعدها از او گرفته شد (اول سموئیل ۱۰ : ۱۰، ۱۶ : ۱۴).

حزقیال در باب ۲ : ۲، بیان می نماید که « ... روح داخل من شد، مرا بر پایهایم بر پا نمود. » در حالی که همین واقعه در باب بعدی نیز تکرار می شود و « روح » بار دیگر داخل او می گردد (حزقیال ۳ : ۲۴). از این آیات می توان فهمید که روح القدس بعد از نخستین مرتبه ای که حزقیال را بر پا داشته بود، او را ترک نموده است.

به همین دلیل است که داود بعد از سقوط در گناه از خداوند در خواست می کند که روح القدس را از او باز پس نگیرد (مزمور ۵۱ : ۱۱). این در حالی است که ما چنین دعایی را در عهد جدید نمی توانیم بیابیم، زیرا روح القدس برای همیشه در قلوب ایمانداران ساکن شده است (یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۱۷).

۳ - قبل از مصلوب شدن مسیح و پنطیکاست، روح القدس امکان آن را نداشت که بماتند امروز در انسان کار کند.

زیرا مسیح هنوز به جهت گناهکاران، مرگ و قیام از مردگان را نچشیده بود تا روح القدس ایمانداران را با او برخیزاند. روح القدس هنوز نمی توانست آنان را در بدن او تعمید دهد (اول قرنتیان ۱۲ : ۱۳)، یا برای همیشه در ایشان ساکن گردد. روح القدس تنها می توانست در قلوب پاک ساکن شود و مسیح تنها شخص بی گناهی بود که روح القدس بر او قرار گرفت. و اگر او (روح)، امکان سکونت در قلوب ایمانداران را یافته تنها به دلیل وجود خون بره است که آنها را از هر گناه پاک می سازد. در حالی که در عهد عتیق هنوز کفاره به جهت ایمانداران صورت پذیرفته بود.

اما شاید ما در عهد عتیق نیز به آیاتی همانند : اعداد ۲۷ : ۱۸، خروج ۳۱ : ۳ یا میکاه ۳ : ۸ بر می خوریم که به افرادی همچون یوشع، بصلئیل و میکاه اشاره می نماید و آنها را اشخاصی پر از « روح » معرفی می کند. در این مورد باید توجه داشته باشیم که این افراد می توانسته اند حضور روح القدس را تجربه نموده یا حتی به صورت موقت از « روح » پر شوند (مانند زکریا و الیصابات). لیکن حضور « روح » و یا پر شدن این افراد از چهار چوب کار روح القدس در عهد عتیق فراتر نمی رود. شاید به همین دلیل باشد که عبارتی مشابه عبارات بالا (عباراتی که به حضور « روح » در قلب انسان اشاره دارند) در عهد عتیق بسیار نادر بوده و جزء استثنائات به شمار می آید. در مقابل، آیات بسیاری در عهد عتیق وجود دارند که به قرار گرفتن روح القدس بر افراد منتخب تاکید می نمایند. به عنوان مثال به آیات زیر توجه نمایید :

« و خداوند ... از روحی که بر وی (موسی) بود، گرفته، بر آن هفتاد نفر مشایخ نهاد » (اعداد ۱۱ : ۲۵).

« روح خداوند بر عتئیل و یفتاح آمد » (داوران ۳ : ۱۰، ۱۱ : ۲۹).

در مورد اینکه چه تفاوتی بین دو اصطلاح « در ایشان » و « برایشان » به رابطه موقت روح القدس با ایمانداران عهد عتیق مربوط می گردد.

*** عهد عتیق چگونگی و نحوه کار روح القدس در عهد جدید را پیشگویی می

کند.

از آنجایی که قبل از پنطیکاست هنوز شرایط لازم (مرگ و قیام مسیح) جهت انجام کار کامل روح القدس در قلب انسان مهیا نگردیده بود؛ نقش و چگونگی عملکرد او در عهد جدید به وسیله انبیای عهد عتیق بطرز واضحی پیشگویی شده است.

۱ - روح القدس بر تمامی ایمانداران و همچنین اسرائیل ریخته خواهد شد.

(یوئیل ۲ : ۲۸ - ۲۹ اشعیا ۴۴ : ۳، حزقیال ۳۹ : ۲۹، ...)

بنابر این عطیه روح القدس به ردیف وعده های بسیار واضح و صریح و در عین حال عالمگیر می پیوندد که برای مدتی طولانی در انحصار یک قوم خاص باقی نخواهد ماند، بلکه به زودی به شرط ایمان و اطاعت، به سایر اقوام نیز اعطا خواهد شد.

« زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند؛ یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند » (اعمال ۲ : ۳۹).

۲ - « روح » اعطا شده در عهد جدید برای همیشه در قلوب مومنین سکونت

خواهد داشت.

خداوند می گوید: « اما عهد من با ایشان (در آینده) این است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشته ام از دهان تو و از دهان ذریت تو و از دهان ذریت تو دور نخواهد شد. خداوند می گوید از الان و تا ابد الابد » (اشعیا ۵۹ : ۲۱).

۳ - روح القدس به منظور احیا و تقدیس قلوب ایمانداران در آنها ساکن خواهد

گردید.

« و روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید ... » (حزقیال ۳۷ : ۱۴). « و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد ... و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید ... » (حزقیال ۳۶ : ۲۶ - ۲۷).

خداوند در آن زمان در میان هیكل سنگی ساکن شده بود، اما در عهد جدید در قلوب ایمانداران مسکن خواهد گزید و ایشان هیكل خداوند خواهند گردید (اول قرننثیان ۳ : ۶). اما در عهد عتیق چگونگی کار « روح » در بدن مسیح را آشکار نمی سازد و این سر بعدها بر رسولان آشکارا می گردد (افسسیان ۳ : ۴ - ۵).

به همین طریق خدایی که شریعت خویش را بر الواح سنگی نوشته بود به زودی آنها را به وسیله روح القدس بر روح و قلب انسان خواهد نگاشت. « اما خداوند می گوید : " این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت " ... » (ارمیا ۳۱ : ۳۳)

پولس رسول نیز در اینباره می نویسد: « چونکه ظاهر شده اید که رساله مسیح می باشید، خدمت کرده شده از ما و نوشته شده نه به مرکب بلکه له روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل » (دوم قرننثیان ۳ : ۳).

هیچ یک از وعده های ذکر شده در عهد عتیق (راجع به باکار روح القدس در عهد جدید) نمی توانسته اند تا قبل از به پایان رسیدن کار نجات بخش عیسی مسیح به انجام برسانند. تنها بعد از مرگ، قیام و جلال یافتن مسیح بود که شرایط ریخته شدن روح القدس مهیا گردید. (یوحنا ۷ : ۳۹، ۱۶ : ۷، ...)

۴ - روح القدس بر مسیح. متوسط یا واسطه عهد جدید قرار خواهد گرفت.

در رساله دوم قرننثیان ۳ : ۶، پولس، عهد جدید را « عهد روح » می نامد. لذا می باید متوسط این عهد، روح خدا را بدون میزان دارا باشد. « و روح خود را برا می نهم تا انصاف را برای امته صادر سازد روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم ... » (اشعیا ۱۱ : ۲، ۴۲ : ۱، ۶۱ : ۱)

فصل ششم

کار روح القدس در دوره قبل از پنطیکاست (۲)

* کار روح القدس در زندگی مسیح

عیسی مسیح در تمام مدت زندگی خود بر روی زمین توسط روح القدس همراهی شد.

۱ - مسیح به وسیله روح القدس متولد گردید

جبرائیل فرشته به مریم اعلام می دارد که فرزندی که از او متولد خواهد گردید، از روح القدس می باشد (لوقا ۱ : ۳۵). همچنین خداوند بر یوسف آشکار می سازد که فرزندی که مریم به همراه دارد از روح القدس است (متی ۱ : ۲۰). و به همین سبب است که او خدا و در عین حال انسا است و انسانیت و الوهیت او غیر قابل تفکیک می باشند.

۲ - او به وسیله روح القدس مسح گردید.

در عهد جدید مسح عیسی تنها در لوقا ۴ : ۱۸، اعمال ۴ : ۲۷، ۱۰ : ۳۸ و عبرانیان ۱ : ۹، ذکر شده است و به نظر می رسد که این عمل به هنگام تعمید او به وسیله یحیی انجام پذیرفته باشد. و این در حالی است که نه تنها مسح را نباید با تعمید یکسان پنداشت بلکه آن را می باید از « پری روح » نیز متمایز دانست. بدون شک عیسی « پری روح » را از همان ایام طفولیت تجربه نموده بود. لیکن مسح روح القدس مشخص کننده مرحله جدیدی از خدمت عیسی است که قدرت روح القدس بطرز خاصی در آن نمایان می گردد. مسح روح القدس مسیح را از سایرین متمایز ساخت.

و پطرس رسول با درک این واقعیت (متمایز شدن مسیح از دیگران) در دعای خود پس از نخستین جفا در اورشلیم، می گوید: « زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو عیسی که او را مسح کردی، هیرودیس و پنطیوس پیلاتس با امتهای و قوم های اسرائیل با هم جمع شدند ... » (اعمال ۴ : ۲۷).

نویسنده به عبرانیان نیز در این مورد می نویسد: « عدالت را دوست و شرارت را دشمن می داری. بنابراین این خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقایت مسح کرده است » (عبرانیان ۱ : ۹).

از سوی دیگر مسح روح القدس عیسی را جهت خدمتش توانا ساخت. او در کنیسه ناصره فرمود: « روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم ... » (لوقا ۴ : ۱۸).

۳ - مسیح پر از روح القدس بود.

مطابق یوحنا ۳ : ۳۴، خدا در مورد عیسی « روح » را به میزان عطا نمی نماید و همچنین ما در لوقا ۴ : ۱ می خوانیم که عیسی به هنگام مراجعت از اردن پر از « روح » بوده است. از آنجایی که در زندگی مسیح هیچ گناهی وجود نداشت تا او را از خدا جدا سازد و همچنین اراده کامل خدا را انجام می داد، روح القدس او را همواره پر نموده بود.

۴ - مسیح توسط روح القدس هدایت می شد.

بعد از اینکه عیسی در اردن از یحیی تعمید یافت به وسیله روح القدس به بیابان هدایت شد تا با آزمایشات شیطان روبرو شود (لوقا ۴ : ۱). اطاعت مستمر او، و انجام اراده پدر به وسیله هدایتهای روح القدس او را قادر ساخت که پدر را همواره خشنود سازد (یوحنا ۸ : ۲۹).

۵ - مسیح به قوت روح القدس ملبس شده بود.

در مجادله ای که میان عیسی و فریسیان در گرفت (متی ۱۲ : ۲۸)، مسیح آشکارا بیان نمود که ارواح شریر را با قدرت روح القدس اخراج می نماید. اما سوال مهمی که در این باره پیش می آید این است که آیا همه معجزاتی که از جانب عیسی صورت می پذیرفتند به قوت روح القدس بوده اند؟ آیا عیسی برای انجام معجزات تنها به « قدرت روح » متکی بوده است؟ در این باره باید ذکر کرد که علاوه بر متی ۱۲ : ۲۸، لوقا ۴ : ۱۴ - ۱۵ و ۱۸، نیز بیانگر این واقعیت است که عیسی به قوت روح القدس به کوران بینایی و به کوفتگان آزادی اعطا می نمود. با توجه به مطالب مذکور می باید اذعان کرد که عیسی معجزات بسیاری به قوت روح القدس انجام داد.

اما از سوی دیگر عیسی برخی از معجزاتش را قوت خویش به ظهور رسانید. شفای زنی که مدت‌ها مبتلا به خونریزی بود از آن جمله است (مرقس ۵ : ۳۰). شفای مرد مفلوجی که از میان سفال های بام به نزد عیسی آورده شد به قدرت خود او نسبت داده شده است (لوقا ۵ : ۱۷). شفای دسته جمعی گروهی که بعد از انتخاب شاگردان نزد او جمع شده بودند نیز قوت خود او انجام پذیرفت (لوقا ۶ : ۱۹). و همچنین واقعه افرادی که در باغ جستیمانی با پاسخ « من هستم » عیسی مواجهه شده بر زمین افتادند (یوحنا ۱۸ : ۶)، نیز حکایت از صدور قدرت خود او دارد.

بنابر این با توجه به هر دو جانب قضیه می توان چنین استنباط کرد که معجزات عیسی مسیح تنها به قوت روح القدس نبوده اند بلکه در برخی شرایط او با قدرت خویش نیز معجزاتی انجام داده است.

اما راجع به کار روح القدس در زندگی و خدمت عیسی مسیح می توان به نکات زیر اشاره نمود :

الف) در وهله نخست باید در نظر داشت که کار روح القدس در راستای رشد و بسط طبیعت انسانی مسیح بوده است. اگر چه طبیعت الهی مسیح تغییر ناپذیر بوده، لیکن طبیعت انسانی او جای رشد و بسط داشته است. به عنوان مثال : او در حکمت رشد می کرد (لوقا ۲ : ۵۲) و در حال آموختن اطاعت بود (عبرانیان ۵ : ۸). البته باید این واقعیت را نیز در نظر داشت که منظور از رشد و بسط طبیعت انسانی، آموختن و کسب پیروزی بر گناه نمی باشد زیرا مسیح هرگز گناه را نشناخت.

ب) این واقعیت که مسیح با قوت، خدمت خود را انجام می داد حکایت از ژرفای فروتنی و خالی شدن و واگذاری جلال از جانب مسیح دارد. و اینکه مسیح (خدا - انسان) با قدرت « قدرت روح » عمل می نمود نشانگر محدودیتهای قالبهای انسانی است.

ج) تمامی مطالب در واقع از نیاز ایمانداران به کار روح القدس حکایت می نمایند. اگر خداوند جلال با قوت روح القدس عمل می نمود، پس ما انسانهای ضعیف و گناهکار چگونه می توانیم بدون قوت روح القدس زندگی پیروزمانده و آزادی داشته باشیم ؟

فصل هفتم

نقش روح القدس در مکاشفه و الهام

۱ - مفهوم مکاشفه و الهام

مکاشفه اساساً به معنی فاش یا آشکار ساختن چیزی است که قبلاً ناشناخته و غیر قابل فهم بوده است. مکاشفه در کتاب مقدس به مفهوم آشکار شدن خدایی است که انسان جز از طریق مکاشفه قادر به شناخت او نیست.

از سوی دیگر مفهوم ساده الهام، پر کردن یا دمیدن می باشد. در دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶، کلمه یونانی "Iheopneustos" که در فارسی « از الهام خداست » ترجمه شده، به معنی « خدا دمیده » می باشد.

الهام از بعد الهیاتی به ثبت حقایق مکشوف شده (کتاب مقدس) مربوط می گردد. شاید بتوان الهام را بدین گونه توصیف نمود که خدا با راهنمایی، نظارت و به کارگیری خصوصیات شخصی نویسندگان، کتاب مقدس را به دور از هر گونه اشتباه به رشته تحریر در آورده است. (نسخه های اصلی بدون اشتباه بودند. البته لازم به ذکر است که اشتباهی که در نسخه های معتبر کنونی کتاب مقدس وجود دارند به اندازه ای کوچک و ناچیز هستند که هیچ تاثیری در اعتقاد ایمانداران نمی توانند داشته باشند.)

اما باید توجه داشت که راهنمایی و نظارت نویسندگان کتاب مقدس از جانب خدا به معنی دیکته نمودن جملات کتاب مذکور نمی باشد. او افرادی را که هر یک شیوه خاص خود را داشته اند در نگارش کتاب مقدس به کار گرفته است.

اما اعتقاد به الهامی بودن کتاب مقدس مفاهیمی چند را بردارد.

الف) اگر کتاب مقدس از الهام خداست، بنابر این از صحت و درستی کاملی برخوردار می باشد. مصون از خطا بودن و داشتن اعتقاد راسخ به الهامی بودن کتاب مقدس را نمی توان دو امر جداگانه دانست.

ب) با توجه بع اینکه مصون از خطا بودن، اعتبار مطلق را به دنبال دارد کتاب مقدس دارای اعتبار می باشد.

ج) الهام کتاب مقدس تنها می توانسته از طریق ارائه کلمات صورت پذیرد و نه افکار صرف، زیرا افکار بدون کلمات چیزهای بی معنی می باشند.

۲ - بانی مکاشفه و طرق آن.

انبیا در عهد عتیق عامل اصلی دریافت مکاشفه به حساب می آمدند. اگر چه دریافت مکاشفه بطور کامل به آنان محدود نبوده است (به عنوان مثال حواء، قاتن و هاجر را می توان ذکر نمود که مکاشفاتی از خداوند داشته اند).

در عهد عتیق تا زمانی که کسی مکاشفه ای از جانب خدا نداشت، نمی توانست در صف انبیا قرار گیرد. در عهد جدید نیز رسولان و افرادی که ارتباط بسیار نزدیکی با آنان داشتند از عوامل اصلی دریافت مکاشفه بوده اند.

اما در پشت سر وسایل انسانی (انبیا و رسولان)، روح القدس به عنوان بانی مکاشفه قرار گرفته است. پطرس ضمن استناد به پیشگویی هایعهد عتیق بیان می نماید که: « نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند » (دوم پطرس ۱ : ۲۱).

در اینجا وسیله دریافت مکاشفه انسان است، منشا آن خدا و یگانه عاملی که وسیله های انسانی را به حرکت در می آورد روح القدس می باشد. آیات متعددی در کتاب مقدس وجود دارند که مطالب را تایید می نمایند. انبیای عهد عتیق بیان می دارند که به وسیله روح خداوند سخن می گویند (دوم سموئیل ۲۳ : ۲، حزقیال ۲ : ۲، میکاه ۳ : ۸). از سوی دیگر عهد جدید نیز بسیاری از عبارات عهد عتیق را به « روح » نسبت می دهد. عیسی مسیح در انجیل متی ۲۲ : ۴۳، از داود به عنوان شخصی که « در روح » سخن گفته است، یاد می کند و در اعمال ۱ : ۱۶ و ۴ : ۲۵ نیز مطالب مشابهی را می توان یافت.

اما مطلب مهم دیگری که باید به آن توجه داشت میدان وسیعی است که روح القدس در آن خدا را مکشوف می سازد. که در این قسمت به ذکر و بررسی مختصر طرق آن می پردازیم :

الف) مکاشفه از طریق سخن گفتن.

بسیاری از اوقات خداوند با صدایی که قابل شنیدن است، بطور مستقیم این عمل را به انجام می رساند (خروج ۱۹ : ۹، اول سموئیل ۳ : ۱ - ۱۴). اما مواقعی دیگر با ذهن و قلب نبی سخن می گفت. سخن گفتن مستقیم خدا چه به صورت صدای قابل شنیدن یا با قلب و ذهن نشان می دهد که مکاشفه امری مشخص، واضح و در قالب کلمات است. و روح القدس از میان اشخاص تثلیث نقش ویژه و خاصی در اعطای مکاشفه در قالب کلمات ایفا می کند. این واقعیت را از آیاتی نظیر اعمال ۲۸ : ۲۵، می توان دریافت.

ب (مکاشفه از طریق خوابها.

از این طریق در ایام نخستین به دفعات بسیار مکاشفاتی اعطا می شده است (پیدایش ۲۰ : ۳ - ۷، ۳۱ : ۱۱ و ۲۴، ۳۷ : ۶ - ۷ و ۹ - ۱۰، ۴۰ : ۵، ۴۱ : ۱ - ۷) و پیشگویی شده است که در آینده نیز این طریق به کار گرفته خواهد شد (یوئیل ۲ : ۲۸ - ۲۹) (۱) // اما معمولاً مکاشفه از طریق خوابهای شب به انبیا داده نمی شد بلکه این روش بیشتر در مورد امتهای به کار گرفته می شد. (به عنوان مثال می توان به خوابهای لابان، فرعون مصر، نبوکدنصر و ... اشاره کرد.)

ج (مکاشفه از طریق رویا

در این طریق وسیله انسانی دریافت کننده مکاشفه شرکت فعالتری نسبت به مورد قبلی دارد و چنین به نظر می رسد که بر خلاف قبلی ضرورتی بر خواب بودن شخص دریافت کننده مکاشفه وجود ندارد (پیدایش ۱۵ : ۱، ۴۶ : ۲، اشعیا ۱ : ۱، ۶ : ۱). اما با این حال دریافت کننده مکاشفه کاملاً هم بیدار نمی باشد و از شواهد چنین برمیآید که روح و حواس وی به مکانی عالی بالا برده شده اند.

د (مکاشفه از طریق کار و روح القدس به نویسندگان عهد جدید.

عیسی مسیح قبل از ترک نمودن زمین و صعود به آسمان، وعده فرمود که روح القدس تعلیم او را به یاد شاگردان خواهد آورد (یوحنا ۱۴ : ۲۶).

ه (مکاشفه از طریق زندگی و خدمت عیسی مسیح.

سهم روح القدس در این طریق از مکاشفه تنها به کار او در زندگی مسیح محدود می گردد.

۱ - با وجود ذکر صریح خوابها و رویاها در نسخه اصلی، در ترجمه فارسی قدیمی تنها به کلمه رویاها

اشاره شده است.

۳ - بانی الهام.

اگر چه کتاب مقدس از دم خدا به وجود آمده است (دوم تیموتاوس ۳ : ۱۶)، لیکن روح القدس از میان اشخاص تثلیث نقش ویژه ای در این کار ایفا نموده است. روح القدس، نویسندگان انسانی را برانگیخته و آنان تحت راهنمایی و نظارت او کتاب مقدس را به نگارش درآوردند. این واقعیت که روح القدس اقنوم ویژه الهی کتاب مقدس می باشد در نکات زیر بوضوح مشاهده می گردد :

الف) عهد عتیق بر این واقعیت شهادت می دهد که نویسندگانش به وسیله روح

القدس سخن گفته اند (دوم سموئیل ۲۳ : ۲ - ۳). علاوه بر این تمامی انبیای عهد عتیق از موسی تا ملاکی عبارات « خداوند به من چنین فرمود » یا « خداوند می فرماید » و یا « کلام خداوند بر من نازل گردید » را مستمراً به کار می گیرند.

ب) عهد جدید نیز عبارات نقل قول شده از عهد عتیق را به روح القدس نسبت

می دهد.

عیسی مسیح در انجیل مرقس ۱۲ : ۳۶، به هنگام نقل قول از مزموور ۱۱۰، از داود به عنوان شخصی که « در روح » سخن گفته یاد می کند. نویسندگان عهد جدید نیز همین دیدگاه را نسبت به عهد عتیق داشته آن را حاصل الهام روح القدس به شمار می آوردند: « ای برادران می بایست آن نوشته تمام شود که روح القدس از زبان داود پیش گفتی ... » (اعمال ۴ : ۲۵ - ۲۶)، « که به این همه روح القدس اشاره می نماید (در خروج و لاویان) بر اینکه مادامی که خیمه اول برپاست راه مکان اقدس ظاهر نمی شود » (عبرانیان ۹ : ۸).

ج) وعده مسیح در انجیل یوحنا ۱۴ : ۳۶ نشان می دهد که تعریف مجدد و

دقایق وقایع زندگی او کار روح القدس می باشد.

۴ - الهام عهد جدید.

طرق اثبات الهامی بودن عهد جدید کمی متفاوت از عهد عتیق می باشند، که در این قسمت به ذکر آنها می

پردازیم :

الف (مسیح الهامی بودن عهد جدید را تصدیق نموده است.

عیسی مسیح اعتبار پیغام شفاهی پاگردانش را در ردیف اعتبار پیغام خود قرار می دهد. او اظهار می نماید که رد پیغام آنان در واقع رد پیغام خود اوست (متی ۱۰ : ۱۴، لوقا ۱۰ : ۱۶)، از این جهت پیغام آن هفتاد نفر یا دوازده تن بسیار معتبر می باشد. او همچنین قبل از مرگش شاگردان خود را از اعتبار پیغامشان مطمئن می سازد (یوحنا ۱۳ : ۲۰). علاوه بر این شاگردان وعده یافتند که بعد از مرگ مسیح، روح القدس تعلیمات استادشان را به یاد ایشان خواهد آورد (یوحنا ۱۴ : ۲۶، ۱۶ : ۱۴). این وعده بزرگ سندریت و اعتبار غیر قابل بحثی به آنچه بعدها توسط شاگردان نوشته شد و به صورت کتب عهد جدید درآمد، می بخشد.

ب (نویسندگان عهد جدید از الهامی بودن آن دفاع نموده اند.

نویسندگان عهد جدید از اعتبار نوشته های خویش آگاهی داشتند. آنها می دانستند آنچه را که بر پیکره کتاب مقدس می افزایند دارای اعتباری همسان با آن می باشد. در این باره پولس پس از نوشتن مطالبی در جهت حل مشکلات کلیسای قرنتس می گوید: « اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد اقرار بکند که آنچه به شما می نویسم احکام خداوند است » (اول قرنتیان ۱۴ : ۳۷). (غلاطیان ۱ : ۷ - ۸ و اول تسالونیکیان ۴ : ۲ و ۱۵ را نیز بخوانید.)

ج (رسولان نوشته های یکدیگر را نیز از الهام « روح » به شمار می آوردند.

نویسندگان عهد جدید نه تنها از الهامی بودن نوشته های خود آگاهی داشتند بلکه نوشته های سایر رسولان را نیز الهامی به شمار آورده از آنها دفاع می نمودند. پولس جهت تایید مطالبی درباره رهبران، از تثبیه ۲۵ : ۴ و لوقا ۱۰ : ۷، نقل قول نموده هر دو آیه مذکور را از کتاب مقدس به شمار می آورد (اول تیموتائوس ۵ : ۱۸).

پطرس نیز در دومین رساله اش نوشته های پولس را جزئی از کتاب مقدس به شمار آورده، الهامی بودن آنها را مورد تایید قرار می دهد (دوم پطرس ۳ : ۱۶).

د) شیوه خاص نقل قول از عهد عتیق. تاییدی دیگر بر الهامی بودن عهد جدید است.

اگر چه شیوه خاص نویسندگان عهد جدید در نقل قول از عهد عتیق از نظر عده ای یک مشکل تلقی می شود، لیکن خود می تواند تاییدی دیگر بر الهامی بودن نوشته های عهد جدید باشد. نویسندگان عهد جدید در نقل قولهای خود از عهد عتیق جملاتی را به خدا نسبت داده اند که بطور مستقیم از زبان او ذکر نشده اند. به عنوان مثال شاگردان مسیح به هنگام نقل قول از عهد عتیق در کتاب اعمال رسولان ۴ : ۲۵، داود را تنها وسیله ای در دست نویسنده واقعی (روح القدس) به شمار آورده، فرموده او را به روح القدس نسبت داده اند (عبرانیان ۱ : ۵ - ۸ و ۳ : ۷ را بخوانید). این عمل نشان می دهد که نویسندگان مزبور، نگارندگان کتاب مقدس (از جمله خودشان) را تنها وسیله ای در دست خدا به شمار آورده تمامی کتب (از جمله نوشته های خویش) را از روح خدا به شمار می آوردند.

ه) کلیسای اولیه، عهد جدید را پذیرفته بود.

این واقعیت که کانون عهد جدید توسط کلیسای اولیه پذیرفته گردید گواه دیگری بر الهامی بودن این کتب می باشد. اگر چه پذیرش رسمی و عالمگیر کتب عهد جدید در سال ۳۹۷ میلادی صورت پذیرفت لیکن کلیسا قبل از آن هم این کتب را به سبب اعتبار و اقتدار خاصشان پذیرفته بود.

حال با توجه به الهامی بودن کتاب مقدس می باید با ترس و هوشیاری فراوان به آن تقرب جست از هر گونه شک و بی ایمانی نسبت به آن بپرهیزیم.

فصل هشتم

فیض عام و فیض موثر

* فیض عام

۱ - تعریف فیض عام.

فیض عام لطف و مرحمتی است که خداوند با وجود عدم شایستگی انسان آن را بدون استثنا نسبت به تمامی نسل او بجا می آورد. عملکردهای خداوند در این زمینه را می توان به سه دسته تقسیم نمود.

الف) در ابتدا می باید به مشیت الهی در جهت نگهداری و حفظ عموم مردم اشاره نمود. به عنوان مثال می توان به فرستادن باران و فصلی پر محصول جهت گذران زندگی مردم اشاره کرد.

ب) یکی دیگر از اعمال خداوند که در چهار چوب عام جای می گیرد جلوگیری و ممانعت او از پیشرفت سریع گناه می باشد. این عمل را می توان بطور خاص به روح القدس نسبت داد، اگر چه دیگر اقانیم تثلیث نیز در آن دخیل می باشند. لازم به ذکر است که مورد دوم در محدوده تنگتری نسبت به مورد نخست به اجرا در می آید.

ج) سومین مورد که در تنگترین محدوده به اجرا در می آید، کار الزام جهان توسط روح القدس است. اما از آنجایی که تنها به زندگی افرادی که بعدها ایمان می آورند محدود نمی گردد، باید آن را به فیض عام نسبت داد. این لطف و مرحمت الهی در انجیل یوحنا ۱۶ : ۷ - ۱۱ شرح داده شده است.

۲ - شرح فیض عام.

الف) عطایای نیکو.

اگر چه طبیعت و ذات انسان کاملاً تباه گردیده، لیکن خداوند او را بطور کامل ترک ننموده است. فساد و تباهی کامل انسان به مفهوم قصور و عدم شایستگی او در حضور خدا می باشد. اما این بدان معنا نیست که او قادر به انجام برخی اعمال نیکو یا دریافت چیزهای خوب از دیگران نباشد. به بیان ساده تر می توان گفت که انسان با تلاش خود و انجام اعمال نیکو، هرگز قادر به کسی لیاقت و شایستگی در دادگاه الهی نمی باشد. اما خداوند بطور مستمر رحمت و احسان خویش به انسان را به اثبات می رساند.

بسیاری از این نیکویی ها برکات طبیعی می باشند که توسط خداوند بر تمامی بشر افزوده می گردند. برخی از برکات مذکور که مجاناً به تمامی مردم اعطا می شوند عبارتند از :

(۱) نیکویی خدا؛ « خداوند برای همگان نیکو است و رحمت های وی بر همه اعمال وی است » (مزمور ۱۴۵ : ۹).

(۲) پرتو حیات بخش خورشید و بارش باران؛ « ... زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می سازد و باران بر عادلان و ظالمان می باراند » (متی ۵ : ۴۵).

(۳) مهربانی خدا؛ « ... چونکه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است » (لوقا ۶ : ۳۵).

(۴) اعطای خوراک از زمین؛ « با وجودی که خود را بی شهادت نگذاشت، چون احسان می نمود و از آسمان باران بارانیده و فصول با آور بخشیده، دلهای ما را از خوراک و شادی پر می ساخت » (اعمال ۱۴ : ۱۷).

(۵) تدارک یک نجات دهنده، « ... زیرا امید داریم به خدای زنده که جمیع مردمان علی الخصوص مومنین را نجات دهنده است » (اول تیموتائوس ۴ : ۱۰).

تمامی اشخاصی که از این برکات عالمگیر برخوردار می گردند اشخاص نجات یافته نیستند، اما خداوند از راه فیض، این اعمال را بجا می آورد تا بی ایمانان را به سوی توبه هدایت نماید. « یا آنکه مهربانی و صبر و حلم او را ناچیز می شماری و نمی دانی که مهربانی خدا تو را به توبه می کشد؟ » (رومیان ۲ : ۴).

ب (ممانعت از گناه

خدا به طرق متعددی از پیشرفت و انتشار سریع گناه جلوگیری می نماید، که یکی از طرق مزبور کار روح القدس می باشد (پیدایش ۶ : ۳). اگر چه او برخی اوقات واسطه هایی از قبیل انبیا (اشعیا ۶۳ : ۱۰ - ۱۱) یا دولت (رومیان ۱۳ : ۱ - ۴) را نیز به کار می گیرد. دوم تسالو نیکیان ۲ : ۶ - ۷، عبارتی است که به تفصیل راجع به ممانعت از گناه سخن می گوید: « و الان آنچه را که مانع است می دانید تا او در زمان خود ظاهر بشود. زیرا که آن سر بی دینی الان عمل می کند فقط تا وقتی که آنکه تا به حال مانع است از میان برداشته شود. « البته لازم به ذکر است که ما در تعیین هویت مانع در این آیه دچار مشکل می باشیم. برخی مانع مذکور را شخص امپراتور و دولت روم به شمار می آورند. عده ای دیگر آن را قانون و مجری آن، دولت می دانند و تعدادی نیز آن را شخص سوم تثلیث و اعمال باز دارنده او از طریق کلیسا معرفی می نمایند. در هر حال با توجه به اینکه این مانع می باید شخصی قوی تر از شیطان باشد نمی توان کسی دیگر غیر از خدا را برای آن تصور نمود. و بدون شک اوست که دولتها، فرشتگان، کتاب مقدس و کلیسا را به کار می گیرد تا از شرارت ممانعت نماید.

البته در برخی موارد خداوند از ممانعت باز ایستاده اشخاص را در طریقه ایشان وا می گذارد و در آن صورت گناه ایشان رشد نموده به نهایت فساد و تباهی می رسد (رومیان ۱ : ۲۴ و ۲۶). اما حتی در این حالت هم مشخص می گردد که خداوند تا هنگام واگذاشتن این اشخاص، به ممانعت و جلوگیری از گناه ادامه می داده است.

ج (اثبات حقیقت انجیل.

یکی دیگر از کارهای روح القدس که شاید بتوان آن را در چار چوب فیض عام گنجانید، الزام بر گناه می باشد (یوحنا ۱۶ : ۸ - ۱۱). البته مطمئناً این عمل روح القدس را می توان در محدوده فیض موثر یا خاص نیز گنجانید، اما از آنجایی که این کار روح القدس احتمالاً در تمامی موارد به توبه و بازگشت افراد منجر نمی گردد در این قسمت آن را در محدوده فیض عام به شمار می آوریم. اما چون الزام بر گناه شامل همه انسانها نمی شود می باید آن را کوچکترین محدوده فیض عام محسوب نمود.

روح القدس جهت اثبات حقیقت انجیل مردم را بر گناه، عدالت و داوری ملزم می نماید. نخستین دلیل و گواهی که نشان می دهد مردم در گناه بسر می برند این است که « آنها به من ایمان نمی آورند. » انسان در حضور خدا نه به دلیل گناهکار بودنش بلکه به سبب توقف در گناه و امتناع از ایمان به عیسی مسیح نجات دهنده و پذیرش بخشش الهی، محکوم می باشد.

روح القدس همچنین اشخاص را بر عدالت ملزم می سازد. او فقر عدالت شخصی را به ایشان گوشزد نموده، عیسی مسیح نجات دهنده حقیقی و بی نظیر را آشکار می نماید. نجات دهنده ای که قادر است آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی نهایت بخشد.

علاوه بر این روح القدس اشخاص را بر داوری ملزم می نماید. او قطعی بودن داوری بی ایمانان را آشکار می سازد و جهت اثبات این واقعیت داوری انجام پذیرفته بر شیطان را یادآوری می نماید (یوحنا ۱۲ : ۳۱ ، ۱۶ : ۱۱). روح القدس به اشخاص گوشزد می کند که در صورت رد نمودن مسیح گرفتار همان داوری خواهند گردید که شیطان را فرو گرفت.

بدین ترتیب روح القدس با این عمل فوق طبیعی حقیقت انجیل را در چهار چوب فیض عام برای اشخاص اثبات می نماید.

اگر چه فیض عام تولد تازه، سکونت و پری روح القدس یا عادل شمردگی را در بر ندارد، لیکن نشان دهنده محبت، صبر و تحمل خدا نسبت به تمامی افراد بشر می باشد. فیض عام حقانیت پیغام کلیسا را به اثبات می رساند و امکان موعظه و شهادت پر قدرت و الزام آور را برای ما فراهم می سازد.

** فیض موثر

۱ - تعریف فیض موثر.

فیض موثر یکی دیگر از کارهای روح القدس می باشد که انسان را بطرز موثر جهت پذیرش مسیح به عنوان نجات دهنده به حرکت در می آورد. و از آنجایی که فیض موثر عمل مقتدرانه الهی را مطرح می نماید، به عنوان یکی

از مهمترین آموزه های کتاب مقدس شناخته می شود. درک صحیح این آموزه می تواند چشم انداز مناسبی برای کار بشارت ایجاد کند.

۲ - شرح فیض موثر.

فیض موثر به مفهوم کامل کلمه، عملی تاثیرگذار می باشد. این کار روح القدس از جهتی با فیض عام متفاوت است بطوری که فیض عام ممکن است مورد مقاومت قرار گیرد یا به اعتراف و تصدیق خدا منجر نگردد، لیکن این امور در مورد فیض موثر صادق نمی باشند. فیض موثر به عنوان یک عمل مقتدرانه روح القدس، اشخاص را جهت ایمان به مسیح به حرکت در می آورد. البته ممکن است این سوال مطرح شود که آیا کسی علی رغم میل خود می تواند نجات یابد؟ در جواب باید گفت که فیض موثر عملی بر خلاف اراده شخص نمی باشد بلکه بر اراده او بطرز موثری تاثیر گذاشته، بدون اجبار او را به سوی ایمان به مسیح به حرکت در می آورد.

۳ - صحت و اعتبار فیض موثر.

تایید کتاب مقدسی این آموزه بر کلمه « خواننده شدگی » بنا شده است. وجود آیات فراوانی همچون رومیان ۱ : ۸، ۱۲ : ۶، اول تیموتائوس ۶ : ۱۲، دوم پطرس ۱ : ۳ و ۱۰ و ...، بطرز روشنی نشان می دهند که خواننده شدگی یک دعوت عمومی صرف نیست، بلکه یک عمل اسرارآمیز و در عین حال موثر خدا به واسطه روح القدس می باشد که انسان را به سوی ایمان نجات بخش به حرکت در می آورد.

رابطه تنگاتنگ فیض موثر با آموزه گناه اولیه نیز تایید این تعلیم از بعد الهیاتی به شمار می آید. زیرا اگر بپذیریم که انسان فاقد توانایی لازم جهت بازگشت به سوی خداست، می باید او را محتاج مساعدتی موثر همچون فیض موثر جهت کسب نجات تلقی نماییم. زیرا اگر گناه، انسان را تحت تاثیر قرار داده او را غلام ساخته بطوری که قادر به خشنود نمودن خدا و کسب حیات ابدی نباشد (رومیان ۶ : ۲۰ - ۲۳)، لذا نجات انسان مستلزم مداخله و عمل روح القدس و دعوت موثر اوست. انسان بدون این عمل الهی قادر نیست نجات حقیقی را تجربه نماید. پیمودن سرآشویی سقوط پس از امتناع و عدم توجه حتی به فیض عام در رومیان ۱ : ۲۴ - ۳۲، دلیل دیگری جهت اثبات این ادعا می باشد. انکار و عدم پذیرش فیض موثر همواره به مطرح شدن ضعیف یا ناقص آموزه گناه و سقوط انسان بستگی داشته است.

۴ - مشکلات موجود در مورد فیض موثر

الف) این آموزه، مخالف تلاش و کوشش انسان می باشد.

به نظر می رسد که فیض موثر با ندادن مجال دخالت به تلاشهای انسان با هر گونه کوشش و تقای انسانیه ناسازگاری دارد. در این مورد می باید توجه داشت که هر چند خداوند ضرورت ایمان را حفظ نموده و این خود بیش از اینکه به تلاش انسان مربوط گردد به مسوولیت او اشاره می کند، لیکن این سهم و پذیرش انسان است که فیض موثر را عملی تاثیرگذار می نماید. با وجود برخی ابهامات و نکات اسرارآمیز همچنان واقعیت موجود این است که نجات ما به توکل ما بر خدا بستگی دارد (یوحنا ۶ : ۳۷).

ب) این آموزه با مسوولیت انسان ناسازگار است.

در صورتی که فیض موثر برای نجات انسان عملی ضروری به شمار آید و تنها خود خدا عامل این کار مهم و اجتناب ناپذیر باشد، پس چگونه می توان انسان را به سبب رد نمودن نجات دهنده مسوول دانست؟ بار دیگر باید توجه نمود که در این ادعا دو استدلال نادرست وجود دارند. در ابتدا می باید عنوان نمود که کسی نمی تواند بر فیض الهی ادعایی داشته از خدا به سبب اعطای آن به عده ای و واگذارن عده ای دیگر توضیح بخواند. شاید مناسب ترین طرز فکر جهت تقرب به این مسئله جایگزین نمودن این سوال، « که چرا عده ای نجات پیدا می کنند؟ » بجای این سوال مزبور، « که چرا عده ای تلف می گردند؟ » باشد.

همچنین نباید این واقعیت را فراموش کرد که تمام افرادی که فیض موثر را تجربه ننموده ان، فیض عام را دریافت کرده اند. و علی رغم اینکه فیض عام جهت تولد تازه کافی نمی باشد لیکن جهت آشکار نمودن خدا و محکوم ساختن اشخاصی که خدای مکشوف را نمی پذیرند، از کفایت لازم برخوردار است. به عنوان مثال اگر شما به فردی که از نیاز او به هزار تومان آگاهی دارید ده تومان هدیه بدهید و بعد با رد هدیه مذکور از جانب فرد نیازمند روبرو شوید، بدون شک رد هدیه مذکور از جانب وی را به مفهوم امتناع او از پذیرش هرگونه کمکی به شمار آورده، احتمال وجود کمکهای بزرگی در آینده را با او مطرح نخواهید کرد. اما از سوی دیگر اگر آن فرد نیازمند آن هدیه ده تومانی را با خوشرویی بپذیرد، احتمالاً شما سعی در افزایش کمکهایتان خواهید داشت. بنابر این می توان چنین نتیجه گرفت که اگر چه آن ده تومان جهت رفته نیاز او کافی نبود، لیکن جهت محکوم نمودن آن شخص به عدم پذیرش مساعدت از کفایت لازم برخوردار بوده است. ده تومان نمونه ای از فیض عام می باشد که برای نجات شخصی کافی نیست اما در صورت رد شدن از جانب انسان می تواند او را محکوم نماید.

ج (آموزه فیض موثر به ظاهر بر خلاف انصاف و جوانمردی است.

طراح این ادعا نیز به مانند دو مورد قبلی از دیدگاه نادرستی به موضوع نگاه می کند. زیرا هر کسی که خدا را به انصافی متهم کند فراموش نموده است که هیچکس (از جمله خود فرد اتهام زننده) نمی تواند ادعایی بر خدا و فیض او داشته باشد. اینگونه اشخاص این موضوع را فراموش کرده اند که رد نمودن آشکار فیض عام رای محکومیت را صادر می نماید و در این میان خدای مختار و فارغ از هرگونه التزام، بر طبق اراده خویش فیضی افزون اعطا می کند.

۵ - مطالبه فیض موثر.

خداوند از اعطای فیض موثر اهدافی را دنبال می کند. هدف او از انجام این عمل نه تنها روشن نمودن ذهن شخص گناهکار، بخشش تولد تازه و داخل نمودن وی در مشارکت با خود می باشد، بلکه او این کار را جهت جلال بخشیدن به نام خویش صورت می دهد. خداوند با انجام این عمل در پی آن است که دریافت کنندگان فیض موثر « فضایل او را » که ایشان را « از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است »، اعلام نمایند (اول پطرس ۲ : ۹ - ۱۰). بدین ترتیب خداوند به واسطه اعطای فیض موثر خویش، در زندگی نجات یافتگان جلال می یابد. رومیان ۱۱ : ۳۳ - ۳۶، که به طرز پر شکوهی به تمجید و ستایش طرق غیر قابل کاوش و عظیم الهی می پردازد، بلافاصله درخواستی جدی جهت یک زندگی وقف شده را به دنبال دارد. فیض الهی می باید همواره محرکی جهت خدمت خدایی باشد که فیض خویش را به گناهکاران نامستحق و کاملاً درمانده بطور مجانی ارزانی داشته است. فیض مجانی و موثر الهی، یک زندگی وقف شده را از شخص نجات یافته طلب می نماید.

فصل نهم

تولد تازه

از لحاظ روحانی روح انسان گناهکار نسبت به خدا، مرده و غریب می باشد، زیرا « مزد گناه موت است » (رومیان ۶ : ۲۳). اما او از طریق معجزه تولد تازه، متحول گردیده حیات جاودانی را دریافت می نماید. عیسی مسیح این تجربه را همچون تولدی دوباره توصیف می کند (یوحنا ۳ : ۳ و ۷). او تاکید می نماید که نجات انسان بدون تولدی دوباره غیر ممکن می باشد.

۱ - تولد تازه را چه کسی به انجام می‌رساند؟

« آمین »، آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است « (یوحنا ۳ : ۵ - ۶). آیات مذکور بطرز واضحی نشان می‌دهند که روح القدس تولد تازه را در انسان به انجام می‌رساند. « جسم » خود ما هستیم که تلاشهای مستمر، تصمیمات مفید و کارهای نیکویمان تماماً ناکافی بوده ثمری به بار نمی‌آورند (لطفاً ارمیا ۱۳ : ۲۳ را بخوانید)، و تنها روح القدس می‌باشد که با قدرت خویش این معجزه حیات بخش را به انجام می‌رساند (یوحنا ۶ : ۶۳).

پولس رسول نیز در تایید این مطلب می‌گوید: « ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید ... و با او برخیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید » (افسسیان ۲ : ۵ - ۶). « نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی که از روح القدس است؛ که او را به ما به دولتمندی افاضه نمود، به توسط نجات دهنده ما عیسی مسیح » (تیطس ۳ : ۵ - ۶).

بنابر این انسان گناهکار به تکامل احتیاجی ندارد بلکه به یک انقلاب و احیا روحانی محتاج می‌باشد. آیا هنوز هم ما به دنبال بهبود و اصلاح خود هستیم؟ اگر اینگونه است می‌باید توجه داشت که در حال انجام طرحی غیر قابل اجرا و مضحک بر روی یک شخصی مرده می‌باشیم. ما تنها با تکیه بر کار نجات بخش خدا در مسیح و کار روح القدس می‌توانیم از طبیعتی جدید برخوردار گردیم.

۲ - تولد تازه در چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

در همان لحظه ای که شخص تحت الزام روح القدس (الزام بر گناه و عدالت)، عیسی مسیح نجات دهنده را می‌پذیرد، روح القدس را نیز می‌یابد. اگر چه این امکان وجود دارد که سالها طول بکشد که شخص به مرز تسلیم و پذیرش نجات برسد لیکن خدا سهم خود را فوراً به انجام رسانیده به او تولدی نواعطا می‌نماید. « و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند. » (یوحنا ۱ : ۱۲ - ۱۳).

ما از طریق تولد تازه حیات جاودانی را بدست می‌آوریم و این فیض به مجرد ایمان به ما اعطا می‌گردد. « آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد ... هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است » (یوحنا ۳ : ۳۶، ۵ : ۲۳).

از آنجایی که تولد امری مطلقاً ضروری و در عین حال فوری می‌باشد، در صورتی که آن را قبلاً تجربه نکرده باشید می‌توانید هم اکنون آن را یافته، از برکات کار خداوند بهره مند گردید.

۳ - نتایج تولد تازه.

بر طبق شهادت کتاب مقدس تولد تازه ای که در نتیجه کار روح القدس پدید می آید پیامدهای مشخصی دارد که ما در این قسمت به ذکر و بررسی مختصر آنها می پردازیم :

الف) شخصی که تولد تازه می یابد از قدرت غلبه بر وسوسه برخوردار می گردد.

یوحنا ی رسول در رساله نخست خویش (۵ : ۱۸) در اینباره می فرماید: « و می دانیم که هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی کند بلکه کسی که از خدا تولد یافت خود را نگاه می دارد و آن شریر او را لمس نمی کند. » البته این به آن معنا نیست که شخص تولد تازه یافته هرگز مرتکب گناه نمی شود (اول یوحنا ۱ : ۸ را بخوانید) لیکن او در خدمت عدالت بوده (رومیان ۶ : ۶) زندگی عادلانه خواهد داشت.

ب) قلب شخص دچار دگرگونی و انقلابی شگرف می گردد.

خداوند در عهد عتیق وعده فرموده بود که روزی (عهد جدید) خواهد رسید که دگرگونی بزرگی در قلوب قوم خویش ایجاد خواهد نمود. او در حزقیال ۳۶ : ۲۶ می فرماید: « دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده دل گوشتین به شما خواهم داد. » انسان مولود شده از « روح »، از طبیعتی برخوردار می گردد که خدا را دوست داشته به اموری که به او مربوط می شوند علاقه و اشتیاقی خاص می یابد (اول یوحنا ۵ : ۲). در واقع احساسات و علائق شخص کاملاً تغییر می کنند.

ج) در قلب شخص محبت حقیقی نسبت به سایر مردم به وجود می آید.

عیسی مسیح در انجیل متی ۵ : ۴۴، شاگردان خویش را تعلیم می دهد که دشمنان خود را محبت نمایند: « اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید... » اما انسان، تنها با پذیرش طبیعتی جدید است که قادر می گردد همه مردم را دوست داشته، نسبت به آنها رحم و شفقت نشان دهد. یوحنا ی رسول در تأیید این مطلب می فرماید: « ما می دانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته ایم از اینکه برادران را محبت می نمایم » (اول یوحنا ۳ : ۱۴).

د) او شریک میراث بی فساد الهی شده از حیات جاودانی برخوردار می گردد.

شخص مولود شده از « روح » به واسطه مرگ و قیام مسیح از حیات جاودانی و ارث الهی برخوردار می گردد. پطرس رسول این واقعیت را در این آیات زیبا اینگونه بیان می نماید: « متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که به حسب رحمت عظیم خود ما را به وساطت برخاستن عیسی از مردگان از نو تولید نمود برای امید زنده، به جهت میراث بی فساد و بی آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما که به قوت خدا محروس هستید به ایمان برای نجاتی که مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود » (اول پطرس ۱ : ۳ - ۵).

ه) خدا دیگر داور او نیست بلکه پدر او، و شخص مذکور از مزایای فرزند بودن برخوردار می گردد.

عیسی مسیح به شاگردانش تعلیم می دهد که خدا را پدر خطاب نمایند (متی ۶ : ۹) و به ایشان اطمینان می دهد که آن پدر آسمانی احتیاجات ایشان را برطرف خواهد نمود (متی ۷ : ۱۱). او پدری است که همواره به آنها فکر می کند (اول پطرس ۵ : ۷).

فصل دهم

تعمید روح القدس

۱ - سردرگمی در مورد تعمید روح القدس

تعمید روح القدس بیش از تمامی اعمال دیگر « روح »، سبب سردرگمی افراد می گردد. و از آنجایی که « تعمید روح » با برخی تجربیات تداخل یافته، تلاش جهت رفع سردرگمی افراد به امری بس دشوار مبدل شده است، زیرا مشکل بتوان افراد را قانع نمود که در قضاوت در مورد تجربه های مذکور دچار اشتباه گردیده اند. این امر با بسط « تعمید روح » تا مرز تجربه، شکلی دشوارتر به خود می گیرد. علاوه بر این تعداد زیادی از ایمانداران صادقانه و با اشتیاقی فراوان به دنبال دریافت قوت خدا می باشند، لذا هر تجربه ای که مشابه به « تعمید روح » بوده و قوتی را به زندگی وارد می نماید درها را به سوی مباحثات اصولی می بندد.

الف (دلایل سردرگمی

(۱) درک نادرست از تمایز کلیسای این دوره؛ زمانی که تمایز موجود ما بین کلیسای این دوره (کلیسای عهد جدید) با دوره قبل، مورد توجه قرار نگیرد، اشخاص دچار سردرگمی خواهند گردید. به عنوان مثال اگر شخصی تمایز موجود ما بین کلیسای این دوره را در نظر نداشته آغاز کلیسا را از ابراهیم یا یحیی تعمید دهنده به شمار آورد در درک عمل تعمید روح القدس دچار مشکل خواهد گردید.

(۲) ادعای همراهی « تعمید روح » با عطای تکلم به زبانها سبب سردرگمی می گردد؛ اگر تکلم به زبانها را نشانه تعمید روح القدس به شمار آوریم اجباراً می باید بپذیریم که « تعمید روح » عملی است که بعد از نجات در زندگی شخص ایماندار صورت می پذیرد و تمام ایمانداران نیز آن را تجربه نمی کنند (اول قرننیا ۱۲ : ۱۰ و ۳۰) و در نتیجه این عمل روح القدس تنها محدود به عده ای از ایمانداران می گردد. برخی جهت توجیه همراهی « تعمید روح » و عطای تکلم به زبانها سعی می کنند که ما بین تعمید به وسیله روح القدس در اول قرننیا ۱۲ : ۱۳، که ایمانداران را در بدن مسیح قرار می دهد با تعمید به روح القدس در اعمال ۱ : ۵، که عطای زبانها را به همراه دارد تفاوت قائل شوند و این در حالی است که متن یونانی نشان می دهد در هر دو مورد مذکور حرف اضافه " EN " (که می تواند معانی « با »، « به وسیله » و یا « در » را داشته باشد) قبل از کلمه " Pneumati " آمده است. لذا می باید توجه داشت که بنای دو تعلیم متفاوت بر یک بنیاد، کاری نابخردانه و بس خطرناک می باشد.

(۳) عدم رعایت چهارچوب مشخص آیات کتاب مقدس درباره « تعمید روح »؛ برخی با نسبت دادن چیزی بیشتر از مفهوم صریح آیات کتاب مقدس به آنها و نتیجه گیری نابجا موجبات سردرگمی افراد را فراهم می نمایند. ما جهت بررسی کار « تعمید روح » می باید در نظر داشته باشیم که خود را در چهارچوب مشخص شده چند آیه ای که در این باره سخن گفته اند محدود نماییم تا از هر گونه نتیجه گیری نادرست و سردرگمی احتمالی محفوظ بمانیم.

(۴) در هم آمیختن پری و تعمید روح القدس؛ بزخی اوقات « تعمید » و « پری روح » در هم آمیخته می گردند و اوقاتی دیگر « تعمید روح » عملی نیست که به هنگام نجات افراد صورت پذیرد بلکه فیضی محسوب می گردد که در خدمت و اوقات ضروری ارزانی می شود. سردرگمی حاصل از در هم آمیختن این دو جنبه مجزا از کار روح القدس حتی در زندگی افراد بزرگی همچون « توری » و « مودی » نیز مشاهده شده است.

ب (نتایج سردرگمی

نخست اینکه این قبیل سردرگمی ها منجر به ایجاد سوتفاهمات و جداییها در میان مسیحیان می گردند. اما شاید بدترین پیامد آن مبهم و تیره نمودن واقعیت « تعمید روح » که اتحاد ما با مسیح را فراهم می سازد، باشد. عدم درک صحیح از « تعمید روح » موجب فقدان اساس درست زندگی مسیحی می گردد. اگر کسی « تعمید روح » را درک ننماید هرگز اساس مطمئن زندگی مقدس را نخواهد شناخت. تعمید روح القدس ما را در مسیح سهیم می سازد و این اساس پیروزی است.

۲ - مشخصات تعمید روح القدس

الف) « تعمید روح » به دوره عهد جدید محدود می شود.

« تعمید روح » از جمله کارهایی است که روح القدس در هیچ دوره دیگری آن را انجام نداده است. این ادعا را چه از طریق الهیات و چه از طریق کتاب مقدس به آسانی می توان اثبات نمود.

(۱) از طریق الهیات؛ ما در رساله اول قرن نهمین ۱۲ : ۱۳، می خوانیم که: « زیرا جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. » لذا باید توجه داشت که « تعمید روح » عملی است که ایماندار را در بدن مسیح قرار می دهد و این عمل تنها پس از قیام مسیح از مردگان و صعودش به آسمان میسر بوده است.

(۲) از طریق کتاب مقدس؛ در هیچ یک از کتب عهد عتیق و حتی در دوره زندگی مسیح بر زمین هرگز نشانه ای از کار تعمید به وسیله روح القدس نمی توان یافت. عیسی مسیح حتی پس از قیام از مردگان و به هنگام صعود به آسمان عنوان می نماید که عمل « تعمید روح » در آینده به انجام خواهد رسید (اعمال ۱ : ۵).

ب) تمامی ایمانداران بدون استثنا، تعمید روح القدس را می یابند.

این ادعا را می توان با توجه به واقعیتهای زیر ثابت نمود :

(۱) پولس در رساله اول قرن نهمین ۱۲ : ۱۳، بیان می دارد که تمامی ایمانداران قرن نهمین « تعمید روح » را یافته اند. او هرگز عنوان نمی کند که ایمانداران روحانی قرن نهمین فقط تعمید روح القدس یافته اند. علاوه بر این پولس هرگز ایمانداران ضعیف و جسمانی قرن نهمین را به یافتن « تعمید روح » را بهنگام ایمان به مسیح یافته بودند.

(۲) واقعیت دیگری که در اینباره وجود دارد در افسسیان ۴ : ۵ یافت می شود. پولس به هنگام صحبت در مورد اتحاد کلیسا بیان می دارد که تمامی ایمانداران یک خداوند، یک ایمان و یک تعمید دارند. تمامی آنها در داشتن خداوند، ایمان و تعمید برابر می باشند زیرا همه آنها در هنگام ایمان، تعمید را نیز یافته اند.

(۳) نکته قابل توجه دیگر این است که در هیچ قسمت از عهد جدید ایمانداران به یافتن « تعمید روح » ترغیب یا حکم نشده اند و این تنها به این دلیل بوده که تمامی ایمانداران، بهنگام تولد تازه تعمید روح القدس را نیز می یابند.

دکتر « بیلی گراهام » در تایید واقعیت مذکور بیان می دارد که: « سالها پیش که آموزشگاه کتاب مقدس در فلوریدا می رفتم، در جلسه ای شرکت کردم که « جلسان بیداری در چمنزار » نامیده می شد. واعظ، یکی از آن واعظان قدیمی جنوب بود که همیشه راجع به بیداری موعظه می کنند. دویست نفر در آن محل کوچک نشسته بودند. واعظ هر جا که از نظر پشتوانه منطقی موعظه اش کم می آورد، صدایش را رعدآسا بالا می برد و جماعت هم این را می پسندید. آن واعظ در طول موعظه از جماعت می پرسید: « آیا تعمید روح القدس را یافته اید؟ » بدیهی بود که او بسیاری را در میان جماعت از قبل می شناخت، چون به یکی اشاره می کرد و می پرسید: « برادر، آیا با « روح » تعمید یافته اید؟ » و او پاسخ می داد: « بلی، خدا را شکر ». ولی ناگهان در حالی که به من اشاره می کرد، پرسید: « ای مرد جوان، آیا تعمید با روح القدس را

یافته ای؟ « من جواب دادم: « بلی آقا ! » او مجدداً سوال کرد: « چه موقع با روح القدس تعمید یافتی؟ » البته این سوال را از سایرین نکرده بود. من پاسخ دادم: « در همان لحظه که عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفتم. » او با تعجب به من نگاه کرد و قبل از آنکه سراغ شخص دیگری برود، گفت: « اما اینطور نمی تواند باشد. » ولی اینطور می توانست باشد! و اینطور هم بود. در مورد صمیمیت آن واعظ شک ندارم اما در بررسی و مطالعه ای که خود، طی سالها از کتاب مقدس به عمل آورده ام متقاعد شده ام که در زندگی هر ایماندار فقط یک تعمید با روح القدس می تواند باشد و آن هم در همان لحظه ایمان آوردن واقع می شود. « (۱)

ج) عمل تعمید با روح القدس یک بار در زندگی هر فرد ایماندار به وقوع می پیوندد و دیگر هرگز تکرار نمی شود.

برخی تعلیم می دهند که تعمید روح القدس تنها یک بار آن هم در روز پنتیکاست صورت پذیرفت و دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. آنان ادعا می کنند فردی که نجات می یابد از کاری که در روز پنتیکاست انجام شده بهره می برد. اما واقعه خانه کرنیلیوس نشان می دهد که تعمید روح القدس عملی است که در زندگی هر شخص ایماندار انجام می پذیرد (اعمال ۱۰ - ۴۴ - ۴۷). با این حال یک ایماندار تنها یک بار آن هم به هنگام ایمان و بازگشت به سوی خداوند « تعمید روح » را می یابد. در هیچ قسمت از کتاب مقدس نمی توان شخص یا اشخاصی را یافت که برای بار دوم « تعمید روح » یافته باشند. اما بر خلاف « تعمید روح » که یک بار در زندگی ایماندار اتفاق می افتد « پری روح » عملی قابل تکرار می باشد (اعمال ۲ : ۴، ۴ : ۳۱). و ایمانداران حکم می یابند که همواره از روح الهی پر شوند (افسسیان ۵ : ۱۸، بر زمان حال دلالت می نماید).

د) « تعمید روح » عملی غیر قابل محسوس می باشد.

بدین مفهوم که شخص ایماندار از انجام یا عدم انجام آن آگاهی نمی یابد. البته می باید توجه داشت که ثمرات و نتایج « تعمید روح » از این قاعده مستثنی می باشند و ما می توانیم پیامدهای حاصل از قرار گرفتن در مسیح را تجربه نماییم. با این حال خود عمل « تعمید روح » غیر محسوس است.

ه (عمل تعمید، به وسیله روح القدس به انجام می رسد.

همانطور که قبلاً عنوان گردید برخی معتقد به وجود دو نوع تعمید می باشند، این افراد اساس ادعای خود را بر ترجمه های متفاوت حرف اضافه " en " که در متن یونانی قبل از کلمه " Pneumati " آمده است قرار داده اند؛ در حالی که حرف اضافه یونانی را می توان « در »، « با » یا « به وسیله » ترجمه نمود. این افراد که مایل به اختراع دو نوع تعمید می باشند شدیداً اصرار دارند که حرف " en " در اعمال رسولان ۱ : ۵ می باید حتماً « در » ترجمه شود اما به چگونگی ترجمه همین حرف اضافه در اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۳ کاری ندارند. اصرار آنها در چگونگی ترجمه حرف اضافه " en " به معنی « در » بدین سبب است که نشان دهنده عیسی مسیح ایمانداران را در روح القدس تعمید می دهد و این در حالی است که طرفی که مسیحیان به هنگام تعمید در آن جای می گیرند، بدن زنده مسیح می باشد (رومیان ۶). و کتاب مقدس بغیر از بدن مسیح هرگز ظرفی دیگر برای تعمید ایمانداران معرفی ننموده است و شخصی که ایمانداران را در بدن مسیح تعمید می دهد روح القدس می باشد.

۳ - پیامدهای تعمید روح القدس.

الف (« تعمید روح » ما را عضو بدن مسیح می سازد.

با توجه به اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۳ در می یابیم که « تعمید روح » در وهله نخست ایماندار را در موقعیت جدید و احیا شده ای قرار می دهد که لزوم زندگی مطابق بر موقعیت جدید را به دنبال دارد. در متن مذکور (قرنیتیان ۱۲ : ۱۳) تاکید اصلی بر به کارگیری مناسب عطایا و ضرورت حفظ اتحاد بدن می باشد. در رساله به افسسیان باب چهارم نیز پولس هنگام تاکید بر ضرورت اتحاد اعضای یک بدن، تعمید را مطرح می نماید (۴ : ۵ همچنین آیات ۳ : ۳ و ۶ را نیز بخوانید). این واقعیت در رساله غلاطیان ۳ : ۲۷ نیز مشاهده می شود. بنابر این با توجه سه عبارت عنوان شده در بالا می توان چنین نتیجه گرفت که کاربرد عملی « تعمید روح » با اتحاد بین ایمانداران پیوند دارد.

ب (تعمید روح القدس مرگ ما با مسیح را عملی می سازد.

« تعمید روح » مصلوب شدن ما با مسیح را عملی می سازد (کولسیان ۲ : ۱۲ ، خصوصاً رومیان ۶ : ۱ - ۱۰). ما به وسیله « تعمید روح » در مرگ، تدفین و قیام مسیح شریک می گردیم و همین شراکت، اساس مصلوب شدن طبیعت گناه آلود ایماندار و پیروزی او بر گناه می باشد.

در این باره می باید عنوان نمود که تعمید آب نمی تواند به وجود آورنده اتحاد ذکر شده ایمانداران با مسیح باشد اما در عین حال پیوندی نیز ما بین تعمید آب و « روح » وجود دارد. بطوری که می توان گفت که تعمید آب تصویر ظاهری و قابل رویت عملی است که روح القدس در درون قلب ایماندار به انجام می رساند.

ج (یافتن « تعمید روح » به مفهوم ملبس شدن ایماندار به قون نیست.

دریافت روح القدس به هنگام انجام عمل « تعمید روح »، منبع قوتی را در زندگی ایمانداران قرار می دهد، از این رو برخی یافتن تعمید روح القدس را به مفهوم ملبس گردیدن به قوت الهی می دانند. اما باید توجه داشت که تعمید روح القدس عملی است که ایماندار را در موقعیتی در مسیح قرار می دهد که قادر به دریافت قوت الهی شود اما خود عمل « تعمید روح » به خودی خود قوتی قابل تجربه را برای ایماندار تضمین نمی نماید. برای اثبات این ادعا می توان به ایمانداران شهر قرن‌س اشاره نمود. ایمانداران قرن‌س همگی به وسیله روح القدس تعمید یافته بودند (اول قرن‌س : ۱۲ : ۱۳)، با این حال آنها افرادی جسمانی بودند که به طرق انسان رفتار می کردند (اول قرن‌س : ۳ : ۳)؛ برخی از آنان برادران ایماندار خویش را به دادپناه نزد بی ایمانان می کشاندند (اول قرن‌س : ۶ : ۶)، برخی دیگر شام خداوند را به میهمانی هایی که در آن تنها خوردن و نوشیدن مطرح بود تبدیل نموده بودند (اول قرن‌س : ۱۱ : ۲۱ - ۲۲). آنها نتوانسته بودند مسیحی نمونه ای باشند. پولس رسول بارها و بارها به سبب این رفتارهای جسمانی آنان را توبیخ می کند، با این حال آنها ایمانداران حقیقی مسیح بودند (اعمال ۱۸ : ۸)، همگی فرزندان تعمید یافته، مقدس گردیده و عادل کرده شده خدا بودند (اول قرن‌س : ۶ : ۱۱) و مجدداً باید به یاد آورد که آنان همگی تعمید روح القدس را نیز یافته بودند.

در این باره می توان به ایمانداران غلاطیه نیز اشاره نمود. غلاطیان نیز همانند ایمانداران قرن‌س در مسیح به وسیله روح القدس تعمید یافته بودند (غلاطیان ۳ : ۲۶ - ۲۷)، با این حال آنان عملاً از انجیل حقیقی به سوی اصول ضعیف و فقیر برگشته آنها را بندگی می کردند (غلاطیان ۱ : ۶، ۴ : ۹).

نمونه های واضح بالا نشان می دهند که « تعمید روح » به ایمانداران قوتی قابل تجربه نمی دهد بلکه موقعیتی را در مسیح به او می بخشد که بتواند قوت لازم را بیابد و یک شخص ایماندار تنها با پر شدن از روح القدس می تواند قوت مورد بحث را یافته و تجربه نماید.

فصل یازدهم

سکونت روح القدس

سکونت روح القدس در قلوب ایمانداران عهد جدید خود نشانگر متمایز بودن کار روح القدس از دوره های قبلی می باشد. این عمل « روح » در واقع تحقق هسته مرکزی پیشگویی مسیح در مورد کار روح القدس پس از مراجعت او به نزد پدر می باشد. همچنین سکونت روح القدس در قلوب ایمانداران اساس کارهایی است که امروزه از او مشاهده می گردد.

۱ - روح القدس در قلوب چه کسانی ساکن می گردد؟

روح القدس در قلوب تمامی مسیحیان (ایمانداران تولد تازه یافته) ساکن می گردد. کلیسا در تمامی دوره ها بر این واقعیت واقف نبوده است، بطوری که پولس رسول لازم می دانست که حقیقت مذکور را به ایمانداران یادآوری نماید (۱ قرننیا ۳ : ۱۶، ۶ : ۱۹). امروزه نیز، نیاز به یادآوری این واقعیت همچنان محسوس می باشد، زیرا بسیاری از ایمانداران مسیحی از آن آگاهی ندارند. برای واضح تر شدن موضوع ذکر شده در بالا می باید به نکات زیر توجه نمود :

الف) مسیحیان گرفتار شده در گناه، روح القدس را داشته اند.

عبارت معروف اول قرننیا ۶ : ۱۹، گروه های متنوعی از ایمانداران قرننس را در برمی گیرد. پولس در این قسمت به مسیحیانی واقعیت مذکور را یادآوری می کند که جسمانی هستند، برادران خود را به دادگاه می برند، برخی از آنان در گناهان شرم آوری به سر می برند (اول قرننیا ۵ : ۵). اما بدون استثنا، همگی آنان از جانب رسول، هیکل و مسکن خدا نامیده می شوند. در واقع پولس با یادآوری « سکونت روح » در قلوب ایمانداران، مسیحیان قرننس را به انجام رفتار شایسته ترغیب می نماید.

ب) دریافت روح القدس یک عطیه محسوب می شود.

عبارت های بسیاری در عهد جدید وجود دارند که این واقعیت را تعلیم می دهند (یوحنا ۷ : ۳۷ - ۳۹، اعمال ۱۱ : ۱۷، رومیان ۵ : ۵، اول قرننیا ۲ : ۱۲، دوم قرننیا ۵ : ۵). هیچ یک از عبارات بالا به وجود تبعیض در عطا روح القدس اشاره ای نمی نمایند، بلکه همگی نشان می دهند که تمامی ایمانداران مسیحی روح القدس را یافته اند.

ج (نداشتن روح القدس به مفهوم نداشتن نجات می باشد.

پولس رسول با تاکید فراوان اظهار می دارد که: « ... هرگاه کسی روح مسیح را ندارد، وی از آن او نیست (رومیان ۸ : ۹).

یهودا نیز در رساله خود افراد مرتد و از دین برگشته را افرادی به شمار می آورد که هرگز « روح » را نداشته اند (یهودا ۱۹)؛ (اول قرنیتان ۲ : ۱۴ را نیز بخوانید).

بدین ترتیب ملاحظه می شود که عدم حضور روح القدس در زندگی فرد از این واقعیت حکایت می کند که فرد مذکور نجات الهی را دریافت ننموده است. و از سوی دیگر حضور روح القدس عطیه ای است که خدا آن را به هر یک از ایماندارانش عطا فرموده است.

۲ - سکونت دائمی روح القدس

آیا سکونت روح القدس در قلوب ایمانداران سکونتی دائمی است؟ یا گناهای وجود دارند که ارتکاب به آنها سبب می شود که روح القدس قلوب ایمانداران را ترک کند؟ برخی از ایمانداران با اینکه روح القدس را عطیه ای می دانند که به هر ایماندار به هنگام توبه و بازگشت اعطا می شود، لیکن صادقانه بر این باورند که انجام گناهان مسلم و قطعی سبب خواهد شد که « روح » از سکونت در قلوب ایمانداران صرفنظر نماید. اما مسیحیان باید به این واقعیت مهم توجه داشته باشند که خداوند در مورد روح القدس وعده فرموده که برای همیشه در قلوب ایمانداران ساکن خواهد گردید (یوحنا ۱۴ : ۱۶).

بدون شک ارتکاب گناه از سوی ایماندار بر کار روح القدس در زندگی او تاثیر منفی به دنبال دارد. لیکن بر سکونت روح القدس هیچ تاثیری نمی گذارد. گناه روح القدس را محزون ساخته (افسسیان ۴ : ۳۰)، مانع جاری شدن قدرت و برکات او در زندگی ایماندار می شود، لکن تغییری در سکونت دائمی او پدید نمی آورد. در واقع گناه بر پری روح القدس (در فصول آینده به آن خواهیم پرداخت) تاثیر منفی می گذارد اما سکونت او در قلوب مومنین ابدی است.

۳ - درک و آگاهی از سکونت روح القدس.

آیا یک شخص ایماندار می تواند از سکونت روح القدس در وجود خویش آگاهی داشته باشد؟ اگر چه سکونت روح القدس در قلب یک ایماندار به آگاهی یا عدم آگاهی او از این واقعیت بستگی ندارد لیکن درک این حقیقت برکات و پیامدهای مسلمی را به دنبال دارد. علاوه بر این عیسی مسیح نیز به شاگردانش وعده داده است که آنان بر واقعیت « سکونت روح » واقف خواهند شد (یوحنا ۱۴ : ۱۷ و ۲۰). اما ما چگونه می توانیم از واقعیت « سکونت روح » در زندگی خودمان آگاه شویم؟ برای درک این حقیقت می توان از دو طریق بهره جست : (۱) کتاب مقدس؛ (۲) تجربه.

(۱) کتاب مقدس؛ در این بحثی نیست که بهترین و مطمئن ترین طریق آگاهی از « سکونت روح » در زندگی شخص ایماندار، کلام خدا است. زیرا ممکن است زمانی حضور روح القدس در زندگی ما محسوس و قابل تجربه نباشد و یا زمانی تجربیات و احساسات، ما را بفریبند. لیکن مطمئن ترین دلیل « سکونت روح » در زندگی ما همان شهادت کتاب مقدس است (اول قرنیتان ۶ : ۱۹)، و باشد که ما از « سکونت روح » در زندگی خویش، تنها به این دلیل که کتاب

مقدس آن را تایید می نماید مطمئن باشیم. و سپس با همین اعتماد در زندگی خود، شاهد تجلی محبت، خوشی و سلامتی، ... که ثمره او محسوب می شوند، باشیم (غلاطیان ۵ : ۲۲ - ۲۳).

(۲) تجربه؛ تجربیات می توانند در برخی اوقات تایید کننده « سکونت روح » در زندگی ما باشند. اما در اوقاتی دیگر در جهت منفی عمل نمایند. بطوری که اگر گناه ترک نشده ای در زندگی ایماندار برکات حاصل از حضور « روح » را تحت تاثیر قرار دهد، ممکن است شخص را به این نتیجه گیری غلط برساند که روح القدس در او سکونت ندارد. همچنین روند طبیعی رشد مسیحی شامل دوره هایی است که شخص به آرامی، لیکن در عین حال محکم به پیش می رود، بطوری که نشانه های غیر معمول قدرت روح القدس در آن به چشم نمی خورد. لذا تجربه، هرگز طریقی مطمئن جهت آگاهی از سکونت روح القدس به شمار نمی آید.

۴ - بررسی نکات سوال برانگیز راجع به سکونت روح القدس.

الف) آیا روح القدس به شرط اطاعت در زندگی ایماندار ساکن می گردد؟

چنین به نظر میرسد که اعمال ۵ : ۳۲، اطاعت را شرط « سکونت روح » عنوان می نماید: « و ما هستیم شاهدان او بر این امور، چنانکه روح القدس نیز است که خدا او را به همه مطیعان او عطا فرموده است. « آیا روح القدس تنها به عده مشخصی از ایمانداران عطا می شود؟ اجازه بدهید قبل از رسیدن به چنین نتیجه ای، توجه بیشتری به زمینه و مخاطبین رسول داشته باشیم. در ابتدا می باید توجه داشت که مخاطبین پطرس در اعمال ۵ : ۳۲، ایمانداران مسیحی نیستند بلکه اعضای بی ایمان سنهدرین طرف سخن او می باشند. پطرس در واقع به اطاعت ایمان در مسیح اشاره می نماید. اعضای سنهدرین باید می دانستند که تنها به شرط ایمان به عیسی، « ما شیخ موعود »، می توانند نجات خداوند را تجربه نمایند. برای اثبات این ادعا می توان به اعمال ۶ : ۷ اشاره نمود که همین عبارت در مورد ایمان آوردن برخی از کاهنان به کار برده شده است: « و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان گشتند. » در این باره می توان به عبرانیان ۵ : ۹ و رومیان ۱ : ۵ نیز اشاره نمود.

ب) آیا در کتاب مقدس آیاتی که به « سکونت موقت روح » اشاره داشته باشند

وجود ندارند؟

اگر چه ما بر این واقعیت که « سکونت روح » امری دائمی است تاکید نمودیم لیکن آیات صریح و واضحی در کتاب مقدس وجود دارند که حکایت از سکونت موقت او می نمایند. روح القدس شاول را به سبب ناطاعتی ترک می گوید (اول سموئیل ۱۶ : ۱۴). همچنین داود در دعای خود از خداوند درخواست می نماید که روح قدوسش را از وی نگیرد (مزمو ۵۱ : ۱۱). به نظر می رسد که انجیل لوقا ۱۱ : ۱۳، نیز اشاره ای به اعطای مکرر و در عین حال موقت روح القدس در برداشته باشد. با این حال باید توجه نمود که تمامی مواردی که به « سکونت موقت روح » اشاره دارند به دوره قبل از پنطیکاست محدود می شوند. و تنها بعد از پنطیکاست است که دوره جدید کار روح القدس آغاز می گردد. و به همین دلیل عیسی مسیح با آگاهی از چگونگی کار « روح » در دوره های قبل، وعده آغاز دوره ای جدید از کار کامل روح القدس را

نوید می فرماید. لذا می باید توجه داشت که « سکونت موقت روح » تنها به دوره قبل از پنتیکاست مربوط می گردد با دوره بعد از پنتیکاست ندارد.

ج (آیا تاخیر در اعطای روح القدس به سامریان نشان دهنده وجود فاصله زمانی ما بین نجات و دریافت « روح » نمی باشد؟ (اعمال ۸ : ۱۴ - ۱۷).

وجود تاخیر در اعطای روح القدس به سامریانی که با بشارت فیلیپس به عیسی مسیح ایمان آورده بودند واقعه سوال برانگیزی می باشد. آیا دلیل خاصی برای این وقفه وجود داشته است؟ یا وقفه مزبور نشان می دهد که سکونت روح القدس می باید مدتی بعد از نجات واقع گردد؟ برخی عنوان می نمایند که واقعه مزبور در واقع پری روح القدس است که سامریان پس از مدتی آن را تجربه نموده اند. بدون شک این پاسخ نمی تواند درست باشد و در واقع تنها جهت دور شدن از مشکل ارائه می گردد. اما عده ای دیگر معتقدند که سامریان از آن رو که نخستین گروه ایماندار غیر یهودی محسوب می گشتند الزاماً می باید روح القدس را با تاخیر دریافت می نمودند. در مورد این پاسخ نیز، نخست باید به یاد آورد که سامریان تا اندازه ای اسرائیلی محسوب می شدند و از سوی دیگر واقعه منزل کرنیلیوس نشان می دهد که امتها نیز به هنگام ایمان به عیسی مسیح روح القدس را یافتند (اعمال ۱۰ : ۴۴). لذا مشاهده می شود پاسخ مزبور نیز نمی تواند جواب قانع کننده باشد.

اما بدون شک ما برای یافتن علت تاخیر در اعطای روح القدس به سامرین باید به ماهیت مذهب آنان توجه داشته باشیم. سامریان از لحاظ مذهبی با یهودیان در رقابت بودند (یوحنا ۴ : ۲۰)، آنان مانع عبور زائران اورشلیم از شهرهای خود می شدند (لوقا ۹ : ۵۲ - ۵۳). لذا وقوع وقفه در اعطای روح القدس امری ضروری بود. زیرا سبب گردید سامریان به وسیله دستگذاری رسولانی که از کلیسای اورشلیم فرستاده شد بودند روح القدس را بیابند (اعمال ۸ : ۱۴). بدین وسیله، خداوند ایمانداران سامری را متوجه نمود که مذهب جدید را نمی توانند بر پایه رقابت با مذهب نوپای اورشلیم قرار دهند، بلکه خود از نجاتی بهره می بند که در میان یهودیان پدید آمده است (یوحنا ۴ : ۲۲). در واقع این وقفه استثنایی در اعطای روح القدس به ایمانداران سامره سبب گردید که کلیسا از مواجه شدن با تفرقه در روزهای نخستین خود دور شود و کلیسای اورشلیم و رسولانش به عنوان کلیسای مادر باقی بمانند.

د (شاگردان یحیی تعمید دهنده (اعمال ۱۹ : ۱ - ۶).

هنگامی که پولس در سومین سفر بشارتی خود به افسس می آید با چند تن از شاگردان یحیی به هنگام ایمان به پیغام یحیی روح القدس را نیافته اند. و حتی آنان از چگونگی کار روح القدس اظهار بی اطلاعی می نمایند. لذا پولس به شرح چگونگی خدمت یحیی و شهادت او درباره مسیح می پردازد. شاگردان به وسیله پیغام پولس به عیسی مسیح ایمان آورده، روح القدس را نیز می یابند. اما عده ای بر این باورند که تجربه شاگردان افسسی نمونه دیگری است که نشان می دهد روح القدس به هنگام ایمان به مسیحیان اعطا نمی شود، بلکه عملی است که بعدها در زندگی ایماندار به وقوع می پیوندد. در این باره باید نخست عنوان نمود که شاگردان افسسی تا قبل از شنیدن پیغام پولس به عیسی مسیح ایمان نداشتند. در واقع آنان حتی مفهوم پیغام و تعمید یحیی را نیز به درستی درک ننموده بودند (آیات ۳ - ۴). از سوی دیگر مشاهده می شود که شاگردان افسسی به مجرد ایمان به مسیح، روح القدس را می یابند.

در مجموع می توان نتیجه گرفت که تمامی ایمانداران عهد جدید به هنگام ایمان به خداوند، روح القدس را یافته اند و تنها مورد استثنایی در رویه معمول اعطای « روح » به هنگام ایمان، ایمانداران سامره می باشند که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

فصل دوازدهم

عطایای روح القدس

چنین به نظر می رسد که عیسی مسیح بلافاصله پس از بازگشت به شکوه جلال خویش به منظور تجهیز کلیسا در مقابل حملات و بدخواهی های شیطان، به ایماندارانش عطایایی می بخشید. پولس رسول در این باره می فرماید :

« چون او به اعلی علین صعود نمود اسیری برد و بخششها به مردم داد » (افسسیان ۴ : ۸). خداوند به وسیله روح قدوس خویش این عطایا را به کلیسایش اضافه می نماید. این عطایای روحانی تنها سلاح کارآمد کلیسا در نبرد علیه نیروهای تاریکی می باشند. و کلیسا بدون عطایا شاید اندک تفاوتی با یک موسسه یا نهاد انسانی داشته باشد. و کلیسا بدون عطایا شاید اندک تفاوتی با یک موسسه یا نهاد انسانی داشته باشد. عطایای روحانی استعدادهای طبیعی و همچنین فوق طبیعی می باشند که به منظور پیشبرد خدمت خداوند توسط روح القدس به اعضای بدن مسیح اعطا می گردند. جهت شناخت بهتر این عمل روح القدس به ذکر و بررسی نکاتی چند می پردازیم :

۱ - تفاوت عطیه و ثمره روح با عطایای روح القدس

الف (عطیه و عطایای روح القدس.

« عطیه » و « عطایای روح » را نباید یک موضوع واحد ببینیم. در عهد جدید تمایز آشکاری ما بین « عطیه » و « عطایای روح » وجود دارد. « عطیه روح » در جواب دعای عیسی مسیح بر حسب وعده پدر نخست در روز پنطیکاست به تمامی ایمانداران یهودی نژاد اورشلیم و سپس در منزل کرنیلیوس به ایمانداران غیر یهودی ارزانی شد. عطیه روح القدس بدون استثنا به هر یک از ایمانداران اعطا گردید (اعمال ۲ : ۳۸). لیکن عطایای متفاوت « روح » بر حسب اراده روح القدس در میان ایمانداران توزیع می شوند و همه ایمانداران از تمامی عطایای روح برخوردار نمی گردند. بلکه به هر یک از آنان عطا یا عطایای خاصی اعطا می گردد (اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۱ و ۲۸).

ب) « عطایا » و « ثمره روح ».

عطایا را باید از « ثمره روح » نیز امری مجزا دانست. عطایا، استعداد و توانایی های مشخصی هستند که به فرد ایماندار اعطا می شوند، لیکن « ثمره روح » در زندگی یک ایماندار مطیع پدیدار می شود. ثمره به میوه ای شباهت دارد که از خود درخت پدید می آید. همچنین « ثمره روح » در زندگی هر ایماندار مطیعی به صورت مشابه پدیدار می گردد. بطوری که همه ایمانداران مطیع اراده خدا از محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزکاری بطور یکسان برخوردار می گردند (غلاطیان ۵ : ۲۲)؛ لیکن عطایای ایمانداران همیشه مشابه به هم نیستند. ما در اول قرنیتیان ۱۲ : ۳۸، می خوانیم که به برخی عطای رسالت، به برخی دیگر نبوت و ... اعطا می شود.

بر طبق شهادت پولس رسول، ایمانداران کلیسای قرنیتس در هیچ بخشش ناقص نبوده اند (اول قرنیتیان ۱ : ۷). آنان عطایای مختلفی از روح القدس دریافت نموده بودند، لیکن « ثمره روح » در زندگی آنان مشاهده نمی گردید. در واقع می توان گفت که مشخصه یک فرد روحانی عطایا نیستند بلکه این « ثمره روح » است که به روحانی بودن یک شخص حکم می دهد. در مورد تمایز موجود ما بین عطایا و « ثمره روح » می توان افزود که گناه در زندگی ایماندار بیش از عطایا، بر « ثمره روح » تاثیر منفی و زود هنگام دارد.

۲ - چه کسی عطایای روحانی را بر می گزیند؟

فرموده پولس رسول در رساله اول قرنیتیان ۱۲ : ۳۱، مبنی بر طلب عطایای افضل تر، این سوال را در ذهن خوانندگان کتاب مقدس به وجود می آورد، که چه کسی عطایای روحانی را بر می گزیند؟ آیا یک فرد ایماندار می تواند بر یک عطای دلخواه خویش انگشت نهاده به خداوند بگوید؟ « ای خداوند، من به هر قیمت ممکن ای عطای مورد علاقه ام را از تو می خواهم. من برای گرفتن آن خواهم کوشید، کشتی خواهم گرفت، و امیدوار خواهم بود که روزی آن را بدست آورم ! » امروزه افراد بسیاری بدین گونه عمل می کنند و عاقبت به دلیل دسن نیافتن به عطای مورد نظر خویش (اگر بطور کلی از ایمان سقوط نکنند)، از دعا نمودن مایوس می شوند. برآستی اگر انتخاب نوع « عطای روح » بطور کامل به ما سپرده می شد، کدام یک از « عطایای روح » را بر می گزیدیم؟ آیا ما به سوی عطایای پر جذبه تر همانند موعظه کلام خدا کشیده نمی شدیم؟ اگر تمامی اعضای یک بدن دهان می شدند چه اوضاع هولناکی پدید می آمد و چه صدای مهیبی از کلیسا بر می خواست. نه، این تنها خداست که به وسیله روح خویش با اقتدار تمام تصمیم می گیرد که به هر یک از ایمانداران چه وظیفه و توانایی محول نماید. در این باره پولس رسول می فرماید: « لیکن در جمیع اینها یک روح فاعل است که هر کس را فرداً به حسب اراده خود تقسیم می کند » (اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۱). نویسنده رساله به عبرانیان نیز در جهت تایید این موضوع عنوان می دارد که روح القدس بر حسب اراده خویش عطایا را تقسیم می نماید (۲ : ۴).

اما اگر فرد ایماندار خود را کاملاً در اختیار خداوند قرار داده، مطیع او گردد، بدون شک از جانب خداوند مکاشفه لازم را خواهد یافت، که برای کدامیک از عطایای مفید و ضروری، جهت بنای کلیسا دعا نماید.

۳ - آیا هر ایماندار مسیحی عطایی دارد؟

بدون شک به هر ایماندار مسیحی عطایی بخشیده شده است. همانطور که هیچ عضو بدون مسوولیت و توانایی خاص در بدن انسان وجود ندارد، همچنان هیچ ایماندار بدون عطا نیز در میان مومنین نمی تواند وجود داشته باشد. پولس رسول در اول قرننیاں ۱۲ : ۶ - ۷ و ۱۱ و ۱۷ (ترجمه انجیل شریف)، می فرماید: « فعالیت‌های ما نیز مختلف است اما یک خدا است که در همه عمل می کند. در هر فرد، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند ...، اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید ...، باری شما جمعاً بدن مسیح و فرداً فرد عضو از اعضای بدن او هستید. »

دانستن این واقعیت که خداوند در فیض خویش به ما خدمت خاصی واگذار نموده، چه نعمت عظیمی است. ما در کلیسای خداوند موقعیت و وظیفه خاصی داریم. خداوند به هر ایماندار فروتن، حتی بی سواد و حتی ایمانداران جوان عطایی بخشیده است. اما آیا عطای خود را شناخته اید؟ اگر جواب شما منفی است، باید توجه داشته باشید که به احتمال قوی شما خود را بطور کامل در اختیار خداوند قرار نداده اید تا استعداد و توانایی خدادادی خویش را بشناسید. بدون شک اگر شما خویشتن را حقیقتاً به خداوند تسلیم نمایید، او توانایی پنهان شما را آشکار خواهد نمود تا آن را جهت بنای کلیسایش به کار برید.

۴ - همه ایمانداران عطای مشابهی از روح القدس نمی یابند.

بدون شک یک عضو بدن مسیح همه « عطایای روح » را دریافت نمی کند. در بدن انسان نیز اعضای همچون چشم، گوش یا دست هر یک وظیفه خاصی را داشته، آن را بجا می آورند. در این مورد آیات زیر را بخوانید :

« زیرا یکی را به واسطت روح، کلام حکمت داده می شود و دیگری را کلام علم، به حسب همان روح، و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را ... (اول قرننیاں ۱۲ : ۸ - ۱۲).

« زیرا همچنان که در یک بدن اعضای بسیار داریم و هر عضوی را یک کار نیست، همچنین ما که بسیاریم، یک جسد هستیم در مسیح، اما فرداً اعضای یکدیگر. پس چون نعمتهای مختلف داریم به حسب فیضی که به ما داده شد، خواه نبوت بر حسب موافقت ایمان، یا خدمت ... » (رومیان ۱۲ : ۴ - ۷).

علاوه بر این ما نمی توانیم صرفاً به دلیل مشاهده عطای خاصی در زندگی ایماندار مجاورمان انتظار دریافت همان نوع عطا را از خداوند داشته باشیم. پولس رسول در این باره می گوید: « آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا ... » (اول قرننیاں ۱۲ : ۲۹). لذا ما باید همواره دو نکته مهم را در این باره رعایت نماییم.

نخست اینکه عطای بخشیده شده از جانب خداوند را با فروتنی و رضایت کامل بپذیریم و به ظاهر یا مدارج آن توجه نکنیم. همچنین به هیچ وجه به عطای دیگران غبطه نخوریم، بلکه همواره در جستجو و دریافت اراده خداوند در زندگی خود باشیم.

۵ - آیا تمامی عطایای روح القدس از اهمیتی یکسان برخوردار هستند؟

بنابر دلایل موجود باید عنوان نمود که پاسخ سوال مزبور منفی است. پولس رسول در اول قرن نهم : ۱۲ : ۲۸، به هنگام صحبت راجع به « عطایای روح » آنها را به ترتیب اهمیت ذکر نموده می فرماید: « و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، ... ». این واقعیت زمانی شفاف تر می گردد که خود پولس عطای نبوت را مهم تر از عطای زبانها بر می شمارد، « و خواهش دارم که همه شما به زبانها تکلم کنید، لیکن بیشتر اینکه نبوت نمایید، زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند مگر آنکه ترجمه کند ...، در کلیسا بیشتر می پسندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم » (اول قرن نهم : ۱۴ : ۵ و ۱۹).

۶ - آیا « عطایای روح » در تمامی دوره ها بطور یکسان اعطا شده اند؟

مسئله و فور عطایای نشانه ای در دوره رسولان و کمیاب بودن آنها در دوران حاضر برای اغلب ایمانداران مشکلاتی را ایجاد می نماید. برخی از آنان بر این باورند که با داشتن ایمانی قوی تر می توان قدرت فوق طبیعی مذکور را مجدداً تجربه نمود. در واقع تغییر ناپذیری قدرت خداوند و واقعیتی است که کلیسا هرگز نباید آن را به فراموشی سپارد. امروزه ما ایمانداران پس از قرنها، با تکیه بر همین قدرت و وعده های تغییر ناپذیر الهی شاهد اعمال بزرگی از خداوند در زندگی خود هستیم و بدون شک اگر مشارکت جدی و نزدیکتری با خداوند در زندگی خود هستیم و بدون شک اگر مشارکت جدی و نزدیکتری با خداوند داشته باشیم، قدرت الهی او را بطرز موثرتری در زندگی خود مشاهده نموده، شاهد اعمال عجیب تری از او خواهیم بود. لیکن بررسی دقیق کتاب مقدس درباره نحوه توزیع عطایا در دوره های مختلف ما را به نتیجه گیری زیر می رساند :

الف (اگر ما نگاه دقیقی به فهرست عنوان شده عطایا در رسالات داشته باشیم، متوجه می شویم که اغلب عطایای مذکور همچون : حکمت، علم، ایمان، مبشرین، معلمین، شبانان، تدابیر یا مدیران، اعانت یا مددکنندگان، سخاوت و ...، در تمامی دوره های به ایمانداران امین، محض ایمان اعطا شده اند. این عطایا نیز همانند عطایای نشانه ای همچون شفا، زبانها، معجزه کنندگان، نبوت، استعدادها و تواناییهای غیر معمولی می باشند که بر طبق اراده روح القدس به ایمانداران اعطا می شوند. لذا می شود نتیجه گرفت که کمیاب بودن عطایای نشانه ای نمی تواند به سبب بی ایمانی مسیحیان باشد، بلکه باید آن را منطبق بر اراده خدا به شمار آورد. زیرا اگر علت کمیاب بودن عطایای مذکور را کم ایمانی افراد بدانیم، چگونه می توان بخشش عطایایی از قبیل حکمت، علم، ایمان، مبشرین، معلمین، شبانان، تدابیر، اعانت، سخاوت و ...، را در تمامی دوره های توجیه نمود! علاوه بر این ذکر این نکته لازم است که پولس رسول در رسالاتش معمولاً عطایای مذکور را در جای بالاتری نسبت به عطایای کمیاب امروزی (عطایای نشانه ای) قرار داده است. (رومیان ۱۲ : ۷ - ۸، اول قرن نهم : ۱۲ : ۲۸، افسسیان ۴ : ۱۱ را ملاحظه نمایید.)

ب (در عهد عتیق نیز همانند عهد جدید خداوند تنها در دوره های خاصی، به دلایلی که به آسانی قابل فهم می باشند، معجزات فراوانی به ظهور می رساند. او در ایام خارج نمودن قوم خود از زمین مصر، اعطای شریعت در کوه سینا و رهبری آنان به سوی سرزمین فلسطین، معجزات متعدد و شگفت آوری را به وسیله خادمین خویش به ظهور رسانید. این معجزات فراوان در وهله نخست به قوم خدا ثابت می نمودند که خداوند یقیناً در کار نجات و رهبری آنان مداخله نموده است. از سوی دیگر آیات مذکور به قوم نشان می دادند که عهد منعقد شده در کوه سینا عهدی الهی می باشد. اما ما شاهد

هستیم که معجزاتی اینگونه به مدت چند قرن تا ایام ایلیا و الیشع نبی تکرار نمی شوند. و علت وقوع آنها در دوران ایلیا و الیشع نیز اوضاع درخشان و روحانی قوم نبوده است، زیرا قوم در ایام مذکور خداوند را ترک نموده، در یکی از تاریکترین و بدترین دوران خویش بسر می بردند.

همچنین باید به یاد داشت که مردان بزرگ خدا همچون ابراهیم، داود و یحیی تعمید دهنده هیچ معجزه ای انجام نداده اند (یوحنا ۱۰ : ۴۱)، لیکن این به دلیل کم ایمانی آنان نبوده است. زیرا عیسی مسیح درباره یحیی تعمید دهنده در انجیل متی ۱۱ : ۱۱، عنوان می کند که از اولاد زنان کسی بزرگتر از یحیی تعمید دهنده برنخاسته است.

در دوره مسیح و رسولان نیز معجزات فراوانی به ظهور می رسند. این معجزات تایید کننده پیغام عنوان شده از جانب مسیح و رسولانش و همچنین ماهیت الهی عهد جدید بودند (عبرانیان ۲ : ۳ - ۴). در واقع وجود معجزات در آن دوره نیز جهت الزام یهودیان مذهبی و متعهد به شریعت موسس امری ضروری بود. زیرا هیچ چیر دیگری جهت اثبات حقانیت انجیل به اندازه معجزات نمی توانست بر یهودیان تاثیر داشته باشد. همچنین راجع به فرموده عیسی در انجیل مرقس ۱۶ : ۱۷ - ۱۸، باید عنوان نمود که تمامی معجزات (بجز خوردن زهر قاتل) ذکر شده در آن قسمت را می توان در کتاب اعمال رسولان مشاهده نمود. لیکن در هیچ یک از رسالات که قوانین زندگی روحانی محسوب می گردند آیه ای که نشانگر ضرورت همراهی معجزات با موعظت و زندگی ایمانداران باشد وجود ندارد. از سوی دیگر آیاتی همچون رومیان ۱۵ : ۱۹، دوم قرنتیان ۱۲ : ۱۲، به معجزات انجام شده در دوران رسولان همانند یک واقعه تاریخی اشاره نموده، وقوع آنها را امری ضروری جهت تایید پیغام انجیل در آن زمان به شمار می آورند. علاوه بر این عبرانیان ۲ : ۳ - ۴، آشکارا نشان می دهد که عطایای نشانه ای فراوان دوران رسولان در نسل بعدی مشاهده نشده اند.

امروزه کلیسای مسیح، انجیل را به مردمی موعظه می کند که تمام عهد جدید را در اختیار دارند، تاریخ کلیسای مسیح در دسترس آنان است و در عین حال زندگی ایمانداران حقیقی مسیح را می توانند مشاهده نمایند. و این موارد، تایید محکمی بر حقانیت پیغام کلیسا می باشند. و بنابر همین دلایل امروزه وقوع معجزات امری ضروری جهت تایید پیغام کلیسا همانند روزهای آغازین آن به شمار نمی آید. اما همواره باید به یاد داشت که کلیسا متعلق به خدای قادر مطلق است، و اوست که در هر وقت بر طبق اراده خویش می تواند معجزات و عطایای ایام پیشین را بار دیگر به قومش ارزانی نماید.

در عین حال باید توجه داشت که بر طبق تعلیم کتاب مقدس در ایام آخر معجزاتی مشاهده خواهند شد که از جانب خدا نبوده، بلکه به وسیله انبیای کاذب و مسیحیان دروغین به ظهور می رسند: « زیرا که مسیحیان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. » (متی ۲۴ : ۲۴)، « که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ و به هر قسم ناراستی برای هالکین، از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند. » (دوم تسالونیکیان ۲ : ۹ - ۱۰)، « (نبی کاذب) معجزات عظیمه به عمل می آورد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرو آورد. و ساکنان زمین را گمراهی می کند، به آن معجزاتی که به وی داده شد که آنها را در حضور وحش بنماید » (مکاشفه ۱۳ : ۱۳ - ۱۴).

بنابر این لازم است که ما خود را بطور کامل در اختیار روح خداوند قرار داده با مطالعه و اطاعت کلام از خطر گرفتار شدن در تعالیم غلط محفوظ بمانیم.

در این قسمت به بررسی مختصر هر یک از عطایای عنوان شده در عهد جدید می پردازیم :

۱ - عطای ایمان (اول قرن‌تین ۱۲ : ۹).

عطای ایمان چه نوع عطایی است؟ از آنجایی که ایمان در این قسمت عطا محسوب می گردد تمامی اعضای کلیسا نمی توانند از آن برخوردار گردند. لذا نباید آن را با ایمان نجات بخش یکسان شمرد. زیرا ایمان نجات بخش را هر یک از اعضای بدن مسیح قبلاً دریافت نموده اند. عطای ایمان، توانایی است که جهت انجام و پیشبرد خدمات خاصی به برخی از ایمانداران مسیح اعطا می گردد. به عنوان مثال می توان به خدماتی که توسط « ژرژ مولر » یا « هادسن تایلر » به انجام رسید، اشاره نمود.

۲ - عطای شفا (اول قرن‌تین ۱۲ : ۹).

اگر چه قبلاً به عطایای کمیاب عنوان گردید که خداوند این نوع عطایا را در دوره های خاصی به منظور مشخصی به کار برده است، لیکن این بدان معنا نیست که خداوند استعمال طرق غیر معمول را ترک نموده است. او برخی اوقات بر طبق اراده خویش برخی امراض را بطور مستقیم، به وسیله دعای مومنین (یعقوب ۵ : ۱۴ - ۱۵)، یا به وسیله اشخاصی که عطای مورد بحث را از او یافته اند شفا می بخشد. اما در مورد این عطا می باید نکاتی چند را در نظر داشت :

الف) عطای شفا نیز همانند دیگر عطایای روح القدس به تمام اعضای کلیسا

اعطا نمی گردد؛ و دیگر نکته قابل ذکر درباره عطای مورد بحث این است که تنها یک بار در لیست عطایای روح القدس ذکر شده است (اول قرن‌تین ۱۲ : ۹).

ب) این عطا ممکن است به صورت موقت اعطا شود؛ در شهر افسس خداوند به وسیله

پولس معجزات بزرگی به ظهور می رساند، بطوری که از بدن او دستمال ها و پیش بندهایی برده بر مریضان می گذاردند و امراض از آنان زایل می شد و ارواح پلید از آنان اخراج می شدند (اعمال ۱۹ : ۱۱ - ۱۲). لیکن بعدها پولس در شهر میلتنس نمی تواند ترفیمس را شفا دهد لذا او را بیمار در آنجا وامی گذارد (دوم تیموتائوس ۴ : ۲۰)، همچنین رساله اول تیموتائوس ۵ : ۲۳، نشان می دهد که پولس قادر نبوده معده بیمار تیموتائوس را شفا دهد، لذا تنها به دادن نصیحتی به او بسنده می کند.

ج) دارنده عطای شفا قادر به شفای تمام بیماریهها نیست؛ خداوند هرگز وعده نداده است

که ما را از تمام بیماریهای دوران زندگیمان شفا خواهد داد. زیرا اگر قرار باشد ایمانداران از تمامی بیماریهای دوران زندگیشان شفا یابند دیگر نباید شاهد مرگ برادران خود باشیم، یا حداقل افراد ایمانداری را بیابیم که طعم مرگ را نچشیده باشند. اگر چه ما می توانیم با ایمان به کار شفا بخش مسیح (اشعیا ۵۳ : ۴، متی ۸ : ۱۷)، از بسیاری از بیماریهایمان شفا

یابیم لیکن باید در نظر داشت که تنها بعد از قیام از مردگان است که با بدنی جلال یافته، بطور کامل از تمام مشکلات، ناتوانیها و بیماریهای جسم رهایی خواهیم یافت (رومیان ۸ : ۲۳).

لذا اشتباه است اگر فکر کنیم که یک ایماندار در صورت زندگی در اراده خداوند هرگز مریض نخواهد شد. برخی اوقات خداوند بر حسب اراده خویش بنا بر دلایل خاصی دعای صادقانه یک ایماندار مقدس را نیز اجابت نمی نماید. به عنوان دعای پولس رسول جهت گرفتن شفا اجابت نمی شود. زیرا خاری که مشکلات جسمانی برای او ایجاد می نمود، برای زندگی روحانی او مفید بود (دوم قرننیا ۱۲ : ۷ - ۹). خود عیسی مسیح در مورد مرد نابینا عنوان می دارد که تمامی بیماریها در نتیجه گناه شخصی پدید نمی آیند (یوحنا ۹ : ۲ - ۳). از سوی دیگر ممکن است خداوند اجازه دهد که تجربیاتی در زندگی ما واقع گردند (به عنوان تنبیه یا به دلایل دیگر) که برکات بزرگی را به دنبال داشته باشند (عبرانیان ۱۲ : ۵ - ۱۱).

۳ - عطای نبوت (رومیان ۱۲ : ۶ ، اول قرننیا ۱۲ : ۱ - ۴۰ ، افسسیان ۴ :

(۱۱).

بر خلاف تصور عده ای نبوت تنها به پیشگویی وقایع آینده محدود نمی گردد، بلکه مطابق اول قرننیا ۱۴ : ۳ - ۴ ، می تواند پیغامی جهت بنا، نصیحت و تسلی کلیسا باشد. در واقع بغیر از پیشگویی وقایع آینده را می توانیم بیابیم، که معروفترین نمونه آنها پیشگویی شخصی به نام « آگابوس » می باشد که قحطی دوران « کلودیوس » و به بند کشیده شدن پولس در اورشلیم را از قبل اعلام نمود (اعمال ۱۱ : ۲۷ - ۲۸ ، ۲۱ : ۱۰ - ۱۱). از شواهد موجود چنین بر می آید که عطای نبوت در کلیسای اولیه اغلب برای گرفتن پیغام یا مکاشفه جهت راهنمایی و بنای کلیسا به کار رفته است. دارندگان عطای مورد بحث پیغام یا مکاشفه اعطا شده از جانب خداوند را در جلسه عمومی کلیسا بیان می نمودند (اول قرننیا ۱۴ : ۳ - ۴ ، ۲۹ - ۳۳). و از آنجایی که این خطر وجود داشت که برخی افکار خطور نموده به اذهان خویش را الهام الهی ببندارند، کلیسا نصیحت شده بود که پیغام افراد را آزموده و کنترل نماید (اول قرننیا ۱۴ : ۲۹). اما علت اهمیت والای عطای نبوت در کلیسای اولیه چه بوده، و پولس به چه دلیل کلیسا را ترغیب می کند که بیش از عطایای دیگر آن را جستجو نمایند؟ جواب دادن به این سوال کار دشواری نیست. ایمانداران کلیسای اولیه هنوز کتب عهد جدید را در اختیار نداشتند و همچنین امکان استفاده مستمر از تعالیم رسولان برای آنان وجود نداشت، لذا خداوند به وسیله اعطای مکاشفات مطمئن به انبیا، ایمان کلیسا را تغذیه می نموده است. اما بعد از تکمیل کتاب مقدس و ثبت کامل مکاشفات غیر قابل تبدیل الهی می توان گفت که امروزه موعظت پر قدرتی که بر اساس کلام ثبت شده الهی انجام می شوند در واقع همان نبوت محسوب می گردد.

۴ - عطای رسالت (افسسیان ۴ : ۱۱ ، اول قرننیا ۱۲ : ۲۸).

رسول به معنی « فرستاده شده » می باشد. لذا از جهتی می توان تمامی ایمانداران مسیحی را رسولان مسیح به شمار آورد. زیرا آنان توسط مسیح فرستاده شده اند تا شاهدین او در اقصی نقاط جهان باشند. اما این اعطا به طور خاص به دوازده شاگرد مسیح و همچنین به عده محدود دیگری همچون پولس و برنابا، (اعمال ۱۴ : ۱۴) محدود می گردد. آنان رهبران و بنیانگذاران کلیسا بودند (افسسیان ۲ : ۲۰)، که با آیات خاصی از جانب خدا مورد تایید قرار می گرفتند. اما از آنجایی که عطای رسالت در آغاز جهت نهادن بنیاد کلیسا اعطا شده بود، پس از تحقق این مهم به نظر می رسد که هم نیاز و

هم بخشش آن عطا موقوف شده است. « و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده اید که خود غیسی مسیح سنگ زاویه است » (افسسیان ۲ : ۲۰).

۵ - عطا کثیشی (افسسیان ۴ : ۱۱).

کلمه کثیش به مفهوم « شبان » می باشد. این عطا جهت راهنمایی، نگهداری و دفاع از گله خداوند به برخی از ایمانداران اعطا می گردد. در افسسیان ۴ : ۱۱، کار تعلیم نیز با وظیفه شبانان در هم می آمیزد و در اعمال ۲۰ : ۲۸، نیز وظیفه رعایت گله نیز بر وظایف قبلی افزوده می گردد. در اعمال ۲۰ : ۲۷ و ۲۸، برای رهبران کلیسای افسس عناوین شیخ، اسقف و کثیش (شبان) نیز به کار برده می شود.

۶ - عطا تعلیم (رومیان ۱۲ : ۷، اول قرنتیان ۱۲ : ۲۸، افسسیان ۴ : ۱۱)

).

عطا تعلیم، استعدادی و توانایی خدادادی می باشد که شخص را قادر می سازد هماهنگی و جزییات مکاشفه الهی را بخوبی توضیح دهد. از شواهد موجود در کتاب مقدس چنین برمی آید که عطا مورد بحث در بعضی از مواقع به همراه عطا کثیشی به برخی از ایمانداران اعطا می گردد (افسسیان ۴ : ۱۱). اما ممکن است افرادی بدون داشتن عطا کثیشی نیز از عطا مذکور برخوردار گردند (رومیان ۱۲ : ۷). دارندگان عطا تعلیم باید با تحصیل و مطالعه مذکور را در زندگی خود بسط دهند.

۷ - عطا بشارت (افسسیان ۴ : ۱۱).

پیغام مبشران، خبر خوش نجات است. دارنده عطا بشارت قادر می گردد که بطرز بسیار موثری کلام نجات بخش خدا را موعظه کند، بطوری که اشخاص را به سوی نجات رهبری نماید. مبشران معمولاً مکان ثابتی برای خدمت اختیار نمی کنند و مدام در حال تغییر محل و رسانیدن مژده نجات به افراد غیر ایماندار (نجات نیافته) می باشند. مدت اقامت آنان در یک مکان مشخص نیست. پولس برخی اوقات به مدت دو سال در یک مکان توقف می نمود (اعمال ۱۹ : ۱۰)، و اوقاتی دیگر توقف او در یک مکان از چند روز تجاوز نمی کرد (اعمال ۱۷ : ۱۴). البته باید عنوان نمود که مسوولیت رسانیدن خبر خوش نجات تنها بر دوش مبشران گذاشته نشده است. در واقع به نوعی تمامی ایمانداران کار بشارت را انجام می دهند، زیرا موظف هستند که پیغام نجات بخش انجیل را به مردم برسانند (اعمال ۱ : ۸). همچنین برخی افراد همانند تیموتاوس که یک کثیش بود نیز کار بشارت را انجام می دادند (دوم تیموتاوس ۴ : ۵).

۸ - عطا تمیز ارواح (اول قرنتیان ۱۲ : ۱۰).

دارنده این عطا قادر است مکاشفات فوق طبیعی درست را از غلط تشخیص دهد. وجود این عطا در میان جماعتی ایمانداران نخستین یک ضرورت بود. زیرا دارندگان این اعطا بودند که پیش از نوشته شدن عهد جدید کلیسا را از ماهیت مکاشفات مطلع می ساختند. یوحنا رسول در رساله نخست خویش، کلیسا را نصیحت نموده می فرماید: « ای حبیبان

هر روح را قبول مکنید بلکه روح ها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه « (۴ : ۱). امروزه نیز ایمانداران نیازمند هستند که به وسیله قوت الهی تدابیر دشمنی که به صورت فرشته نور ظاهر می شود را کشف نمایند (دوم قرننیاں ۱۱ : ۱۴).

۹ - عطاى خدمت (رومیان ۱۲ : ۷، اول قرننیاں ۱۲ : ۲۸، افسسیان ۴ : ۱۲)

.)

دارنده این عطا قادر می گردد که دیگران را به مفهوم کامل کلمه کمک و خدمت نماید. عطاى خدمت یکی از عطایای اساسی در کلیسای مسیح به شمار می آید که می تواند باعث جلال خداوند گردد.

۱۰ - عطاى سخاوت (رومیان ۱۲ : ۸).

این عطا شخص را قادر می سازد که بدون امید عوض دیگران را از لحاظ مالی یاری نماید. این شخص در واقع بدون هراس پول خود را در میان دیگران تقسیم می کند.

۱۱ - عطاى پیشوایی (رومیان ۱۲ : ۸، اول قرننیاں ۱۲ : ۲۸).

خداوند به برخی ایمانداران توانایی اداره امور کلیسا را اعطا می نماید. آنان نه به رای خویش بلکه از جانب خدا مقرر می گردند که کلیسا را اداره نموده بر آن نظارت نمایند. نویسنده رساله به عبرانیان ایمانداران را نصیحت می نماید که از پیشوایان خویش اطاعت نمایند: « مرشدان خود را اطاعت و انقیاد نمایید زیرا که ایشان پاسپاتی جانهای شما را می کنند، ... » (۱۳ : ۱۷).

۱۲ تکلم به زبانها.

تکلم به زبانها توانایی خدادادی است که شخص را قادر می سازد به زبانهایی که هرگز نیاموخته است صحبت نماید. باب دوم اعمال رسولان آشکارا نشان می دهد که شاگردان مسیح در روز پنطیکاست به زبانهای خارجی تکلم نموده اند. زیرا مردمی که از ممالک و مناطق مختلف در اورشلیم جمع شده بودند هر یک سخنان ایشان را به زبان محلی خود می شنیدند. از سخنان پطرس چنین بر می آید که زبانهایی که در منزل کرنیلیوس تکلم شدند نیز زبانهای خارجی بوده اند (اعمال ۱۰: ۴۶، ۱۱ : ۱۵). اما مطرح شدن زبانهای غیر قابل فهم در رساله اول قرننیاں ۱۴ : ۲ و ۱۴ و ۱۶، در واقع نشان می دهد که زبانهای تکلم شده در کلیسای قرنتس با زبانهای خارجی تکلم شده در روز پنطیکاست متفاوت بوده اند.

دکتر « بیلی گراهام » راجع به این موضوع می گوید: « در روز پنطیکاست شاگردان با زائران اورشلیم به زبانهای قابل فهم سخن گفتند. در واقع، روح القدس به شاگردان قوت داد که به زبانهایی سخن گویند که آنها را نمی دانستند، لیکن برای مخاطبین ایشان آنها زبانها قابل فهم بودند. اما مطرح شدن « ترجمه » به عنوان عطای روحانی در کلیسای قرنتس مرا متقاعد نموده که زبانهای مورد بحث در رساله اول قرننیاں برای مخاطبین زبانهایی غیر قابل فهم بودند. »

الف) تمایز موجود ما بین زبانهای تکلم شده در روز پنطیکاست با عطاى زبانها

در کلیسای قرنتس

ما با بررسی و مقایسه دقیق زبانهای تکلم شده در روز پنطیکاست با عطای زبانهای مطرح شده در کلیسای قرننس، متوجه نکات زیر می شویم :

(۱) در روز پنطیکاست تمامی جماعت یکصد و بیست نفری شاگردان مسیح به زبانه تکلم نمودند (اعمال ۲ : ۳ - ۴) در حالی که تمامی اعضای کلیسای قرننس قادر به تکلم زبانها نبودند (اول قرننتیان ۱۲ : ۲۹ - ۳۰).

(۲) در روز پنطیکاست مخاطبین شاگردان، مردم بودند (اعمال ۲ : ۶ - ۸)، در حالی که در کلیسای قرننس مخاطب متکلمین به زبانها، خدا بود (اول قرننتیان ۱۴ : ۲ و ۹).

(۳) شاگردان مسیح در روز پنطیکاست به زبانهایی تکلم نمودند که برای مردم قابل فهم بود (اعمال ۲ : ۶)، لیکن زبانهای مورد تکلم در کلیسای قرننس را تنها عده معدودی درک می نمودند (اول قرننتیان ۱۴ : ۲).

(۴) در روز پنطیکاست وجود مترجمان ضرورتی نداشت (اعمال ۲ : ۶)، در حالی که در کلیسای قرننس پولس تکلم به زبانها در کلیسا را تنها به شرط ترجمه مجاز می شمارد (اول قرننتیان ۱۴ : ۲۸).

(۵) در روز پنطیکاست مردم از شنیدن صحبت شاگردان که به زبانهای مختلف انجام می پذیرفت، متعجب و شگفت زده شدند (اعمال ۲ : ۷ - ۸)، در صورتی که پولس به کلیسای قرننس هشدار می دهد که ممکن است در صورت تکلم در کلیسا، ایمانداران از جانب مردم، دیوانه پنداشته شوند (اول قرننتیان ۱۴ : ۲۳).

(۶) در روز پنطیکاست تکلم به زبانهای بیگانه در خدمت پیشبرد برنامه های بشارتی کلیسای اولیه قرار داشت (اعمال ۲ : ۶ - ۷ و ۴۱)، در حالی که زبانهایی که در کلیسای قرننس تکلم می شدند برای بنای شخصی بودند (اول قرننتیان ۱۴ : ۴) و تنها در صورت ترجمه می توانستند برای بنای شنوندگان به کار برده شوند.

حال با توجه به تمایز موجود، ما جهت شفاف تر شدن هر چه بیشتر موضوع، نخست به بررسی مختصر خارجی تکلم شده در روز پنطیکاست می پردازیم و سپس عطای زبانها را مورد بررسی قرار می دهیم.

ب) تکلم به زبانهای خارجی

با توجه به شواهد موجود در کتاب مقدس راجع به زبانهای تکلم شده در روز پنطیکاست می توان به نکات زیر اشاره نمود :

(۱) تکلم به زبانهای خارجی آیتی برای یهودیان و جدیدان (۱) بود. (اعمال ۲ : ۶ - ۱۲).

۱ - جدیدان مردمانی غیر عبرانی (از امتهای) بودند که مذهب یهود را پذیرفته به رسوم ایشان رفتار می کردند.

زمان برگزاری عید پنطیکاست در ماه ژوئن برای یهودیان پراکنده و جدیدانی که قصد زیارت اورشلیم را داشتند، زمانی بسیار مطلوب بود. زیرا در آن ایام، ماه ژوئن از لحاظ آب و هوا بهترین زمان مسافرت در منطقه محسوب می گردید. از این رو اورشلیم در ایام عید پنطیکاست میزبان جمعیت بسیار متنوعی بود (اعمال ۲ : ۹ - ۱۰)، تنوعی که شاید در هیچ یک از اعیاد دیگر به چشم نمی خورد. لذا چنین به نظر می رسد که خداوند با اعطای قوت تکلم به زبانهای خارجی در روز پنطیکاست قصد داشت که علاوه بر ساکنان یهودیه، سایر پراکندگان عبرانی و جدیدان گرد آمده در اورشلیم را نیز متوجه پیغام رسولان نماید. به این ترتیب خداوند در همان نخستین روز نزول « روح » مبشریتی جهت رسانیدن پیغام انجیل به سایر سرزمینها فراهم آورد.

(اعمال ۲ : ۶ - ۱۲ و ۴۱) .

(۲) تکلم به زبانهای خارجی آیتی برای مسیحیان یهودی نژاد بود. (اعمال

۱۰ : ۴۶ ، ۱۱ : ۱۵ ، ۱۵ : ۷ - ۸)

از حیرت مسیحیان یهودی نژاد در اعمال ۱۰ : ۴۵ - ۴۶ و سخنان پطرس در اعمال ۱۱ : ۱۵، چنین بر می آید که خداوند بار دیگر تکلم به زبانهای خارجی را جهت متقاعد نمودن مومنان اهل ختنه (یهودیان متعصب مسیحی شده) به کار گرفته است، زیرا پطرس در منزل کرنیلیوس و بعدها در شورای اورشلیم شهادت می دهد که امتهای نیز به مانند ایشان روح القدس را یافته اند (اعمال ۱۰ : ۴۷ ، ۱۵ : ۷ - ۸) .

(۳) تکلم به زبانهای خارجی نمی تواند نشانه تعمید روح القدس باشد.

برخی تکلم به زبانهای خارجی را نشانه ظاهری تعمید روح القدس به شمار می آورند. این اشخاص تکلم تمامی جماعت یکصد و بیست نفری شاگردان و دو گروه دیگر ذکر شده در اعمال ۱۰ : ۴۶ و ۱۹ : ۶ (و احتمالاً اعمال ۸ : ۱۷ - ۱۸)، را دلایل محکمی جهت تایید ادعای خویش به شمار می آورند. اما بررسی دقیق کتاب اعمال رسولان، رسالات عهد جدید و در نظر گرفتن تمامی نمونه های ذکر شده از ایمان و بازگشت اشخاص، بوضوح نشان می دهد که ادعای ذکر شده در بالا نمی تواند صحت داشته باشد. جماعت سه هزار نفری عبرانیان توبه کاری که در روز پنطیکاست با موعظه پطرس به کلیسا پیوستند به زبانها تکلم ننمودند. « جان استات » (۱) در تایید این مطلب می گوید: « به نظر نمی رسد که آن سه هزار نفر هم همان واقعه معجزه آسا را تجربه کرده باشند. لافل باید پذیرفت که چیزی درباره این امور نوشته نشده است. اما آنها از طریق پطرس این اطمینان الهی را یافتند که همان وعده نصیبشان شده است » (اعمال ۲ : ۳۳ - ۳۴ و ۳۸ - ۳۹) . لوقا نویسنده کتاب اعمال رسولان پس از اتمام دومین موعظه پطرس، در باب چهارم عنوان می نماید که عده ای دیگر به وسیله شنیدن این کلام به خداوند ایمان آوردند و جماعت شاگردان به پنج هزار نفر رسید. این دومین باری است که جماعت بزرگی (قریب به دو هزار نفر) به کلیسا می پیوندند، لیکن هیچ نشانه ای از تکلم ایشان به زبانهای بیگانه وجود ندارد. کتاب اعمال رسولان از ایمان و بازگشت گروههای متعددی از جمله تعداد کثیری یونانی و عده ای یهودی در تسالونیک (اعمال ۱۷ : ۴)، جمعی عظیم از یونانیان و تعدادی یهودی در بیری (اعمال ۱۷ : ۱۲)، تعدادی از مخاطبین پولس در کوه مریخ در شهر آتن (اعمال ۱۷ : ۳۴)، کرسپس رییس کنیسه، اهل بیتش و تعداد زیادی از اهالی شهر قرنتس (اعمال ۱۸ : ۸) و ... حکایت می کند. در حالی که در هیچ یک از این موارد، تکلم به زبانهای بیگانه مشاهده نمی شود و این در حالی است که

پولس هر بار هنگام صحبت راجع به تعمید روح القدس، از آن به عنوان تجربه ای یاد می کند که قبلاً در زندگی تمامی ایمانداران مسیح به وقوع پیوسته است (رومیان ۶ : ۳، اول قرنتیان ۱۲ : ۱۳، غلاطیان ۳ : ۲۷).

از جمع بندی مطالب ذکر شده در این قسمت می توان چنین نتیجه گرفت که تکلم به زبانهای بیگانه که در زمان رسولان، از جانب خداوند به شکل محدود و تقریباً استثنایی به کار گرفته شده، نمی تواند نشانه ظاهری عمل ضروری و اجتناب ناپذیر تعمید روح القدس در زندگی هر ایماندار مسیحی باشد.

ج (عطای زبانها (اول قرنتیان ۱۲ : ۱۰).

بر خلاف قوت تکلم به زبانهای بیگانه که به نظر می رسد بطور استثنایی و نادر به شاگردان اعطا شده است (در کتاب اعمال رسولان نشانه ای مبنی بر اینکه رسولان در سفرهای بشارتی خود به زبان بومی اشخاص موعظه می نمودند، یافت نمی شود)، پولس رسول در رساله اول قرنتیان از عطایی سخن می گوید که بر طبق اراده روح القدس به برخی از اعضای کلیسای قرنتس اعطا شده بود و آنها می توانستند آن را در دعاهای شخصی یا کلیسا (در صورت ترجمه شدن) به کار گیرند. ما در این قسمت به بررسی این توانایی خدادادی می پردازیم.

۱ (عطای تکلم به زبانها تنها برای خود شخص تکلم کننده مفید می باشد.

پولس رسول در این باره می فرماید: « زیرا کسی که به زبانی سخن می گوید، نه ب مردم بلکه بخدا می گوید، زیرا هیچکس نمی فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم می نماید. هر که به زبانی می گوید، خود را بنا می کند، اما آنکه نبوت می نماید، کلیسا را بنا می کند » (اول قرنتیان ۱۴ : ۲ و ۴). به همین دلیل عطای زبانها به تنهایی فایده اندکی می تواند برای کلیسا در برداشته باشد. « ... اگر نزد شما ایم و به زبانها سخن رانم، شما را چه سود می بخشم؟ مگر آنکه شما را به مکاشفه یا به معرفت یا به نبوت یا به تعلیم گویم ... همچنین شما نیز اگر به زبان، سخن مفهوم نگوئید، چگونه معلوم می شود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت ... پس هرگاه قوت زبان را نمی دانم، نزد متکلم بربری می باشم و آنکه سخن گوید نزد من بربری می باشد ... زیرا اگر در روح تبرک می خوانی، چگونه آن کسی که به منزلت امی است، به شکر تو آمین گوید و حال آنکه نمی فهمد چه می گویی. زیرا تو البته خوب شکر می کنی، لکن آن دیگر بنا نمی شود ... لیکن در کلیسا بیشتر می پسندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم » (اول قرنتیان ۱۴ : ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۶ - ۱۷ و ۱۹).

علاوه بر این عطای زبانها نمی تواند برای افراد غیر ایماندار نیز مفید باشد : « پس اگر تمام کلیسا در جایی جمع شوند و همه به زبانها حرف زنند و امیان یا بی ایمانان داخل شوند، آیا نمی گویند که دیوانه آید؟ » (اول قرنتیان ۱۴ : ۲۳). بدون شک همین دلایل سبب شده اند که پولس رسول دو مرتبه عطای تکلم به زبانها را در انتهای لیست « عطایای روح » جای دهد (اول قرنتیان ۱۲ : ۸ - ۱۰ و ۲۸). « ... و خداوند قرار داد بعضی را در کلیسا اول رسولان، دوم انبیا سیم معلمین ... و اقسام زبانها. »

(۲) عطای تکلم به زبانها زمانی برای کلیسا مفید خواهد بود که ترجمه شود.

«بنابر این کسی که به زبانی سخن می گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید ... اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند. اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید» (اول قرننیاں ۱۴ : ۱۳ و ۲۷ - ۲۸).

(۳) عطای زبانها به همه ایمانداران اعطا نمی شود.

« زیرا یکی را به وساطت روح، کلام حکمت داده می شود و دیگری را کلام علم ... دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها ... و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا : اول رسولان، دوم انبیا، پس نعمتهای شفا دادن، اعانات، تدابیر و اقسام زبانها. آیا همه رسول هستند؟ ... یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه می کنند؟ (اول قرننیاں ۱۲ : ۸ - ۱۰ و ۲۸ - ۳۰).

این آیات به وضوح نشان می دهند که همه ایمانداران عطایای یکسانی دریافت نمی کنند، بلکه به هر یک از ایشان عطای خاصی بر حسب اراده خداوند اعطا می گردد. همچنین این آیات نشان می دهند که یک ایماندار مسیحی نمی تواند از تمامی « عطایای روح » نیز برخوردار باشد (البته رسولان مسیح را باید از این قاعده مستثنی شمرد). در واقع به غیر از سه مورد روز پنطیکاست، منزل کرنیلیوس و شاگردان یحیی، ما در کتاب اعمال رسولان شاهد ایمان و نجات عده فراوانی می باشیم که هرگز در مورد ایشان گفته نشده است که به زبانها تکلم نموده اند. از آن جمله می توان به لیدیه ارغوان فروش (اعمال ۱۶ : ۱۴ - ۱۵)، زندانبان فیلیپی به همراه خانواده اش (اعمال ۱۶ : ۳۰ - ۳۳)، کرسپس رییس کنیسه در قرنتس و بسیاری از اهالی آن شهر (اعمال ۱۸ : ۸) و ... اشاره نمود. علاوه بر این پولس به عنوان عمده ترین مطرح کننده مبحث « عطایای روح » که در باب چهاردهم رساله اول قرننیاں بحث نسبتاً مفصلی در مورد استعمال بد عطای تکلم به زبانها در کلیسای قرنتس انجام می دهد، هرگز ایماندارانی را که قادر به تکلم به زبانها نبوده اند، تشویق به یافتن آن نمی نماید. در نوشته های سایر نویسندگان عهد جدید نیز هیچ نشانه ای دال بر اینکه تمامی ایمانداران عطای تکلم به زبانها را دریافت خواهند نمود وجود ندارد. در این باره عده ای چنین استدلال می کنند که فرموده مسیح در انجیل مرقس ۱۶ : ۱۷ - ۱۸، نشان می دهد که تمامی شاگردان مسیح می باید به زبانهای تازه حرف زنند. در جواب این افراد باید گفت که در آیات مورد بحث هرگز گفته نشده است که تمامی ایمانداران به زبانهای تازه تکلم خواهند نمود. و از سوی دیگر در صورت پافشاری بر عمومی بودن عطای زبانها نمی توان توانایی های دیگری که گفته شده است همراه عطای زبانها به ایمانداران بخشیده خواهند شد را نادیده گرفت. بدین مفهوم که تمامی ایمانداران باید مارها را بردارند، دیوها را بیرون کنند، دستها بر مریضان گذارند و اگر زهر قاتلی بخورند ضرری نبینند ! در حالی که عهد جدید آشکارا نشان می دهد که تمامی عطایای مزبور بطور یکسان در اختیار تمامی ایمانداران نبوده اند.

(۴) عطای زبانها نیز نشانه تعمید روح القدس نمی باشد.

همانطور که مشاهده گردید پولس در رساله اول قرنیتیان ۱۲ : ۱۰ و ۳۰، آشکارا عنوان می نماید که عطای تکلم به زبانها به همه ایمانداران بخشیده نمی شود، و این در حالی است که او در آیه سیزدهم همان باب صریحاً اعلام می دارد که تمامی ایمانداران تعمید روح القدس را یافته اند. مقایسه آیات ده و سی با آیه سیزدهم باب مذکور شکی باقی نمی گذارد که عطای تکلم به زبانها را به هیچ وجه نمی توان نشانه تعمید روح القدس به شمار آورد.

(۵) آیا عطای تکلم به زبانها به دوران کلیسای اولیه محدود بوده است. یا

امروز نیز به کلیسای خداوند اعطا می گردد ؟

افراد فاضل و روحانی مسیحی در چگونگی پاسخ به این سوال یک رای نیستند. بطوری که اندیشمندان و علما بزرگ روحانی را در هر دو جانب قضیه می توان یافت. از سویی عبرانیان ۲ : ۳ - ۴، ما را در جهت موافقت با محدود بودن عطای مورد بحث به دوران کلیسای اولیه پیش می برد: « پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود. »

عبارت مزبور به روشنی نشان می دهد که نسل دوم مسیحیت که در قرن نخست میلادی می زیسته اند، معجزات و بسیاری از عطایایی را که جهت تأیید پیغام انجیل به نسل نخست مسیحیان اعطا شده بود را نداشته اند و احتمال می رود که یکی از عطایای که به دوران نخست کلیسا محدود گردیده عطای تکلم به زبانها باشد.

علاوه بر این در رساله اول قرنیتیان ۱۳ : ۸، نیز از به انتها رسیدن عطای تکلم به زبانها سخن به میان آمده است، برخی از مفسرین معتقدند که منظور پولس از آمدن کامل در آیه دهم باب مذکور، تکمیل عهد جدید می باشد که با انجام این مهم نیاز به عطای تکلم به زبانها از بین رفته است. همچنین در لیست موخر عطایا در افسسیان ۴ : ۸ - ۱۶، نیز اثری از عطایای نشانه ای مشاهده نمی شود، علاوه بر این مشاهده نشدن عطای تکلم به زبانها در پهنه وسیعی از تاریخ کلیسای مسیح، دلیلی دیگر بر متوقف شدن بخشش عطای مذکور می باشد. از سوی دیگر، با وجود تمامی دلایل ذکر شده نمی توان گفت که خداوند هرگز عطای تکلم به زبانها یا سایر عطایای محدود به دوران رسولان را امروزه به کلیسا اعطا نمی نماید. پولس رسول در کلیسای قرنیتس با وجود روبرو شدن با استعمال بد عطای تکلم به زبانها در رساله نخست خویش ضمن مشخص نمودن چهار چوب درست استعمال عطای مورد بحث، کلیسا را از منع استعمال آن بر حذر می دارد: « ... از تکلم نمودن به زبانها منع مکنید. لیکن همه چیز به شایستگی و انتظام باشد » (۱۴ : ۳۹ - ۴۰).

البته لازم به ذکر است که روش جستجوی ماشینی عطای تکلم به زبانها که امروزه در برخی مواقع مشاهده می گردد، هیچ وجه تشابه با آنچه که از کتاب مقدس می توان دریافت ندارد. امروزه مشاهده می شود که برخی افراد روزها، هفته ها و ماهها دست بر سر اشخاص نو ایمان نهاده ایشان را ترغیب به گفتن ابا، اب، یا کلماتی دیگر می نمایند، زیرا بر این باورند که « روح » به محض ورود به زندگی افراد نوایمان خدای پدر را ابا خطاب خواهد نمود. تعدادی از افراد نو ایمان در این هنگام بشدت تهییج گشته فریاد بر می آورند، برخی به دور خود می پیچند؛ عده ای دیگر کاملاً در حالت غیر متعادل عصبی قرار می گیرند و در برخی مواقع « خنده مقدس » و « سرودهای روح » نیز مکمل اوضاع مذکور می

گردند. شخص با مشاهده چنین اوضاعی مضطرب می گردد، زیرا در می یابد که این حالات نمی توانند عطای روح القدس باشند. لذا ما باید هوشیار بوده همواره به یاد داشته باشیم که ورطه احساسات ما میدان بسیار حساسی است که دشمن می تواند از آن استفاده نموده، ما را فریب دهد.

باشد که خداوند به ما فروتنی و امانت کافی اعطا نماید تا بتوانیم همواره آماده پذیرش به ما اعطا نماید را پذیرفته برای جلال او به کار بریم. اگر کسی حقیقتاً عطای تکلم به زبانها را از خداوند می یابد، باید آن را با محبت و فروتنی در چهارچوب معین شده کلام خدا (اول قرن نهم) به کار برد و اگر کسی عطای مذکور را بر طبق مصلحت الهی نیافته، با محبت، دارندگان آن را بپذیرد.

در این فصل علاوه بر منابع اصلی، از منابع زیر نیز بطور مختصر استفاده شده است :

(۱) BRIGHT, BILL. The HOLY SPIRIT

(۲) The HOLY SPIRIT . بیلی گراهام - ترجمه کشیش نینوس مقدس نیا

فصل سیزدهم

گناه علیه روح القدس

راجع به گناه علیه روح القدس باید بیان نمود که روح القدس به عنوان سوم شخص تثلیث از گناه ایمانداران محزون و اظفا می شود (افسسیان ۴ : ۳۰، اول تسالونیکیان ۵ : ۱۹). و اما افراد بی ایمان با گناه خویش نسبت به او مرتکب کفر می گردند.

در این فصل ما ابتدا به چگونگی محزون و اظفا شدن روح القدس در زندگی ایمانداران می پردازیم و سپس موضوع کفر به روح القدس را بررسی خواهیم نمود.

* محزون و اظفا شدن روح القدس

* محزون شدن روح القدس

همتنطور که خداوند هرگز افراد بی ایمان را مجبور به توبه نمی کند ایمانداران را نیز بدون رضایت شخصی مجبور به زندگی مقدس نمی نماید. در واقع خداوند آزادی اختیار ما را همواره محترم می شمارد و اشتیاق دارد که ما با آزادی کامل اراده او را انتخاب کنیم. یک فرد ایماندار می تواند با داشتن مشارکت نزدیک با خداوند و اطاعت از اراده مکشوف شده او از برکات بی پایان الهی بهره مند گردد. از سوی دیگر او آزاد است که حضور الهی را در زندگی خویش نادیده گرفته بر طبق میل خویش رفتار نماید و در نتیجه روح القدس را محزون ساخته، خود را از برکات خداوند محروم نماید.

با اندکی تامل در این موضوع در می یابیم که خداوند چه مسؤولیت بزرگی را به ما محول نموده است. اما در این باره سؤالات متعددی وجود دارند که ما در اینجا به مطرح نمودن و بررسی برخی از آنها می پردازیم.

۱ - روح القدس چگونه در زندگی ما محزون می گردد؟

از سخنان پولس رسول افسسیان ۴ : ۲۵ - ۳۲، می توان چنین استنباط نمود که طبیعت گناه آلود ما به خودی خود نمی تواند علت محزون شدن روح القدس باشد، بلکه سخنان و عملکرد های گناه آلودی که از ما سر می زنند او را محزون می سازد. پولس در عبارت مذکور برخی از رفتارهایی که موجب محزون گردیدن « روح » می شوند را بر می شمارد که بدون شک لیست ارائه شده توسط او تمامی موارد را در بر ندارد. ما در این قسمت به بررسی تعدادی از علل محزون شدن روح القدس می پردازیم.

الف (روح القدس چگونه در زندگی ما محزون می گردد ؟

برخی از مسیحیان از صبح یکشنبه تا عصر شنبه هیچ توجهی به خداوند نمی نمایند، آنها در طول ایام هفته حضور میهمان الهی را به صورت اهانت آمیزی نادیده می گیرند. در عهد عتیق خداوند به وسیله اخیای نبی به یربعام بن نباط پادشاه اسرائیل یادآوری می کند که در دوران پادشاهی خود بر کشور او را به پشت سر انداخته است (اول پادشاه ۱۴ : ۹). یکی از معلمین بزرگ کتاب مقدس اندکی قبل از مرگ می گوید: « من از مرور نحوه زندگی خویش در سالهای گذشته هراس دارم، زیرا بسیاری از اوقات حضور روح القدس را نادیده گرفته، او را بسیار محزون نموده ام. »

ب (تعدی از فرامین الهی، روح القدس را محزون می سازد.

عیسی مسیح تنها شخصی است که روح القدس را هرگز محزون ننمود. او در انجیل یوحنا ۸ : ۲۹، ادعا می کند که همیشه کارهای پسندیده خدا را بجا می آورد. ما در انجیل لوقا می خوانیم که عیسی به وسیله « روح » به بیابان برده شد تا آزمایش های دشواری را بگذراند (۴ : ۱ - ۲). عیسی مسیح با رضایت کامل خود، بر حسب هدایت روح القدس عمل نمود تا بدین وسیله اراده کامل خدای پدر در زندگی او پیاده گردد. فیلیپس نمونه جالب دیگری است که با حساسیت فراوان به هدایت های روح القدس بها می دهد. او در سامره در میان بیداری بزرگی قرار داشت، اما ناگهان صدای خداوند را می شنود که او را به رفتن به سوی صحرا فرا می خواند (اعمال ۸ : ۲۶). او چه باید بکند؟ آیا می تواند صدها نفری را که در آستانه تصمیم گیری قرار گرفته اند رها نموده به سوی صحرا برود. فیلیپس از ندای الهی اطاعت نموده به سوی صحرا می رود. اما اگر او به ماندن در آن محل اصرار می نمود هرگز بر سر راه خواجه سرای حبشی قرار نمی گرفت (اعمال ۸ : ۲۷ - ۳۸).

از آنجایی که روح القدس قصد دارد ما را به شباهت مسیح درآورد هرگونه تعدی و تخلف آگاهانه و عمدی از فرامین و هدایت های الهی، او را محزون می سازد.

ج (ارتکاب به گناهایی که به طور صریح در کلام خدا بر شمرده شده اند. روح

القدس را محزون می سازد.

پولس در رساله افسسیان ۴ : ۲۵ - ۲۹ تا ۵ : ۱۸، گناهان مورد بحث را بر شمرده ایمانداران را از ارتکاب به آنها بر حذر می دارد.

* دروغ (افسسیان ۴ : ۲۵).

* خشم (افسسیان ۴ : ۲۶)

* دزدی (افسسیان ۴ : ۲۸).

* صحبت های بد و شریرانه از قبیل سخنان نادرست، ناپاک، احمقانه، ناشایست بیهوده (افسسیان ۴ : ۲۹، ۵

(۳ - ۴)

* احساسات و افکار بد از قبیل (تلخی، خشم، کینه)، داد و فریاد، تمسخر (افسسیان ۴ : ۳۱). فقدان روح بخشش، مهربانی و محبت (افسسیان ۴ : ۳۲، ۵ : ۲).

* اعمالی از قبیل زنا، ناپاکی، طمع (افسسیان ۵ : ۳) کارهایی که مردم خدانشناس در خفا بجا می آورند (افسسیان ۵ : ۱۱ - ۱۲) و نوشیدن مشروبات الکلی و مستی (افسسیان ۵ : ۱۷).

د) عناوینی که به روح القدس اطلاق می شوند خود نشانگر دلایل محزون شدن او می باشند.

* او روح قدوسیت است (رومیان ۱ : ۴). لذا هر ناپاکی، پلیدی و هرگونه ارتباط با شرارت او را محزون می نماید.

* او روح حکمت، فهم و معرفت می باشد (اشعیا ۱۱ : ۲). هنگامی که ما میل و اشتیاق خود برای قرائت و مطالعه کتاب مقدس را از دست داده در ورطه جهل و بی خبری نسبت به حقایق روحانی متوقف می گردیم، روح القدس را محزون می سازیم.

* او روح راستی است (یوحنا ۱۴ : ۱۷). هر سخن دروغ، هر نوع تظاهر و ریا کاری او را محزون می نماید.

* او روح ایمان است (دوم قرننیا ۴ : ۱۳). شک و تردیدهای مستمر، یاس ها، دلواپسی و اضطراب های ما او را محزون می سازد.

* او روح محبت و فیض می باشد (دوم تیموتائوس ۱ : ۷، عبرانیان ۱۰ : ۲۹).

اگر قلوب ما به حدی سخت شده اند که از آمرزش تقصیرات دیگران سرباز می زنیم، باید بدانیم که روح قدوس خدا را محزون می نماییم. زیرا او از هر نوع بغض و کینه محزون می شود، از سوی دیگر اگر مشاهده پریشانی و هلاکت جانها در ما تاثیر نمی گذارد سخت دلی و بی تفاوتی ما روح القدس را محزون می سازد.

بطور حتم موارد ذکر شده در بالا تمامی دلایل محزون شدن روح القدس نمی باشد و با اندکی جستجو و تأمل در کلام خدا می توان نکاتی دیگر بر آنها افزود، لیکن واقعیتی که تمام موارد بر آن تاکید می نمایند هرگز تغییر نمی پذیرد. ما با بررسی نکات مزبور به زودی در می یابیم که هر نوع گناه آگاهانه ما صرفنظر از طبیعت، کوچکی یا بزرگی، آشکار یا پنهان بودن آن، روح القدس را محزون می نماید.

۲ - پیامدهای محزون شدن روح القدس در زندگی ایمانداران.

الف (آیا روح القدس به هنگام محزون شدن، ما را ترک می کند؟

همانطور که در فصل یازدهم همین کتاب عنوان شد، روح القدس در عهد عتیق به صورت موقت اعطا می گردید لیکن در دوره بعد از پنطیکاست جهت سکونت ابدی به ایمانداران بخشیده می شود (یوحنا ۱۴ : ۱۶). در دوره بعد از پنطیکاست، روح القدس، ایمانداران را به سبب گناهانشان ترک نمی کند لیکن ایشان را بر گناه ملزم می نماید.

ب (محزون شدن « روح » در زندگی ایمانداران منجر به از دست رفتن قدرت،

شادی و مشارکت ایشان با خدا می شود.

خداوند همواره به انتخاب ما احترام می گذارد حتی اگر ما چیزی بغیر از اراده او نیز برگزینیم، حریم اختیار ما را نقض نمی کند، اما در این حالت کار خود را در زندگی ما متوقف نموده رابطه خویش را با ما به حال تعلیق در می آورد. در نتیجه قدرت او (اعمال ۱ : ۸، افسسیان ۳ : ۲۰) در زندگی ما ظاهر نمی گردد. لذا ما در مقابل تجربه کننده و دیگر مشکلات، به موجودی بی قوت تبدیل می شویم. برخی از ایمانداران با مشاهده ضعف در زندگی روحانی و شهادت های خود، نزد خدا جهت یافتن قدرت کافی دعا می کنند، اما به زودی از تلاش های خود جهت کسب موفقیت و پیروزی مایوس می گردند و به این فکر می افتند که خداوند اشتیاقی به یاری آنان در نبردهای روحانی ندارد. اما واقعیت امر چیز دیگری است. زیرا تا زمانی که روح القدس در زندگی ایمانداران محزون شده است اقدامی جهت رهایی آنان انجام نمی دهد. در عهد عتیق کتاب یوشع و داوران نمونه های بارزی از این واقعیت می باشند. به عنوان مثال خداوند به سبب گناه شخصی اسرائیلی به هنگام حمله به عای از حمایت و اعطای پیروزی به قوم سرریز می زند (یوشع ۷ : ۴ - ۵). یوشع جهت یافتن علت امر به حضور خدا می شتابد و خداوند در جواب او می فرماید: « اسرائیل گناه کرده، و از عهدی نیز که به ایشان امر فرمودم تجاوز نموده اند و از چیز حرام هم گرفته، دزدیده اند، بلکه انکار کرده، آن را در اسباب خود گذاشته اند. از این سبب بنی اسرائیل نمی توانند به حضور دشمنان خود بایستند و از حضور دشمنان خود پشت داده اند، زیرا که ملعون شده اند، و اگر چیز حرام را از میان خود تباه نسازند، من دیگر با شما نخواهم بود » (یوشع ۷ : ۱۱ - ۱۲). این واقعه در حالی اتفاق می افتد که خیمه خداوند هنوز در میان قوم است و حضور الهی در آن قرار دارد، لیکن قوم به سبب ارتکاب گناه از حمایت الهی محروم شده است.

امروزه نیز روح القدس به سبب گناه ایمانداران محزون می گردد و اگر چه هیکل خویش (بدن مومنین) را ترک نمی کند لیکن از ظاهر نمودن قدرت و حضور خویش امتناع می نماید. در آن هنگام به نظر می رسد که دعاها و حتی از سقف منزل نیز بالاتر نمی روند و قلوبمان افسرده و پژمرده می گردند. محزون شدن « روح » نه تنها ایمانداران را از مشارکت و حمایت الهی محروم می سازد، بلکه از دست رفتن شادی زندگی را نیز در پی دارد. غلاطیان ۵ : ۲۲، صریحاً نشان می دهد که شادی و خوشی و ... « ثمره روح » می باشند و ایماندارانی که آگاهانه از اراده الهی دور می شوند شادی

خویش را نیز از دست می دهند. امروزه علت افسردگی بسیاری از مسیحیان مشکلات و مشغله های زندگی نیستند. بلکه حزن روح القدس سبب ناپدید شدن شادی و خوشی حقیقی و رایگان الهی از قلوب ایشان شده است.

ج (اطمینان از نجات از دست می رود.

مسیحیان تولد تازه یافته بسیاری هستند که پس از سالها هنوز به نجات خویش با دید شک و تردید می نگرند، و این به دلیل شکاک بودن آنان نمی باشد. پولس رسول در رساله رومیان ۸ : ۱۶، به طرز واضحی بیان می نماید که شهادتهای روح القدس ما را از نجات خویش مطمئن می سازد. لذا با محزون شدن « روح » و متوقف گردیدن کار او در زندگی ما، اطمینان از نجات جای خویش را به شک و تردید می دهد.

د (مطالعه کتاب مقدس تاثیر حیاتی قبلی را در زندگی ما ندارد.

عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۶ : ۱۴، وعده می دهد که روح القدس از او خبر خواهد داد: « ... زیرا که از آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. » همچنین ما در رساله دوم قرنتیان ۳ : ۶، می خوانیم که: « حرف می کشد، » لیکن همان حروف کتاب زمانی که به وسیله روح القدس تفسیر گردند موجب حیات ما می شوند (لیکن روح زنده می کند). این شخص روح القدس است که کلام الهی را به طرز موثر و حیات بخشی بر ما آشکار می نماید. شاگردان مسیح در راه عمواس با شنیدن تفسیر کتب از زبان او اعتراف نمودند که دل در درون آنان می سوخته است (لوقا ۲۴ : ۳۲). اما با محزون شدن روح القدس کتاب مقدس برای ما به کتابی غیر قابل فهم و بی روح تبدیل می شود و در نتیجه تاثیر حیاتی قبل را ندارد.

۳ - آیا برای ایماندارانی که روح القدس را محزون ساخته اند چاره ای وجود

دارد؟

برخی از ایماندارانی که در چنین شرایطی گرفتار می شوند (روح القدس را محزون می سازند)، تصور می کنند که روح القدس را از دست داده یا نسبت به آن مرتکب گناه ناخشودنی شده اند. در حالی که اگر آنها مسؤلیت گناهان خویش را پذیرفته با پشیمانی از آنها بازگشت نمایند بر طبق وعده کتاب مقدس می توانند از بخشوده شدن خویش مطمئن باشند. ما در این قسمت به ذکر چگونگی طی این مرحله مهم می پردازیم :

الف (ما باید به گناهان خویش اعتراف کنیم.

کتاب مقدس به ما وعده می دهد که: « اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد » (اول یوحنا ۱ : ۹). در واقع هیچ عمل دیگری نمی تواند جایگزین اعتراف به گناهان باشد؛ دعاهای طولانی، خدمت خدا، گریه و زاری، کمک های بزرگ مادی به کلیسا هیچ یک قادر به برگرداندن سلامتی الهی به زندگی ما نمی باشند. در واقع خداوند مشتاق و منتظر است که ما به گناهان خود در حضور او اعتراف خداوند مشتاق و منتظر است که ما به گناهان خود در حضور او اعتراف نموده از او طلب بخشش نماییم. زیرا تنها بدین طریق است که غرور ما شکسته می شود: « هر که گناه خود را ببوشاند برخوردار نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف کند

و ترک نماید رحمت خواهد یافت » (امثال ۲۸ : ۱۳). اما اعتراف به گناه نباید به شکلی کلی صورت پذیرد. یعنی برای اعتراف به گناهان کافی نیست که به خدا بگوییم: « خداوند، در صورتی که گناهی مرتکب شده ام مرا ببخش ! » ما باید تک تک گناهانی که به وسیله روح القدس بر آنها واقف شده ایم را در حضور خداوند اعتراف نماییم، در صورتی که نسبت به افراد دیگری نیز مرتکب گناه شده ایم، به همین شیوه بر گناه خویش نزد آنها اعتراف نموده تاسف خویش را از آن اعمال اعلام نماییم، و در صورت امکان خطای خویش را جبران کنیم.

ب) ما باید به بخشش الهی اعتماد داشته باشیم.

اعتراف و ترک گناه به تنهایی نمی تواند مشکل ما را حل نماید. هستند افرادی که بارها و بارها به گناهانی که مدتها پیش مرتکب شده اند اعتراف می کنند، لیکن به دلیل عدم اعتماد به بخشش الهی نمی توانند لذت بخشش رایگان خداوند را بچشند. بار دیگر به فرموده یوحنا رسول به دقت توجه نمایید: « اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامرزد و ما را از هر ناراستی پا سازد » (اول یوحنا ۱ : ۹). او ادامه می دهد: « ای فرزندان ... اگر کسی گناهی کند، شفیعی داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل. و اوست کفاره به جهت گناهان ما. «، « خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد » (اول یوحنا ۱ : ۷، ۹، ۲ : ۱ - ۲). از این رو ما باید مطوئن باشیم که گناهان اعتراف شده ما به وسیله خون مسیح پاک شده اند و شفاعت های او رابطه گسسته ما را با خدا احیا نموده است. زمانی که اعترافات ما با اعتماد به بخشش الهی توأم می گردند، موانع موجود بر سر کار مجدد روح القدس از میان برداشته می شوند و روح الهی بار دیگر قدرت و حضور خویش را در زندگی ما آشکار می سازد.

ج) ما چگونه از خطر محزون نمودن مجدد روح القدس دور بمانیم؟

در واقع یک ایماندار خوب مسیحی نباید تنها به فکر بخشوده شدن و تجدید ارتباط مجدد با خداوند باشد. بلکه او باید همواره زندگی پیروزمندانه و تحت کنترل روح القدس را مد نظر داشته با غلبه بر گناه از محزون نمودن روح القدس بپرهیزد. اما چگونه می توان به این مهم دست یافت؟ اگر شما از جمله ایماندارانی هستید که به آسانی در گناه گرفتار می گردید و پیامدهای حاصل از آن زندگیتان را تیره و تار نموده است باید بدانید که شما از توجه به اصل غیر قابل چشم پوشی زندگی مسیحی یعنی پری روح القدس صرف نظر نموده اید. در فصل بعدی این کتاب ما به ذکر جزئیات این تجربه مهم و قابل تکرار مسیحی خواهیم پرداخت.

** اظفا شدن روح القدس.

همانطور که در فصل مربوط به سمبلهای روح القدس عنوان گردید، روح الهی به دفعات در کتاب مقدس در قالب آتش به تصویر کشیده شده است (اشعیا ۴ : ۴، اعمال ۲ : ۳، مکاشفه ۴ : ۵)، و اظفا نمودن روح القدس به مفهوم خاموش ساختن آتش اوست. حتی برخی از ترجمه های انگلیسی کتاب مقدس آیه مذکور را بدین گونه ترجمه نموده اند: « پس آتش روح القدس را خاموش ننمایید. » البته لازم به ذکر است که کلمه مورد بحث را می توان فرو نشانیدن یا خفه نمودن نیز ترجمه نمود.

اما با توجه به متن مورد بحث (اول تسالونیکیان ۵) به نظر می رسد که خاموش شدن آتش روح القدس بیش از اینکه به شیوه زندگی و رفتار ما مربوط گردد، به سبب موانعی باشد که بر سر راه خدمت او در کلیسا قرار می گیرند.

چنین به نظر می رسد که در کلیسای تسالونیکی عده ای در تلاش بوده اند که مانع از استعمال برخی از عطایای خاص در آن کلیسا گردند (اول تسالونیکیان ۵ : ۲۰). به همین سبب پولس به کلیسای مذکور هشدار می دهد که نباید سبب خاموش شدن آتش « روح » شوند. « دکتر اوکنگا » راجع به این موضوع چنین می گوید: « با توصیفی که در اول قرنیتیان ۱۴ : ۲۳، از عبادت کلیسای اولیه صورت می پذیرد می توان دریافت که عبادت ایشان فاقد برنامه یا نظمی خاص بوده است در همان رساله پولس مومنین را نصیحت می نماید که عبادت خود را در چهارچوبی منظم قرار داه هر یک از آنان بر حسب هر آنچه که از « روح » یافته اند سرود، تعلیم، زبان، مکاشفه یا ترجمه را جهت بنا یا کلیسا به مشارکت بگذرانند. آنان آزاد بودند که بر حسب « هدایت روح » عمل نموده در عبادت کلیسا سهیم باشند. اما این نمونه به ما نشان می دهد که باید از پیشه نمودن دو نوع روش در عبادت پرهیز نماییم : نخست اینکه کلیسا نباید از داشتن نظم در عبادت خود دور شود، برنامه عبادتی منظم سبب می شود که برخی حرکات های افراطی کنترل شوند. زیرا حرکات افراطی و بی قاعده در عبادت می توانند سبب دور شدن بسیاری از افراد از کلیسا گردد. از سوی دیگر نباید کلیسا خود را متعهد به اجرای برنامه ها و عبادت خشک و ماشینی نموده مجال استعمال عطایای روح القدس را در عبادت به ایمانداران ندهد. برخی اوقات کلیسا خود را چنان در چهارچوب ها محصور می نماید که حتی روح القدس نیز قادر به عبور از آن حصارها نمی باشد. در واقع نصیحت پولس در رساله اول قرنیتیان ۱۴ می تواند همواره تعادل بسیار ارزشمندی ما بین داشتن چهارچوب عبادتی و دادن مجال کار به « روح » در کلیسا ایجاد نماید. »

۱ - چه مسائلی دیگری سبب اطفای شدن روح القدس در زندگی ما می شوند؟

الف (عمل اطفاء نمودن روح القدس بی شباهت به ریختن آب بر روی آتش نمی باشد؛ هنگامی که ما از دادن شهادت در مورد کار خدا سرباز می زنیم یا دعوت او جهت ورود به خدمت را نادیده می گیریم آتش او را خاموش می سازیم.

ب (زمانی که جهت پیشبرد کار خدا شیوه های دنیوی جایگزین شیوه های روحانی می گردند روح القدس اطفاء می شود.

ج (زمانی که تعریف و تمجید از اشخاص جایگزین و تمجید و پرستش خداوند می شود روح القدس اطفاء می گردد.

د (همچنان که آتش بدون سوخت رو به خاموشی می رود، روح القدس نیز در صورتی که ایمانداران فرصت کافی جهت دعا و تفکر در کلام خدا اختصاص ندهند اطفاء می گردد.

ه (همچنین انجام صحبت های بیهوده و نابجا در تجمع افراد بعد از پایان یافتن جلسات کلیسایی که سبب به فراموشی سپردن حضور پر قدرت و پیغام روح الهی می گردد، می تواند آتش روح القدس را خاموش نمایند.

و) زمانی که کلیسا رکود نموده جسمانی می گردد، خود مانع کار روح القدس می شود و از ظهور بیداری و نجات جانها توسط او جلوگیری می کند. آتش بسیاری از بیداری های « روح » به دلیل بروز شقاقها، عیب جویی های مکرر، سنت گرایی ها، اخبار دروغ، ستایش و تمجید انسانها در همان مراحل مقدماتی رو به خاموشی نهاده است.

اما اطفای شدن روح القدس در زندگی ما پیامدهای منفی فراوانی به دنبال دارد که یکی از آنها خاموش ساختن آتش « روح » در زندگی افراد دیگر می باشد. زمانی که ما تمامی زندگی خود را به خداوند تسلیم می نماییم روح القدس چنان غیرت و اشتیاق آتشی در ما می افروزد که بی اختیار، این آتش مشتعل همانند جنگل در حال سوختن به سایر افراد نیز سرایت می کند. لیکن وقتی که آتش روح القدس به هر دلیل در زندگی ما رو به خاموشی می گذارد، احتیاط، ترس، خجالت و ... جایگزین آن غیرت آتشی می شود و همین امر سبب می گردد که حتی دیگر افراد را نیز از انجام اراده خداوند باز داریم. روزی یکی از رهبران غیر روحانی یک کلیسای محلی که از نحوه شهادت توام با لکنت و لغزش (ناتوانی در رعایت قواعد دستور زبان و بیان جملات زیبای ادبی) یکی از جوانان درباره کار خدا به خشم آمده بود، به او گفت: « تو به سبب این کار باید از خودت خجالت بکشی. » اما پسر جوان با خوشرویی پاسخ داد: « بلی آقا من از خودم خجالت می کشم، اما هرگز از شهادت دادن راجع به خداوند خجالت نخواهم کشید. »

**** الزام روح القدس و کفر نسبت به او.**

*** الزام توسط روح القدس**

الف) روح القدس مردم را بر گناه ملزم می نماید.

« و چون او آید، جهان را بر گناه ... ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا به من ایمان نمی آورند. » (یوحنا

۱۶ : ۸ - ۹)

یک هیات منصفه ممکن است فردی را به سبب قانون شکنی ملزم نماید. وجدان شخص نیز او را بر گناهانش ملزم می کند. لیکن تنها روح القدس است که شخص را بر گناه ملزم می سازد. اما گناهی که روح القدس شخص را بر آن ملزم می نماید چیست؟ زنا؟ دروغگویی؟ ... (اما خداوند وعده داده است که چنین گناهانی را محض ایمان خواهد آمرزید) (اشعیا ۱ : ۱۸، اول یوحنا ۱ : ۹ و ...).

روح القدس شخص را نه به سبب گناهانش بلکه به دلیل توقفش در عرصه گناه و امتناع از پذیرش بخشش الهی در مسیح، ملزم می نماید. با کار « روح »، این گناه ناگهان حالتی جدی می باید و به موضوع مهم و تازه ای در زندگی شخص مبدل می گردد. زمان تصمیم در قبال مسیح فرا رسیده است پذیرش او منجر به حیات جاودانی می گردد و رد او ما را به سوی داوری اجتناب ناپذیر الهی سوق می دهد. در این باره عیسی مسیح در انجیل یوحنا می فرماید: « آنکه بر او ایمان آرد، بر او حکم نشود، اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است، به جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده » (۱۸ : ۳).

روزی پس از اتمام موعظه، زن جوانی به سوی واعظ کلیسا رفت و گفت: « من از موعظه شما اصلاً راضی نیستم، شما احساسات مرا جریحه دار کردید. من هرگز کار بدی مرتکب نشده ام. من دارای شخصیتی مورد احترام

نزد دوستانم هستم، کسی نمی تواند علیه شخصیت من سخنی بگوید. شاید تنها چیزی که شما می توانید از آن ایراد بگیرید این است که من به هیچ کلیسایی تعلق ندارم و توجه زیادی به مسیح نداشته ام؛ با این حال شما مرا هم در ردیف مردمان گناهکار و شریر قرار داده اید. «

واعظ جواب داد: « فرض کنیم که شما مراجعه نموده چیزی شبیه به این عبارت به من بگویید: " آری من همیشه خوب و مورد احترام بوده ام، کسی نمی تواند سخنی علیه من بگوید، جز اینکه من بهترین مادر دنیا را دارم، لیکن زیاد به فکر او نبوده ام و توجه زیادی نسبت به او مبذول نداشته ام، در واقع نسبت به او بی تفاوت هستم. " انتظار دارید که من راجع به شما چه طرز فکری داشته باشم؟ »

زن جواب داد: « او من نتوانسته ام دختر خوبی برای مادرم باشم و او را محبت نمایم. «

واعظ گفت: « حالا خوب به من گوش کنید، من امشب با تو راجع به شخصی سخن گفتم که با محبتی تو را دوست دارد، که هیچ مادری هنوز آن را نشناخته است. او جان خود را جهت نجات تو داد، تا تو را از خطری که ذهن محدودت قادر به درک آن نیست برهاند. حال او از تو انتظار اعتماد دارد، با این حال تو می گویی که توجه و علاقه ای نسبت به او ندادی، در مورد این بی تفاوتی نسبت به پسر خدا، او چگونه عمل خواهد نمود؟ زن جوان سر خود را پایین انداخت و گفت: « من تا به حال به این موضوع اینگونه فکر نکرده بودم. «

چند شب بعد، آن زن جوان که تحت الزام روح القدس قرار داشت انتخاب مناسبی نموده مسیح را به عنوان نجات دهنده خویش پذیرفت.

ب (روح القدس مردم را بر عدالت ملزم می سازد.

« ... اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید » (یوحنا ۱۶ : ۱۰).
روح القدس نه تنها مردم را بر گناه بلکه بر عدالت نیز ملزم می نماید. او با آشکار ساختن فقر و ناتوانی عدالت انسانی در جهت جلب رضامندی خدا، شخص را متوجه عیسای مسیحی می نماید، که بجای گناهکاران مرد و داوری را بر خود گرفت و از مردگان قیام فرموده، به دست راست خدا صعود نمود، تا عدالت آنانی محسوب گردد که به او ایمان می آورند (رومیان ۵ : ۱۹). « روبرت موری » (۱) در این مورد می گوید:

« وقتی که خداوند به فیض رایگان خویش مرا بیدار نمود ترس از مواجه شدن با قانون لرزشی هولناک بر جان من انداخت، نه پناهگاهی می دیدم و نه امنیتی احساس می نمودم، تنها یهوه صدقینو می بایست نجات دهنده من گردد. «

پولس رسول در رومیان ۳ : ۱۲ - ۲۲، می فرماید: « لیکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه تورات انبیا بر آن شهادت می دهند؛ یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند ... »

ج (روح القدس مردم را بر داوری ملزم می نماید.

« و اما بر داوری، از آنرو که بر رییس این جهان حکم شده است » (یوحنا ۱۶ : ۱۱).

هنگامی که شخص گناهکار در برابر الزامات قلبی مقاومت می نماید، روح القدس او را بر داوری ملزم می سازد. داوری خدا بر افراد ناتوبه کار امری اجتناب ناپذیر است. و داوری بر شیطان، خود نشان دهنده قطعی بودن داوری الهی است. روح القدس شخص گناهکار را بر داوری ملزم خواهد نمود و بر او آشکار خواهد نمود که در صورت عدم پذیرش نجات گرفتار عقوبت سختی گردیده به دریاچه آتش که برای شیطان و فرشتگانش در نظر گرفته شده است افکنده خواهد شد (متی ۲۵ : ۴۱).

موعظه پطرس در روز پنطیکاست که به قدرت روح القدس انجام پذیرفت علاوه بر الزام شنوندگان بر گناه و عدالت، داوری الهی را نیز در بر داشت. روح القدس توجه شنوندگان را به داوری و روز عظیم مشهور خداوند (بازگشت مسیح و داوری جهان) جلب نمود (اعمال ۲ : ۱۹ - ۲۰)، تا ایشان را از گرفتار شدن در آن برهاند.

در بهار سال ۱۷۳۵، « جاناتان ادواردز » (Jinnathan Edwards) سه شبانه روز را در دعا و تضرع به سر برد تا خداوند به وسیله روح خویش مردم را از داوری هولناک مطلع ساخته سبب نجات آنان گردد. او صبح یکشنبه موعظه ای تحت عنوان « انسان گناهکار در دست خدای خشمگین » ایراد نمود که تا به امروز به عنوان مشهورترین موعظه ایراد شده در تاریخ ایالات متحده آمریکا شناخته می شود. در آن روز روح خدا چنان مردان و زنان حاضر در جلسه را از داوری الهی مطمئن ساخت که آنان از ترس اینکه هر لحظه گرفتار خشم الهی شوند به صندلیها و ستونها ساختمان چسبیده بودند و از خداوند طلب مغفرت می نمودند. بسیاری از آنها را در دعا و تضرع نزد خداوند به سر بردند و عده کثیری از آنان نجات یافتند.

** کفر به روح القدس

« آنگاه دیوانه ای کور و گنگ را نزد او آوردند و او را شفا داد، چنانکه آن کور و گنگ، گویا و بینا شد. و تمام آم گروه در حیرت افتاده گفتند: « آیا این شخص پسر داود نیست؟ » لیکن فریسیان شنیده، گفتند: « این شخص دیوها را بیرون نمی کند مگر به یاری بعلزبول رییس دیوها ! » عیسی خیالات ایشان را درک نموده، بدیشان گفت ... هر نوع گناه و کفر از انسان آمرزیده می شود، لیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد. و هر که بر خلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود اما کسی که بر خلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگز آمرزیده نخواهد شد. » (متی ۱۲ : ۲۲ - ۲۵ و ۳۱ - ۳۲).

الف (علت بحث (متی ۱۲ : ۲۲ - ۲۳).

بحث از جایی آغاز می شود که عیسی دیوانه ای کور و گنگ را شفا می دهد. شفای این دیوانه کور و گنگ سبب حیرت ناظران واقعه می گردد، بطوری که آنان را به این فکر می اندازد که عیسی باید همان مسیح پسر داود باشد. فریسیان با مشاهده این اوضاع عکس العمل نشان داده، قدرت عیسی را به بعزبول نسبت می دهند تا مردم را از فکر شناسایی عیسی به عنوان مسیح موعود دور سازند.

ب (تهمت دوستی با شیطان (متی ۱۲ : ۲۴).

فریسیان جهت بازداشتن مردم از پیروی عیسی، به او تهمت دوستی با شیطان را نسبت دادند. بدین مفهوم که شیطان از سر لطف به دوست خود کمک نموده تا دیوها را از شخص دیوزده اخراج نماید. عیسی ادعای آنان را به چند دلیل رد نمود :

* اگر خانه ای علیه خود منقسم گردد برقرار نمی ماند (متی ۱۲ : ۲۵).

* این ادعا تهمتی پوچ و بیهوده بود زیرا فریسیان بخوبی می دانستند که یهودیان دیوها را با قدرت شیطان اخراج نمی نمایند (متی ۱۲ : ۲۷).

* تنها نتیجه گیری درست از این واقعه این بود که ملکوت خدا فرا رسیده است و عیسی مسیح ارواح شریر را به قدرت روح القدس اخراج نموده است (متی ۱۲ : ۲۸).

ج (کفر به روح القدس. گناهی نابخشودنی.

در ابتدا باید عنوان نمود که منظور عیسی از بیان این جملات چه بوده است؟ « از این رو، شما را می گویم هر نوع گناه کفر از انسان آمرزیده می شود، لیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد و هر که بر خلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود اما کسی که بر خلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، آمرزیده شود اما کسی که بر خلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگز آمرزیده نخواهد شد » (متی ۱۲ : ۳۱ - ۳۲). بدون شک منظور عیسی از بیان این مطلب نشان دادن برتری روح القدس نسبت به سایر اقانیم تثلیث اقدس نبوده است، بلکه او اذعان می دارد که اشخاص ممکن است خدمت او را نشناخته، نسبت به آن دچار سوء تفاهم گردند. این امر اگر چه مایه تاسف است لیکن غیر قابل بخشش نیست. پولس رسول در رساله اول خود به تیموتاوس اعتراف می کند، که سابقاً نسبت به عیسی مسیح مرتکب کفر شده است، لیکن به سبب اینکه عمل مزبور را از روی جهالت و بی ایمانی انجام داده، رحمت یافته و مورد بخشش قرار گرفته است (۱ : ۱۳ - ۱۴). اما از سوی دیگر هیچ دلیلی وجود نداشت که فریسیان نسبت به روح القدس که از دوران عهد عتیق قدرت خویش را آشکار و معروف نموده بود دچار سوء تفاهم شده او را نشناخته باشند. لذا به نظر می رسد که فریسیان با آگاهی کامل تاریکی را بر نور ترجیح داده، خود را از رحمت الهی دور نمودند.

« ای. اچ. پلامر » (A. H. Plummer) کفر به روح القدس را چنین تعریف می کند: « کفر به روح

القدس، ترجیح دادن آگاهانه تاریکی و مخالفت مداوم، مصرانه و بدون برگشت با تجلیات و مکاشفات الهی است ». « جی.

سی رایل « (J. C. Ryle) نیز در این باره می گوید: « کفر به روح القدس گناه ارادی، عمدی، مستمر و مصرانه در مقابله با نور الهی و کوششهای خدا در جهت تبدیل شخص می باشد. »

در مجموع گناه کفر به روح القدس را نباید عملی نا آگاهانه به شمار آورد، بلکه آن گناهی آگاهانه، عمدی و مستمر می باشد. اما گناه کفر به روح القدس از آن جهت که شخص گناهکار از طلب آمرزش الهی امتناع می ورزد، سبب هلاکت ابدی می گردد. خداوند چه کسی را باید ببخشد؟ او خدای رحیم می باشد، اما با کسی که آگاهانه از بخشش رایگان الهی، خود را محروم می نماید چه می تواند بکند. انسان گناهکار با رد آگاهانه، عمدی و مستمر تجلیات روح القدس خود را از شسته شدن به وسیله خون مسیح محروم نموده با گناهان بخشوده نشده و فرصتهای فراوان رد شده، به استقبال داور عادل می رود. از این جهت گناه کفر به روح القدس گناهی نابخشودنی به شمار می آید. اشعای نبی در باب ۵۵ : ۶، می فرماید: « خداوند را مادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. »

فصل چهاردهم

پری روح القدس

از جهتی پری را باید از جمله مهمترین اعمال روح القدس به شمار آورد. زیرا این عمل « روح » سبب می شود که تعلیم روح القدس از یک عرصه تئوری و غیر قابل تجربه خارج شده، شکلی عملی و قابل لمس بیابد. همچنین پری روح القدس تجربه ای ضروری و غیر قابل اجتناب جهت رشد روحانی یک شخص ایماندار به شمار می آید. در واقع برای رشد و بلوغ روحانی یک فرد مسیحی دو عامل تعیین کننده وجود دارد : عامل نخست، زمان، و عامل دوم، زندگی تحت کنترل روح القدس می باشد. گذشت زمان عاملی مهم و ضروری جهت بلوغ روحانی یک فرد مسیحی محسوب می شود؛ لیکن تعداد کثیری از مسیحیان با وجود گذشت زمان، گرفتن تعلیم و داشتن مشارکت کلیسایی، به دلیل زندگی نکردن در پری روح، افرادی نابالغ محسوب می گردند، زیرا زندگی یک فرد مسیحی تنها می تواند دو حالت داشته باشد، بطوری که یا تحت کنترل « روح » بوده رشد نماید، و یا اینکه به حاکمیت نفس گردن نهاده از برکات و اجر الهی محروم گردد. اما ما جهت درک بهتر و استفاده افزون تر از برکات خداوند، به بررسی نکات مهم و اساسی این عمل روح الهی می پردازیم.

۱ - ماهیت و مفهوم پری روح القدس

شناختن ماهیت و درک مفهوم صحیح پری روح القدس امری بی اندازه مهم و ضروری به شمار می آید. زیرا درباره این موضوع مهم و حیاتی، به ما دیدگاهی درست بخشیده همچنین ما را از گرایش به تعالیم نادرست و غیر کتاب مقدس محفوظ می دارد.

علی رغم تصور عده ای از افراد، پری روح القدس، دریافت نمودن مقدار بیشتری از « روح » توسط مومنین نمی باشد، بلکه در اختیار گرفتن زندگی ما توسط روح القدس و کنترل آن توسط او، « پری روح » محسوب می گردد. افسسیان ۵ : ۱۸، آیه مناسبی است که ما را به سمت تعریف درست از پری روح القدس راهنمایی می نماید: « و مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید. » این آیه به وضوح نشان می دهد که با وجود تفاوت‌های فاحش ما بین زندگی تحت کنترل « روح » و زندگی تحت کنترل شراب، تشابهاتی نیز بین این دو حالت وجود دارند که کلید شناخت این موضوع به شمار می آیند. در هر دو حالت اشخاص به وسیله چیزی یا کسی کنترل می شوند. رفتار و عملکردهای هر دوی آنها به گونه ای است که شباهتی به شرایط طبیعی آنان ندارد. شخص مست از شرایط عادی از عهد انجام آنها بر نمی آمده است، به همین طریق فرد مسیحی پر شده از « روح » نیز به سبب اینکه توسط « روح » کنترل می شود از سلطه نفس خویش رهایی یافته، افکار و رفتارهایی از خود بروز می دهد که تشابهی به عملکردهای طبیعی (تحت کنترل نفس) او ندارند. واقعیت آموزنده دیگری که در افسسیان ۵ : ۱۸ یافت می شود این است که پری روح القدس همانند استعمال شراب، تجربه ای قابل تکرار می باشد. علاوه بر این فعل این جمله نیز بر زمان حال دلالت می نماید، بدین ترتیب مفهوم که مسیحیان باید همواره « پری روح » را در زندگی خویش تجربه نمایند. رسولان در روز پنطیکاست از روح القدس پر گشتند (اعمال ۲ : ۴)، اما به فاصله چند روز هنگامی که با هم دعا می نمودند، بالاخانه محل سکونت آنان به حرکت درآمده مجدداً از روح خدا پر شدند (اعمال ۴ : ۱۳). آنها در موقعیتی (تهدید از جانب یهود) قرار گرفته بودند که پری مجدد « روح » را طلب می نمود.

۲ - تمامی ایمانداران باید از روح القدس پر شوند.

مطالعه کتاب اعمال رسولان نشان می دهد که در کلیسای اولیه، پر شدن از روح القدس تجربه ای عادی و معمول بوده است. بطوری که نه تنها رسولان و رهبران کلیسا همواره از روح القدس پر می گشتند (اعمال ۴ : ۸ و ۱۱، ۱۳ : ۹، ۷ : ۵۵)، بلکه تمامی ایمانداران به مسیح نیز « پری روح » را تجربه می نموده اند. برای اثبات این ادعا کفایت که به بافت جماعت یکصد و بیست نفری شاگردان در روز پنطیکاست توجه نماییم؛ بجز رسولان و چند تن دیگر، اسمی از بقیه شاگردان به میان نمی آید، زیرا آنها ایمانداران و پیروان ناشناخته عیسی مسیح بودند، که همگی از روح القدس پرگشتند (اعمال ۱ : ۱۵، ۲ : ۴). همچنین نوایمانانی که بعد از پنطیکاست به کلیسا پیوستند نیز به هنگام استقبال از رسولان (پس از اولین تهدید از جانب یهود) پری روح القدس را تجربه نمودند (اعمال ۴ : ۴ و ۳۱ - ۳۲). نویسنده کتاب اعمال رسولان شهادت می دهد که شاگردان (پیروان مسیح) در انطاکیه پیسیدییه نیز بهنگام خروج پولس از آن مکان پر از روح القدس و خوشی بودند (اعمال ۱۳ : ۵۲).

علاوه بر این کتاب مقدس همه ایمانداران را امر می نماید، که از روح القدس پر شوند. افسسیان ۵ : ۱۸، علاوه بر اینکه از لحاظ دستور زبان جمله ای امری به شمار می آید، جماعت عادی کلیسا را (رساله به افسسیان رساله ای عمومی می باشد)، مخاطب قرار می دهد. بدین مفهوم که خداوند به ما فرمان می دهد که از روح القدس پر شویم. به بیان دیگر همه ایمانداران ملزم هستند که همواره پری روح القدس را در زندگی خود تجربه نمایند، زیرا پری روح القدس مختص رسولان در کلیسای اولیه، واعظین و رهبران کلیسای امروزی نمی باشد، بلکه تجربه ای غیر قابل چشم پوشی برای شاگردان مسیح به شمار می آید.

۳ - چگونه می توانیم از روح القدس پر شویم؟

چنین به نظر می رسد که کتاب مقدس چهار شرط اساسی را برای پر شدن از روح القدس تعیین می کند. با به کار بستن شروط مذکور یک شخص مسیحی می تواند قلبی مهیا، جهت تجربه نمودن « پری روح » داشته باشد.

الف (اعتراف و ترک گناهان

یک شخص ایماندار جهت پر شدن از روح خداوند نخست باید تمامی گناهان زندگی خویش، حتی گناهان به ظاهر کوچک را اعتراف نماید تا به وسیله خون عیسی مسیح پاک گردد (اول یوحنا ۱ : ۹). در فصل قبل ملاحظه گردید که حتی گناهان به ظاهر بسیار کوچک و قابل اغماض نیز موجبات حزن روح القدس را فراهم می سازند. در واقع در کتاب مقدس همواره تقرب به خداوند با اعتراف و ترک گناهان قوم همراه بوده است. نویسنده مزمور در این باره می فرماید: « اگر بدی را در دل خود منظور می داشتیم، خداوند مرا نمی شنید » (مزمور ۶۶ : ۱۸). همچنین خداوند به زبان اشعیای نبی به قوم خویش یادآوری می نماید که اگر چه قدرت نجات ایشان را دارد، لیکن گناهانشان مانع عمل نمودن دست خداوند و رهایی ایشان می گردد (اشعیای ۵۹ : ۱ - ۲). علاوه بر این او در باب سل ام همان کتاب عنوان می دارد که قوم می توانستند با توبه از گناهانشان، نجات خداوند را بچشند (اشعیای ۳۰ : ۱۵). اعتراف به گناهان از جانب یک شخص ایماندار، یک اقدام ضروری می باشد که او را برای پر شدن از روح خداوند مهیا می سازد.

ب (داشتن اشتیاق جهت پر شدن از روح خدا.

عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۷ : ۳۷ - ۳۸ می فرماید: « ... هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد ... کسی که به من ایمان آورد ... از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. » یوحنا پس از نقل قول مستقیم از فرموده مسیح بیان می دارد که منظور عیسی از آب زنده، روح القدس بوده است. متأسفانه امروزه تعداد کثیری از مسیحیان عطش برای گرفتن برکات روحانی ندارند. آنها اغلب جهت ارضای خود، از ایمان، کارهای نیک و سخاوتمندانه خویش سخن می گویند. آنان همواره از برکاتی که سالها قبل تجربه نموده اند (اگر چه کارهای خداوند را نباید هرگز فراموش نمود لیکن نباید تنها به گذشته خود دل بست)، سخن به میان می آورند. به نظر می رسد که اینگونه اشخاص فراموش نموده اند که تولد تازه نخستین قدم زندگی مسیحی محسوب می گردد. در واقع ما با یافتن تولد تازه در آغاز راهی طولانی قرار می گیریم، که همواره حرکتی رو به جلو را طلب می نماید، لذا باید پیوسته در جهت رسیدن به پری قامت مسیح قدم برداریم (افسسیان ۴ : ۱۳).

اما نیاز به آب یکی از نیازهای حیاتی بشر محسوب می گردد. شخصی که بطور جدی این حالت را تجربه نماید، حاضر است که به هر قیمت ممکن و با پرداخت هر بهایی عطش خویش را فرو نشاند. خداوند در کتاب اشعیای ۴۴ : ۳، بیان می نماید که برکت خویش را بر زمین تشنه فرو خواهد ریخت: « اینک بر زمین تشنه آب خواهم ریخت و نهرها بر خشک ... » همچنین عیسی مسیح در انجیل متی ۵ : ۶، بیان می نماید که تنها اشخاص گرسنه و تشنه عدالت هستند که از برکات خداوند سیر خواهند گشت.

آیا شما مشتاق یک زندگی پیروزمند و موفق مسیحی می باشید؟ آیا شما مشتاق دور شدن از زندگی ضعیفی که همواره شکستهای تلخ را تجربه می نماید هستید؟ آیا شما با همان جدیتی که یک شخص تشنه به دنبال آب می باشد در جستجوی قوت خداوند هستید؟

دکتر « جاناتان گوفورت » (Jonathan Goforth) در این باره می گوید: « اگر ادعای چارلر فینی (۱) مبنی بر کار معجزه آسای روح القدس صحت داشته باشد، با تمام توان به دنبال یافتن قواعد و شرایط پری خواهم رفت و به بهای سنگینی که برای اطاعت و به کارگیری آن قواعد باید بپردازم، توجهی نخواهم نمود. »

« ار. ای. توری » (R. A. Torrey) واعظ مشهور نیز می افزاید « روزی پس از موعظه، شخصی نزد من آمده، خود را کشیش کلیسای در ایالت نیوجرسی معرفی نمود. او اظهار داشت تنها هدفش از آمدن به « نور تقلید » این است که از شرایط و چگونگی بهره مند شدن از برکات روح القدس آگاهی یابد. او به من گفت حاضر است که بمیرد اما بدون برخوردار شدن از برکات روح الهی به کلیسای محلی خود باز نگردد. به او گفتم « ای برادر تو به راستی مهبای دریافت برکات روح الهی می باشی. »

دکتر « بیل برایت » (Bill Bright) نیز ضمن تاکید بر داشتن اشتیاق شدید، به عنوان یکی از شروط اصلی پر شدن از روح القدس، از تجربیات خود در این راستا حکایت نموده می نویسد: « روزی یک پزشک مسیحی که از رهبران اداره کننده یکی از کلیساهای بزرگ نیز بود، نزد من آمد. او اظهار نمود که با مشاهده « قوت و پری روح » در زندگی یکی از خادمین موسسه ما، اشتیاقی شدید برای پر شدن از روح خدا و داشتن زندگی پیروزمندانه یافته است. به همین دلیل نزد من آمده تا راهنمایی لازم را بیابد. من از او پرسیدم، آیا حاضر است برای دست یافتن به این مهم از تمامی گناهان خود بازگشت نموده کنترل زندگی خود را به طور کامل به عیسی مسیح واگذار نماید؟ او به من اطمینان داد که حاضر است هر بهایی را در این راه بپردازد. او اضافه نمود که حتی حاضر است شغل پر منفعت و موقعیت ممتاز خویش را رها نموده در صورت خواست خداوند به عنوان یک پزشک مبشر به هر نکته از کره خاکی قدم بگذارد. »

ما نباید این واقعیت را هرگز از یاد ببریم که خداوند برکات خویش را بر زمین (قلب) تشنه خواهد ریخت و اشتیاق روحانی یکی از شروط غیر قابل انکار پر شدن از روح خداوند به شمار می آید.

۱ - Charles Finney چالز فینی واعظ مشهور آمریکایی (۱۷۹۲ - ۱۸۷۵ م) بود که بر نقش روح القدس

در موفقیت زندگی مسیحی و پیشبرد خدمت خداوند تاکید فراوان می نمود.

ج (سپردن و تسلیم کامل زندگی به خداوند.

روح القدس برای در اختیار گرفتن و کنترل زندگی یک ایماندار مسیحی هرگز به زور متوسل نمی شود، بلکه انتظار می کشد که ما با میل و خواست قلبی خویش کنترل زندگی خود را به او واگذار نماییم.

پولس رسول در رساله رومیان ۱۲ : ۱ - ۲، می فرماید: « لهذا ای برادران شما را به رحمت‌های خدا استدعا می کنم که بدنهای خود را قربانی زنده و مقدس پسندیده خدا بگذارید که عبادت معقول شما است. و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکو پسندیده کامل خدا چیست ».

کلمه « بگذارید » زمانی به کار می رفت که شخص عبادت کننده قربانی (حیوان) را بر مذبح می گذاشت و آن را به خداوند تقدیم می نمود. به همان طریق خداوند مشتاق است که ما بدن خود را به او تقدیم کنیم، تا بر طبق اراده خویش با آن عمل نموده نقشه های پر جلال خود را عملی سازد. اما منظور از بدن، شخصیت، طرح ها، امکانات، اوقات، قابلیت ها و در واقع همه چیز ماست. اینها تماماً باید در اختیار او قرار گیرند. البته ما مجبور نیستیم این کار را حتماً انجام دهیم و همانطور که در بالا ذکر گردید خداوند هیچ گاه برای بدست گرفتن کنترل زندگی ما به زور متوسل نخواهد شد. لیکن سرسپردگی و تسلیم کامل زندگی یکی از شروط اصلی پری روح القدس محسوب می گردد. « و اچمن نی » (Watchman Nee) واعظ و نویسنده چینی راجع به این موضوع حکایتی بر این مضمون نقل می نماید: « روزی یکی از برادران مسیحی ما سوار قطار شد. او را برای رفتن به کوپه خود راهنمایی نمودند، اما به هنگام ورود به آنجا با سه فرد در حال انتظار روبرو گردید، این اشخاص در نظر داشتند که با پیوستن چهارمین مسافر به بازی ورق بپردازند، لذا فوری موضوع را با آن فرد مسیحی مطرح نمودند، اما او جواب داد که برای انجام این کار دستی در اختیار ندارد. افراد مذکور با تعجب به دستهای او خیره شدند و از او درخواست نمودند که توضیح بیشتری به ایشان بدهد. او جواب داد که سالها قبل نه تنها دستها و بازوان بلکه تمامی وجود خویش را به خداوند خود عیسی مسیح سپرده است و اکنون در واقع اختیار هیچ یک از اعضای بدن خویش را ندارد! »

عیسی مسیح در انجیل مرقس ۸ : ۳۵ می فرماید: « زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد، و هر که جان خود را به جهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند »

آیا شما بدن خویش را به خدا تقدیم کرده اید؟ آیا خداوند عیسی مسیح اکنون آن را در اختیار دارد؟ آیا شما مشتاق مکاشفات روح الهی درباره اراده خدا و به انجام رسانیدن آنها می باشید؟ تنها تفویض اختیارات و تمامی زندگی است که ما را مهبیای پر شدن از روح خدا می نماید. زیرا روح القدس تنها در صورت عزل نفس و عقب نشینی ما فضای خالی را پر ساخته عنان زندگی را بدست می گیرد.

د) باید باور نمایید که خداوند شما را از روح القدس پر می سازد.

علاوه بر انجام سه شرط ذکر شده، باید با ایمان بپذیریم که خداوند ما را از روح خویش پر می نماید. اعتراف گناه، عطش روحانی و تقدیم زندگی به خداوند، شروط اساسی پر شدن از روح خداوند به شمار می آیند، اما به خودی خود نمی توانند برای تجربه « پری روح » کافی باشند. تعداد کثیری از افراد، قدمهای مثبتی جهت پر شدن از روح خدا بر می دارند لیکن به سبب فقدان ایمان قادر به تجربه زندگی موفق مسیحی و سلوک در پری روح القدس نیستند. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۷ : ۳۷ - ۳۹ می فرماید: « هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت ... »

ما باید باور نماییم که خداوند زندگی پر جلالی را بر ایمان تدارک دیده است، و ما به وسیله زندگی تحت کنترل روح می توانیم آن را تجربه نماییم. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۰ : ۱۰ می فرماید: « ... من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتیر حاصل کنند. » عیسی مسیح قبلاً محبت غیر قابل وصف خویش را نسبت به ما به وسیله مرگ خود در راه گناهانمان ثابت نموده است. علاوه بر این چگونه ممکن است خدای پدری که پسر یگانه خویش را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، نسبت به اوضاع روحانی ما بی تفاوت بوده، نخواهد ما را از روح قدوس خویش پر نموده از برکات آن مستفیض نماید. یوحنا رسول نیز در رساله نخست خویش به ما این گونه اطمینان می دهد: « و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه بر حسب اراده او سوال نماییم، ما را می شنود. و اگر دانیم که هر چه سوال کنیم ما را می شنود، پس می دانیم که آنچه از او درخواست کنیم می یابیم » (اول یوحنا ۵ : ۱۴ - ۱۵).

دکتر « بیل برایت » مجدداً در این باره تجربه ای از زندگی خویش نقل کرده می گوید: « من بعد از ایمان به مسیح، زمان زیادی را صرف روزه و استغاثه در حضور خداوند نمودم تا پری روح را تجربه نمایم. سپس روزی آیه های از کتاب مقدس برایم کشف شد: « عادل به ایمان زیست می کند » (رومیان ۱ : ۱۷). ما باید همواره به یاد داشته باشیم که « پری روح » تحصیل کردنی نیست، بلکه ما باید آن را با ایمان دریافت نماییم. »

آیا شما باور ارید خدایی که آن کار نیکو (نجات شما) را در شما آغاز نموده قصد دارد آن را به کمال رساند. اگر این واقعیت را می پذیرید باید مطمئن باشید که بر طبق وعده غیر قابل تغییر خداوند ما می توانیم هر آنچه که بر طبق اراده او سوال نماییم را بیابیم. اگر ما از جمله اشخاصی می باشیم که به هر قیمت ممکن قصد داریم کنترل زندگی خود را به خداوند واگذار نموده از روح او پر شویم و در این راستا قدم های ضروری را برداشته ایم، می توانیم با ایمان از خداوند درخواست نماییم که ما را از روح قدوس خویش پر سازد و مطمئن باشیم که او در همان لحظه به وعده خویش عمل می نماید.

اما یکی از مسائلی که برای برخی از ایمانداران مشکل آفرین می گردد عدم تهییج و تحریک احساسات آنهاست. برخی از ایمانداران به غلط تصور می کنند که فقدان هیجان و تحرک احساسات دلیلی بر عدم پری ایشان می باشد. در این باره باید به یاد داشت که علی رغم اینکه احساسات، جزئی جدا نشدنی از شخصیت انسان به شمار می آیند، لیکن ما نمی توانیم در همه اوقات بر آنها تکیه نماییم ما نباید واقعه نجات خویش را که به وسیله اعتماد ساده بر خبر انجیل پدید آمد را به فراموشی سپاریم (افسسیان ۲ : ۸).

برای تمامی ایمانداران مسیحی، فراگیری این درس مهم در زندگی امری واجب است که اعتمادشان را نه بر احساسات بلکه بر وعده های غیر قابل تغییر الهی استوار نمایند. ایمان به مفهوم پذیرفتن و قبول نمودن خدا و کلام اوست. نباید فراموش کنیم که خداوند در قبال تمامی اعمال عظیم خود، انتظار دارد که به او اعتماد نماییم، کلام خداوند می فرماید: « بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است » (عبرانیان ۱۱ : ۶).

آیا شما باور می کنید که در صورت درخواست از خداوند، او هم اکنون شما را از روح خویش پر خواهد نمود؟ به یاد داشته باشید که عیسی مسیح می فرماید: « اگر ایمان بیاوری جلال خدا را خواهی دید » (یوحنا ۱۱ : ۴۰).

۴ - از دست دادن و دریافت مجدد پری روح القدس.

این احتمال وجود دارد که ایمانداران مسیحی بنابر دلایلی که در فصل قبل (راجع به محزون شدن روح القدس)، ذکر گردیدند، روح قدوس الهی را محزون نموده خود را از برکات او محروم نمایند. اما اگر شما در چنین اوضاعی گرفتار شده اید نباید از شرایط موجود خود مایوس شوید. باید توجه داشته باشید که ما شفيعی قدرتمند در حضور خداوند داریم (اول یوحنا ۲ : ۱)، که همواره شفاعت ها و دعاهاى او مقبول حضور خدا می باشند (یوحنا ۱۱ : ۴۱ - ۴۲). اکنون او بر دست راست پدر نشسته تا به جهت آنانی که نام او را می خوانند در حضور خدا ظاهر شده ایشان را نجات بی نهایت ببخشد (عبرانیان ۷ : ۲۴ - ۲۵، ۹ : ۲۴). اگر شما بار دیگر مشتاق بازگشت به حضور خدا و پر شدن از روح او می باشید، باید مجدداً به گناهان خویش اعتراف نموده عنان زندگی خویش را به او واگذارید و مطمئن باشید که شفاعت های مؤثر مسیح سبب خواهد شد که خدای پدر، شما را آمرزیده، گناهانتان را دیگر به یاد نیورد (ارمیا ۳۱ : ۳۴، میکاه ۷ : ۱۸، اول یوحنا ۱ : ۹ - ۱۰، ۲ : ۱ - ۲)، و شما را از روح خویش مجدداً پر سازد.

۵ - پیامدهای پری روح القدس.

ما در فصل قبل به هنگام صحبت راجع به پیامدهای محزون شدن « روح » به طور غیر مستقیم به نتایج پری روح القدس در زندگی ایماندار نیز اشاره نمودیم، لیکن در این قسمت جهت تکمیل بحث مذکور به بررسی مواردی چند از پیامدهای « پری روح » می پردازیم.

الف (ایمانداران به شباهت مسیح در می آیند (غلاطیان ۵ : ۲۲ - ۲۳).

در باب پنجم رساله به غلاطیان « ثمره روح » آمیختگی غیر قابل تفکیکی با پری روح القدس یافته است. در این قسمت پولس بجا نیاوردن اعمال جسم را منوط به سلوک در پری روح القدس قلمداد می نماید (غلاطیان ۵ : ۱۶). بدین مفهوم که زندگی تحت کنترل روح القدس نه تنها مجال خودنمایی از جسم را سلب می نماید بلکه سبب پدید آمدن « ثمره روح » می گردد. تامل در « ثمره روح » (غلاطیان ۵ : ۲۲)، این واقعیت را نشان می دهد که یافتن ثمره عنوان شده به مفهوم شبیه شدن به عیسی مسیح خداوند می باشد.

ب) پری روح القدس به پدید آمدن روحیه پرستش و شکرگزاری منجر می شود (افسسیان ۵ : ۱۸ - ۲۰) .

همانطور که قبلاً ذکر گردید افسسیان ۵ : ۱۸، آیه ای کلیدی برای درک مفهوم صحیح « پری روح » محسوب می گردد. اما این آیه کلیدی آیاتی را به دنبال دارد که یکی دیگر از پیامدهای پری روح القدس را معرفی می نماید. گفتگوی ایمانداران به مزامیر و سرودهای روحانی، پرستش و حمد خداوند در دل و شکرگزاری در نام خداوند عیسی همگی نشان می دهند که شخص کنترل شده توسط روح القدس شخصی است که پیوسته در پرستش خداوند و شکرگزاری نسبت به او بسر می برد.

ج) پری روح القدس روحیه اطاعت و فرمانبرداری ایجاد می کند (افسسیان ۵ : ۱۸ - ۲۱) .

علاوه بر موارد قبلی، افسسیان ۵ : ۱۸ - ۲۱، نشانگر مورد دیگری از پیامدهای « پری روح » نیز می باشد. این آیات نشان می دهند که « پری روح » پدید آورنده روحیه فرمانبرداری و اطاعت است. بطوری که ایمانداران نه فقط با خدا، بلکه با یکدیگر نیز در سلامتی و هماهنگی مطلوبی قرار می گیرند. مردان با زنان، والدین با اولاد و کارفرما با کارکنان، به سبب همین روحیه فرمانبرداری در سلامتی بسر می برند.

د) پری روح القدس فرد ایماندار را قدرتمند می سازد.

عیسی مسیح در کتاب اعمال رسولان ۱ : ۸، به شاگردانش وعده فرموده گفت: « چون روح القدس بر شما آید قوت خواهید یافت ... » این قدرت در خدمت مؤثر، شهادت وفادارانه و تقدس زندگی شخصی ما آشکار می گردد. همین قدرت حاصل از « پری روح » بود که سبب گردید پطرس سه هزار نفر را در روز پنطیکاست به سوی مسیح راهنمایی نماید (اعمال ۲ : ۴۱) و همین « قدرت روح » بود که شاگردان را قادر نمود که کارهای عجیب ثبت شده در کتاب اعمال رسولان را بجا آورند. اما این قدرت تنها برای به انجام رسانیدن اعمال عجیب اعطا نشده بود، بلکه ما در کتاب اعمال رسولان به وضوح مشاهده می کنیم که شاگردان به هنگام مواجه شدن با امتحانات و حتی دادن شهادت با قوت الهی عمل می نمودند. آنچه که سبب گردید استیفان به هنگام مرگ چنان پیروزمندانه دعا نماید تنها قدرت حاصل از پری روح القدس بود (اعمال ۷ : ۵۵ - ۶۰) .

آیا ما امروز به چنین قدرتی محتاج نیستیم؟ بدون شک ما برای تجربه زندگی و خدمت پیروزمندانه مسیحی، و همچنین جهت روبرو شدن با امتحانات و آزمونهای دشوار هر روزه عمیقاً نیازمند تجهیز شدن با چنین قدرتی می باشیم.

فصل پانزدهم

ثمره روح القدس

فرموده عیسی مسیح به شاگردانش در انجیل یوحنا ۱۵ : ۱۶، نشانگر انتظار و توقع او از پیروانش می باشد.

« ... من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند ... » او آشکارا بیان می نماید که شاگردانش را جهت آوردن ثمر انتخاب نموده است. پطرس رسول در رساله دوم خود هشت خصلت مسیحی را بر شمرده، می افزاید: « اگر این صفات در شما باشد و زندگی شما رابیشتر فراگیرد همیشه در شناسایی خداوند ما عیسی مسیح فعال و پر ثمر خواهید بود » (دوم پطرس ۱ : ۸ - ترجمه انجیل شریف).

۱ - ماهیت و مفهوم ثمره روح القدس.

پولس رسول در باب پنجم رساله به غلاطیان « روح » و نفس را به دو درختی تشبیه می کند که هر یک موافق ذات خویش ثمری به بار می آورند. ثمرات جسم ثمراتی زشت و قبیح می باشند که از سقوط و ذلت طبیعت انسان حکایت دارند، لیکن « ثمره روح » ثمره ای مبارک و نیکوست. در واقع ثمره روح القدس خصال مبارک خداوند ما می باشند که به وسیله روح او در زندگی شاگردانش پدیدار می گردند. اما پولس رسول در رساله غلاطیان ۵ : ۲۲، خصال نه گانه را « ثمره روح » می نامد و این نشان می دهد که یک ایماندار مطیع به یکباره می تواند از تمامی صفات مذکور برخوردار گردد.

دکتر « سی . جی . رولز » (C . J . Rolls) خصال مورد بحث را از جمله صفات محبت به شمار آورده، چنین می گوید: « خوشی، خوشرویی و بشاشیت محبت است و سلامتی، اطمینان آن. حلم، وقار و خودداری محبت است و مهربانی، دلسوزی آن. نیکویی، شخصیت محبت است و وفاداری، ثبات و غیر قابل تغییر بودن آن. تواضع، گیرایی و خوشایند بودن محبت است و پرهیزکاری، پیروزی آن »

وجود « ثمره روح » در زندگی یک فرد مسیحی حکایت از بلوغ روحانی آن شخص دارد. در واقع علی رغم تصور برخی از افراد، استعداد خدادادی و فعالیت‌های گسترده اشخاص، روحانی بودن آنها را به اثبات نمی رساند، بلکه این « ثمره روح » است که به روحانی بودن افراد حکم می دهد. زیرا پدیدار شدن « ثمره روح » در زندگی یک فرد مسیحی و رشد آن نشانگر فرمانروایی خداوند بر تمامی ارکان زندگی فرد مذکور می باشد. در همین حال همانطور که در فصل ۱۲ ذکر گردید ارتکاب گناه از جانب شخص ایماندار تاثیر زود هنگامی بر ثمره روح القدس بجای می گذارد، در حالی که استعدادها و توانایی خدادادی فرد مذکور به این سرعت تحت تاثیر قرار نمی گیرند.

۲ - ثمره روح القدس چگونه پدید می آید؟

عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۵ : ۴ می فرماید: « در من بمانید و من در شما همچنان که شاخه از خود نمی تواند میوه آورد اگر در تاک نامد، همچنان شما نیز اگر در من نمانید. »

همانطور که قبلاً ذکر گردید در باب پنجم رساله به غلاطیان پری و ثمره روح القدس آمیختگی غیر قابل تفکیکی با هم دارند. بطوری که سلوک در « پری روح » از سویی نفس را عقیم و بی ثمر نموده، مجال هرگونه خودنمایی را از او سلب می کند و از سوی دیگر سبب تجلی ثمره مبارک روح القدس می گردد. بنابر این « ثمره روح » زمانی پدیدار می گردد که ما در تسلیم و سر سپردگی کامل نسبت به خدا زندگی می نماییم.

۳ - شرح مختصر ثمره روح القدس.

* محبت.

محبت ترجمه کلمه یونانی " agape " می باشد. آگاپه یکی از چهار کلمه ای است که در زبان یونانی برای محبت به کار گرفته می شوند. این کلمه به مفهوم محبتی خلل ناپذیر می باشد. این همان محبتی است که خدا نسبت به ما ابراز نمود، زیرا زمانی که هنوز ما به راههای خود می رفتیم و اعتنا به او نداشتیم، پسرش را به جای ما به مرگ صلیب سپرد. و این همان محبتی است که مسیح انتظار دارد که پیروانش نسبت به همسایگان خویش آن را ابراز دارند. ما معمولاً می توانیم دوستانی را که خود برای دوستی انتخاب کرده ایم اندکی محبت نماییم، لیکن جهت محبت نمودن همسایه ای که خداوند ما را در کنارش قرار داده تنها نیازمند محبتی هستیم که از خدا باشد. باب سیزدهم رساله اول قرنتیان به طرز زیبایی این محبت را به تصویر می کشد. در واقع وجود همین محبت الهی است که حقانیت پیغام کلیسا را به اثبات می رساند و در دست آن سلاحی قوی همچون موت به شمار می آید.

* خوشی

خوشی ترجمه کلمه یونانی " chara " می باشد. این خوشی یک شادی دنیوی نیست بلکه شادی خدادادی و درونی می باشد، بطوری که عوامل بیرونی نمی توانند آن را از بین ببرند. پولس رسول رساله فیلیپیان را در درون زندان نوشت، لیکن سخنان او از شادایی حکایت دارند که سختی ها و دشواریهای محبس بر آن کارگر نبوده اند. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۶ : ۲۲ می فرماید: « ... دل شما خوش خواهد گشت و هیچ کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت. »

* سلامتی.

سلامتی ترجمه کلمه یونانی " eirene " می باشد که در زبان مذکور به دو مفهوم به کار برده می شود. نخست برای صلح و امنیتی که با تلاش یک دولت و حکومت خوب پدید می آید و همچنین به مفهوم نظم خوب و مطلوب در یک دهکده می باشد. این کلمه در عهد جدید معمولاً به جای کلمه عبری " shalim " به کار برده شده است که نه فقط به مفهوم رهایی از تمام مصائب و مشکلات است بلکه بهترین نیکویی ها را برای شخص در بر دارد. اما مقصود از سلامتی در

این قسمت، سلامتی است که از اعتقاد به کنترل زمان و حوادث به وسیله خداوند پدید می آید. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۴ : ۲۷ می فرماید: « سلامتی برای شما می گذارم سلامتی خود را به شما می دهم نه چنانکه جهان می دهد من به شما می دهم دل شما مضطرب و هراسان نباشد. »

* حلم

حلم نیز ترجمه کلمه یونانی " makrithumia " می باشد. این کلمه مفهوم استقامت و پایداری را در بر دارد، لیکن نویسندگان عهد جدید آن را به مفهوم صبر و بردباری نیز به کار برده اند. در ترجمه هفتاد، « خدای دیر خشم » مکتوب در خروج ۳۴ : ۶، « خدای بردبار » ترجمه شده است. عهد جدید نیز از این واقعیت حکایت می کند که خدا نسبت به مردم با بردباری عمل می کند (رومیان ۲ : ۴، اول تیموتاوس ۱ : ۱۶، اول پطرس ۳ : ۲۰). او نسبت به ما نیز با حلم عمل می کند. بسیاری اوقات ما دیر فهم هستیم و درسهای گرانمایی را که قبلاً آموخته ایم فراموش می کنیم، نسبت به او اعتمادی نشان می دهیم، لیکن خداوند با بردباری و حوصله فراوان در صدد است دروس قبلی را بار دیگر به ما بیاموزاند و ما را به جایی که در نظر دارد برساند. حال روح القدس با این خصلت مبارک قصد دارد ما را به شباهت خداوندمان در آورد، تا ما نیز با جمیع مردم تحمل کنیم (اول تسالونیکیان ۵ : ۱۴).

* مهربانی

مهربانی ترجمه کلمه یونانی " chrestotes " می باشد. یونانیان بطور معمول برده را " chresros " خطاب می نمودند که از ریشه همین کلمه گرفته شده است. و به نظر می رسد که این کلمه نشانگر صفتی (خوب و نیکو) بود که انتظار می رفت در یک برده ایده آل یافت شود. از سوی دیگر این کلمه در زبان یونانی مفهوم شیرین بودن را نیز دارد. مهربانی در واقع محبت در عمل می باشد. مهربانی نیز یکی از خصال الهی است. خداوند ما عیسی مسیح نه فقط با افراد خوب و درستکار، بلکه با اشخاص مطرود و گناهکار نیز مهربان بود. او جهت ترسیم محبت الهی در انجیل لوقا باب پانزدهم از پدی سخن می گوید که به هنگام مشاهده پسر یاغی و خطاکار خویش دلسوزانه او را پذیرفته، در آغوش می کشد. مهربانی که از « ثمره روح » می باشد، از عملکردها و رفتارهای منفی افراد تأثیر نمی پذیرد و محرکی از بیرون ندارد. وقتی اندکی در سخنان مسیح در انجیل لوقا ۶ : ۳۲ - ۳۵ تامل می کنیم به آسانی در می یابیم که او نیز توقع چنین احسان و مهربانی را از پیروان خود داشته است: « زیرا اگر محبان خود را محبت نمایید شما را چه فضیلت دارید چونکه گناهکاران نیز چنین می کنند. و اگر قرض دهید به آنانی که امید باز گرفتن از ایشان دارید، شما را چه فضیلت است؟ زیرا گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می دهند تا از ایشان عوض گیرند. بلکه دشمنان خود را محبت و احسان کنید و بدون امید عوض، قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود و پسران حضرت اعلی خواهید بود، چونکه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. »

* نیکویی

نیکویی ترجمه کلمه یونانی " agathosyne " می باشد که شباهت فراوانی به " chrestotes " دارد. لیکن نیکویی فقط دلسوزی و احسان نیست بلکه می تواند شامل اعمال باز دارنده ای جهت خیریت شخص نیز می باشد. این کلمه

علاوه بر این می تواند مفهوم سخاوتمندی را نیز به کار برده شده است. خداوند ما خدای نیکوست و این خصلت مبارک الهی اعضای خانواده او را یاری می نماید که معیاری شایسته در اخلاقیات و کارهای نیکو داشته باشند.

* ایمان (امانت).

ایمان ترجمه کلمه یونانی " pistis " می باشد. این کلمه در بسیاری از قسمتهای دیگر ایمان ترجمه شده است لیکن در اینجا بیشتر به مفهوم قابل اعتماد بودن است. امانت نیز یکی دیگر از خصال الهی است. خداوند بر خلاف انسان همواره در تمامی اوقات خدایی امین می باشد، ارمیا نبی در کتاب مراثی ۳ : ۲۲ - ۲۳ در وصف امانت خداوند می گوید: « از امتهای خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمتهای او بی زوال است. آنها هر صبح تازه می شوند و امانت تو بسیار است. » نویسنده مزمور می افزاید: « ای خداوند رحمت تو در آسمانها است و امانت تو تا افلاک » (مزمور ۶۳ : ۵).

پولس رسول نیز در رساله اول تیموتائوس می گوید: « اگر بی ایمان شویم او امین می ماند زیرا خود را انکار نمی تواند نمود. »

و روح القدس با سکونت پر برکت خویش این صفت مبارک الهی را به ایمانداران مطیع به ارمغان می آورد تا ایشان را به بهترین شکل ممکن بیاراید.

* تواضع.

تواضع نیز ترجمه کلمه یونانی " praotes " می باشد. در مورد این کلمه باید گفت که ترجمه آن بسیاری دشوار است. یونانیان آن را با مفهوم « پست و افتاده و دلشکسته » به کار می بردند. آنها این کلمه را در مورد افرادی استعمال می نمودند که شجاعت و شهامت این را نداشتند که از خود اظهار وجود نمایند. اما عهد جدید این کلمه را راجع به شخصی به کار می برد که واقعیتهای را به آن صورتی که هستند شناخته است، واقعیت زندگی خود و خدای خویش را به درستی درک نموده است. و این همان موقعیت گرانبهایی است که شخص مذکور با رسیدن به آن مهیای عمل خداوند و اجرای اراده الهی می شود. به همین سبب عیسی مسیح در انجیل متی ۵ : ۵ می فرماید: « خوشا به حال حلیمان (همان کلمه " praotes " است که حلیم ترجمه شده است) زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. »

بسیاری از افراد به اندازه ای متکبر و مغرور می باشند که نمی توانند چیزی را یاد بگیرند. آنها در نظر خود بسیار حکیم هستند و همه چیز را می دانند. لذا تواضع یکی از صفات بسیار ضروری و حیاتی است که انسان شدیداً به آن نیازمند است.

علاوه بر این یونانیان صفت مورد بحث را برای حیواناتی که نفس سرکش خویش را ترک کرده، اهلی شده اند به کار می گرفتند، لذا این کلمه در اینجا می تواند به مفهوم تسلط بر خود و رعایت دیگران نیز باشد. پولس رسول در رساله به کولسیان ۳ : ۱۲ مخاطبین خود را نصیحت نموده می گوید: « پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید و متحمل یکدیگر شده همدیگر را عفو نمایید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید ... »

* پرهیزکاری

پرهیزکاری ترجمه کلمه یونانی " egkrateia " به مفهوم تسلط بر خود می باشد. این صفت که ثمره مبارک روح القدس است ما را قادر می سازد بر گناه و بر عاداتهای جسم غلبه و تسلط داشته با میل خویش خود را وقف خدمت خداوند بکنیم. پرهیزکاری در زندگی یک شخص مسیحی شامل کنترل خوردن و نوشیدن (امثال ۲۳ : ۲۰، ۲۵ : ۱۶)، کنترل عرایز جنسی (تیطس ۲ : ۵، مرقس ۱۰ : ۷، اول قرنتیان ۷ : ۱ - ۶)، کنترل خواهشهای نفس (اول پطرس ۲ : ۱۱، ۴ : ۴، متی ۱۴ : ۶ - ۷). کنترل سخنان زبان (متی ۱۴ : ۷، یعقوب ۳ : ۱ - ۲) می باشد که به برکات سکونت روح القدس این مهم به انجام می رسد.

تامل در ثمره روح القدس نشان می دهد که خداوند چه نقشه پر جلالی برای فرزندان خود تدارک دیده است. او قصد دارد ما را در نور عالم، شاهدینی مؤثر، اشخاصی مفید، کامل و ظروف عزت نماید. او قصد دارد در نهایت ما را به شباهت عیسی مسیح در آورد. او در نظر دارد کاری بالاتر از آنچه که ما بخواهیم یا تصور نماییم برایمان انجام دهد. اما نباید این واقعیت را از یاد برد که این مهم تنها زمانی تحقق خواهد یافت که عنان زندگی ما به دست خداوند سپرده شده باشد.

در این فصل علاوه بر منابع اصلی، از منابع زیر نیز بطور مختصر استفاده شده است :

(۱) COLE, R. ALAN. GALATANS

(۲) PRIME , DEREK. BAKER, S BIBLE STUDY GUIDE

(۳) « سیرت شخص کامل » اسقف استیفن نیل - ترجمه اسقف دهقانی تفتی

(۳) تفسیر « رساله به غلاطیان » ویلیام بارکلی - ترجمه ط. میکائلیان.

فصل شانزدهم

اعمال دیگر روح القدس

۱ - تعلیم

تعلیم یافتن ایمانداران مسیحی توسط روح القدس از جمله آخرین وعده های عیسی مسیح به شاگردان قبل از مصلوب شدنش محسوب می گردد. او در بالاخانق در جمع شاگردان به ایشان وعده فرموده گفت: « و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لیکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می گیرد و به شما خبر خواهد داد » (یوحنا ۱۶ : ۱۲ - ۱۵).

الف (زمان آغاز تعلیم.

تعلیم یافتن ایمانداران مسیحی توسط روح القدس از جمله آخرین وعده های عیسی مسیح به شاگردان قبل از مصلوب شدنش محسوب می گردد. او در بالاخانه در جمع شاگردان به ایشان وعده فرموده گفت: « و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لیکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می گیرد و به شما خبر خواهد داد » (یوحنا ۱۶ : ۱۲ - ۱۵).

الف (زمان آغاز تعلیم.

به هنگام صحبت عیسی مسیح راجع به این عمل، هنوز روح القدس این جنبه از کار خود را آغاز ننموده بود، اما او این عمل را از روز پنطیکاست شروع نمود و آن را تا به امروز ادامه داده است. نحوه تعقل و درک پطرس از پیشگویی های عهد عتیق درباره مسیح، که در موعظه او در روز پنطیکاست دیده می شود خود گواه این واقعیت بود که کار تعلیم روح القدس آغاز شده بود.

ب (مفاد تعلیم .

تعلیم روح القدس « جمیع راستی » را در بر می گیرد. این به مفهوم مکشوف ساختن مسیح در کلام مکتوب الهی می باشد. بدین ترتیب روح القدس کتاب مقدس را به شخص ایماندار تعلیم داده او را به سوی درک مفاهیم نبوتها و مطالب آن پیش می برد.

ج (نتایج تعلیم .

تعلیم روح القدس به جلال یافتن مسیح منتج می گردد. جایی که تعلیم روح القدس وجود نداشته باشد مسیح جلال نخواهد یافت. همچنین باید به خاطر داشت که تعلیم روح القدس به جلال خود او منجر نمی شود بلکه مسیح را مکشوف نموده و تنها او را جلال می دهد.

د (نحوه تعلیم .

روح القدس به چه نحوی ایمانداران را تعلیم می دهد؟ یوحنا ی رسول در رساله نخست خویش به طرز واضحی به این موضوع اشاره نموده می فرماید: « اما در شما آن مسح که از او یافته اید ثابت است و حیات ندارید که کسی شما را تعلیم دهد بلکه چنان که خود آن مسح شما را از همه چیز تعلیم می دهد و حق است و دروغ نیست، پس بطوری که شما را تعلیم داد در او ثابت می مانید » (اول یوحنا ۲ : ۲۷).

بدون شک منظور یوحنا ی رسول از بیان این مطلب منتفی شدن احتیاج کلیسا به معلمین انسانی نبوده است، زیرا ضرورت وجود عطای تعلیم در کلیسا در رسالات عهد جدید (بعد از پنطیکاست نوشته شده اند) کاملاً مشهود می باشد (رومیان ۱۲ : ۷). اما یوحنا ی رسول مطلب فوق را درباره ظهور دجالان (ناستیک ها) بیان می نماید. ناستیک ها معتقد بودند که مطالب نگاشته شده توسط رسولان باید با تعلیم و دانش والاتری که ایشان ادعای برخورداری آن را داشتند تکمیل گردد. لذا یوحنا در پاسخ به این ادعا اعلام می دارد که تعلیم رسولان به سبب برخورداری از تایید روح القدس حقیقت را آن چنان آشکار نموده است که احتیاج به معلمین و تعالیم نو منتفی شده است. اما درباره معلمین کتاب مقدس همانطور که ذکر گردید، باید خاطر نشان نمود که آنان نقشی مهم در تعلیم کلیسا و بنای ایمانداران ایفا می نمایند لیکن تایید نهایی تعلیم را روح القدس به انجام می رساند.

۲ - هدایت و راهنمایی روح القدس .

روح القدس نه تنها ایمانداران را تعلیم می دهد بلکه آنان را قدم به قدم هدایت می نماید.

الف (روح القدس در چه مواقعی ایمانداران را راهنمایی می کند؟

در صورتی که شخص ایماندار مهبای پیروی خداوند باشد، روح القدس او را در هزاران موقعیت متفاوت زندگی هدایت می کند. شبان نیکو همواره پیشاپیش گله خویش حرکت می نماید و آنان را هرگز ترک نمی کند در همین راستا روح او نیز گوسفندان را به جمیع راستی هدایت می نماید، بطوری که آنان نه تنها در معرفت خدا رشد می نمایند، بلکه از

اراده او نیز بطور کامل شناخت پیدا می کنند. ما نمونه های متعددی از هدایت های روح القدس را در کتاب اعمال رسولان مشاهده می کنیم. فیلیپس در نزدیکی عرابه خوجه سرای حبشی از روح القدس هدایت یافت که به آن شخص نزدیک شده او را همراهی نماید (اعمال ۸ : ۲۹). زمانی که پطرس در یافا از مشاهده رویا شگفت زده بود، از روح القدس به او ندا رسید که پایین رفته فرستادگان کرنیلیوس را متابعت نماید (اعمال ۱۰ : ۱۹ - ۲۰)، بعدها پولس و برنابا نیز به وسیله روح القدس انتخاب شده به جانب امتهای فرستاده شدند (اعمال ۱۳ : ۲ و ۴). همچنین هدایت پولس به مکادونیه (اعمال ۱۶ : ۶ - ۷)، و آگاه ساختن پولس از نحوه برخورد یهودیان با او در اورشلیم (اعمال ۲۰ : ۲۲ - ۲۳)، نیز از جمله مواردی هستند که حکایت از هدایت ایمانداران توسط روح القدس می نمایند.

ب (چه کسانی توسط روح القدس هدایت می شوند؟

از آنجایی که تمامی نمونه های ذکر شده هدایت روح القدس به خادمین خدا مربوط می شوند، شاید این فکر به ذهن اشخاص خطور کند که تنها خادمین خدا از روح القدس هدایت می شوند. در این باره نخست باید خاطر نشان نمود که در کلیسای اولیه تمامی شاگردان و پیروان مسیح، مبشر و شاهد او محسوب می شدند، از سوی دیگر پولس در رساله به رومیان ۸ : ۱۴ بیان می نماید که: « همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند ایشان پسران خدایند. » بدین مفهوم که تمامی فرزندان خدا از جانب روح الهی هدایت می شوند. بدین ترتیب ما می توانیم مطمئن باشیم که در صورت تسلیم نمودن کامل زندگی خود به خداوند، وعده شیرین او از زبان اشعیای نبی را در زندگی خود تجربه خواهیم نمود: « و گوشه‌ای سخنی را از عقب تو خواهد شنید که می گوید راه این است، در آن سلوک بنما هنگامی که به طرف راست یا چپ می گردی » (اشعیای ۳۰ : ۲۱).

ج (روح القدس چگونه ایمانداران را هدایت می کند؟

روح القدس معمولاً افراد ایماندار را از طریق کتاب مقدس هدایت می نماید. اگر چه این احتمال وجود دارد که تمامی جزئیات واقعیات شکل دهنده زندگی را نتوانیم همیشه در کتاب مقدس بیابیم، لیکن زمانی که روح القدس اصول اساسی و کلی ارائه شده در کلام خدا را بر ما آشکار می سازد، آن اصول جهت هدایت ما در اغلب موارد و موقعیت های زندگی کافی می باشند. اما برای بهره مند شدن از این برکات رعایت دو نکته بسیار ضروری است. (۱) ما باید به وسیله قرائت و مطالعه مستمر کتاب مقدس در شناخت کلام الهی رشد نماییم، زیرا نوری که از این طریق از جانب خداوند به ما اعطا می گردد از هیچ راه دیگری قابل دسترس نمی باشد. (۲) ما باید به وسیله دعا و تفکر در جستجوی اراده خداوند درباره موارد و موضوعات خاص پیش آمده در زندگی خود باشیم.

اما برخی اوقات روح القدس ما را از طریق رویدادهای و حوادث هدایت می نماید. پولس رسول در رساله رومیان به ایمانداران صمیمی خداوند اطمینان داده می فرماید: « و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیز برای خیریت (آنان) با هم در کار می باشند » (رومیان ۸ : ۲۸).

همچنین روح القدس در برخی موارد نیز ما را به طرز ساده ای از طریق قدرت ادراک تقدیس شده، هدایت می نماید. برخی از اشخاص بر این تصورند که هدایت حقیقی باید همواره از طریق عجیب و شنیدن صداهایی از آسمان همراه باشد، لیکن کتاب مقدس نشان می دهد که خداوند در مواقعی مومنین را به هنگام مواجه شدن با مسائل بسیار دشوار، به شیوه

ای ساده هدایت می نماید. برای اثبات این ادعا می توان به شورای اورشلیم که به سال ۵۰ میلادی تشکیل پذیرفت اشاره نمود. این گردهمایی زمانی شکل گرفت که عده ای از یهودیان به مسیحیت گرویده اورشلیم، که بر اجرای قوانین شریعت پس از ایمان به مسیح نیز تاکید می نمودند، پس از شنیدن خبر ایمان آوردن امتهای در انطاکیه، معلمین را به جانب ایشان گسیل داشتند تا امتهای نوایمان را به اجرای شریعت موسی ملزم سازند. این عمل سبب مشوش شدن مؤمنین گردید، لذا کلیسای امتهای پولس و برنابا را به سوی اورشلیم روانه نمود تا از موضع رسولان آگاه گردد. شورای اورشلیم با حضور پطرس، یعقوب برادر خداوند، فرستادگان امتهای و عده ای دیگر از کشیشان، کار رسیدگی به این موضوع را آغاز نمود، اما نکته قابل توجه در این میان چگونگی هدایت اعضای شورا از جانب روح القدس می باشد. با توجه به متن اعمال رسولان ۱۵ : ۶ - ۲۹، در می یابیم که شورا توجه خویش را به فرموده پطرس مبنی بر نجات به وسیله فیض (اعمال ۱۵ : ۱۱)، معطوف می نماید و با توجه به این واقعیت تصمیمی بی اندازه حساس و مهم را اتخاذ می کند. ایشان در نامه خود به کلیسای امتهای (اعمال ۱۵ : ۲۸)، خاطرنشان می کنند که این رای و تصمیم به وسیله هدایت روح القدس حاصل شده است، و این در حالی است که متن مورد نظر در کتاب اعمال نشان می دهد که هیچ کار عجیبی از جانب روح القدس جهت هدایت شورا انجام پذیرفته است. بدین ترتیب مشخص می شود که روح القدس در برخی از مواقع (حتی در مواردی چنین حساس و سرنوشت ساز) مومنین را از طریق قدرت ادراک تقدیس شده هدایت می نماید.

از سوی دیگر در برخی موارد روح القدس ایمانداران را از طریق منفی هدایت می نماید، او این کار را با بستن دری به روی ایشان و مسدود نمودن طریق به انجام می رساند. شاید این شیوه هدایت برای بسیاری از اشخاص شیوه ای عجیب باشد. زیرا عده ای از افراد بر این باورند که تحت هدایت «روح» همواره می توانند به هر آنچه که در نظر خود نیکو می پندارند نائل گردند، و این در حالی است که در بعضی مواقع اراده خدا با علائق ما منطبق نمی باشد. در کتاب اعمال رسولان ۱۶ : ۶ - ۷، ما به نمونه جالبی از این نوع هدایت بر می خوریم. این آیات به ما نشان می دهند که پولس مناطقی را جهت رسانیدن مژده نجات در نظر گرفته بود و برای ورود به آن مناطق دوبار اقدام نمود، لیکن در هر دو مورد روح القدس طریق او را مسدود کرده او را از طریق هدایت منفی به جانب اروپا روانه نمود (اعمال ۱۶ : ۸ - ۹).

سرانجام روح القدس ممکن است بر طبق تدبیر الهی مؤمنین را جهت خیریت ایشان به سوی آزمایش ها و تنگی ها هدایت نماید. ما در این باره در انجیل لوقا ۴ : ۱ - ۲ چنین می خوانیم: «اما عیسی پر از روح القدس بوده، از اردن مراجعت کرد و روح او را به بیابان برد. و مدت چهل روز ابلیس او را تجربه می نمود و در آن ایام چیزی نخورد. چون تمام شد، آخر گرسنه گردید. «پیمودن راه تنگ همیشه آسان نمی باشد اما باید به یاد داشت که راه تنگ تنها راه مؤدی به موفقیت است. باشد که هر یک از ما همواره مهیای پیروی خداوند بر طبق هدایت های روحش باشیم.

د) شرایط برخوردار شدن هدایت روح القدس :

(۱) ما باید ایمان داشته باشیم که از جانب خداوند هدایت خواهیم شد.

نویسنده رساله به عبرانیان در باب ۱۱ : ۶، چنین می نویسد: «زیرا هر که تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می دهد.» او می افزاید، «بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است.» چگونه ممکن است در شرایطی که ما با ایمان زندگی و سرنوشت خود را تسلیم خداوند نکنیم، او بتواند ما را

رهبری نماید. اما در صورت توکل بر وعده های الهی و اعتماد بر خداوند بدون شک او جهت عملی ساختن وعده های خویش اقدام خواهد نمود.

(۲) نباید بر سر راه خداوند مانعی ایجاد کنیم.

نبايد واقعه تلخ « عخان بن زارح » را فراموش نماييم. درست زمانی که خداوند قوم خویش را جهت فتح سرزمین کنعان رهبری می نمود، گناه « عخان بن زارح » مانع این عمل پر جلال الهی گردید، و قوم را از هدایت خداوند محروم نمود (یوشع ۷). در واقع خداوند ما را تنها زمانی هدایت می نماید که در مشارکت کامل با او بسر بریم.

(۳) ما باید خود را به خداوند تسلیم نماییم.

هیچ کس نمی تواند دو آقا را خدمت نماید (متی ۶ : ۲۴). روح القدس تنها زمانی مجال هدایت ما را می یابد که اراده خویش را تسلیم او نموده باشیم. اما اغلب ما همانند اشخاصی عمل می کنیم که همواره در پی دانستن نظرات و شنیدن اندرزهای اطرافیان خود می باشند، بطوری که جهت شناخت و درک اراده خداوند بسیار اصرار می ورزیم، اما بعد از مکشوف شدن آن، به خواسته و انتخاب خویش عمل می کنیم. ما تنها زمانی می توانیم از هدایت الهی برخوردار شویم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانیم (رومیان ۱۲ : ۱ - ۲).

(۴) ما باید درس دشوار « صبر » را بیاموزیم.

خداوند در کتاب مقدس وعده فرموده است که ایمانداران خود را هدایت خواهد نمود، لیکن او حق تعیین زمان این کار را برای خود محفوظ نگاه می دارد. عهد عتیق شخصیت‌های بزرگ و در عین حال ناصبوری را معرفی می نماید که به سبب تعجیل در کار تصمیم گیری، خود را از مکاشفات الهی محروم نموده، گرفتار سرنوشت غم انگیزی گردیدند. شاول نخستین پادشاه اسرائیل از جمله این افراد می باشد. او زمانی که تحت فشار روحی و فیزیکی دشمن قرار داشت، جهت جلوگیری از پراکنده شدن سپاه خویش قربانی هایی که می باید توسط سموئیل نبی تقدیم می گردید را شخصاً به حضور خدا گذرانید، زیرا او انتظار کشیدن را کاری بس دشوار یافت. اما پس از فارغ شدن از گذرانیدن قربانیها، سموئیل نبی سر رسیده او را از عواقب این ناطاعتی و عمل نادرست مطلع نمود (اول سموئیل ۱۳ : ۵ - ۱۴).

ما نیز نیازمند توجه عمیق تر به این اصل حیاتی در هدایت روح القدس و فراگیری هر چه بیشتر آن می باشیم. ما باید یاد بگیریم که حتی در اوقات و لحظات حساس منتظر هدایت الهی باقی بمانیم، همچنان که قوم اسرائیل در بیابان موظف بودند شرایط دشوار توقف در اردوگاههای بیابانی را تا زمان حرکت مجدد ابر تحمل نموده به جهت هدایت الهی انتظار بکشند (اعداد ۹ : ۱۸ - ۲۳).

۳ - روح القدس ایمانداران را در دعا یاری می نماید.

پولس رسول در رساله به رومیان ۸ : ۲۶ - ۲۷، اعلام می دارد که: « ... روح نیز ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می باید نمی دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد ... »

این آیات را بدون شک باید از جمله مهم ترین عبارات عهد جدید در مورد دعا به شمار آورد. انسان به سبب ضعفها و محدودیتهايش قادر نيست آنچه را كه بايد را دعا نمايد. اما چه ضعفها و محدوديتهاي در زندگي ما وجود دارند كه ما را محتاج مدد روح القدس نموده اند؟

الف) ما به طرز خودخواهانه اي دعا مي كنيم.

ما اغلب در دعاهايمان به فكر مطرح نمودن درخواستهاي پايان ناپذير شخصي خود و حفظ منافعمان مي باشيم. ليكن عيسي مسيح در انجيل متي ۶ با ارائه چهارچوب صحيح دعا به شاگردانش خاطر نشان مي نمايد در ابتدا بايد ملكوت خدا را بطلبند.

ب) ما بينش درستي براي دعا نداريم.

كتاب مقدس به ما وعده داده است كه: « ... هر چه بر حسب اراده او (خدا) سوال نماييم، ما را مي شنود » (اول يوحنا ۵ : ۱۴). اما اغلب مواقع مشكل بزرگ ما اين است كه از اراده خدا بي خبريم، لذا نمي دانيم كه چگونه دعا كنيم، و به همين دليل برخي دعاهاي ما به سبب مغايرت با اراده خدا به دعاهاي مرده مبدل مي شوند.

ج) دعاهاي ما مقطعي مي باشند.

برخي مواقع ما بطور جدی و با غيرت تمام دعا مي كنيم ليكن نداشتن پشتكار و ثبات ما را از ادامه راه باز مي دارد.

د) از آينده اطلاعي نداريم.

نداشتن اطلاع از آينده يكي ديگر از ضعفهاي و محدوديتهاي ايمانداران به شمار مي آيد. ما از آينده اطلاع درستي نداريم، حوادث فراواني در زندگيمان پيش خواهند آمد كه پيامدهاي متفاوتي را به دنبال خواهند داشت و ما به سبب عدم اطلاع از آنها، آنچه كه بايد دعا نماييم را نمي دانيم.

تمامي موارد بالا نشان مي دهند كه ضعفها و محدوديتهاي مؤمنين در دعا، مدد و ياري الهي را اجتناب ناپذير نموده است. لذا خداوند از راه فيض خويش روح خود را در قلوب مؤمنين نهاده تا با محبت عظيمي كه نسبت به ايمانداران دارد (يعقوب ۴ : ۵)، آنان را مدد نموده به جاي رهنمون سازد كه از گناه خويش رهايي يافته خداوند را در قدوسيت و شادي تا به ابد جلال دهند.

۴ - روح القدس و پرستش خداوند.

يوحناي رسول هنگامي كه فرصت مشاهده مؤمنين نجات يافته در آسمان را مي يابد، متوجه مي گردد كه آنان در حال پرستش و تمجيد بره و تخت نشين مي باشند (مكاشفه ۴ : ۹ - ۱۱ ، ۵ : ۸ - ۱۴ ، ...). اما به راستي انسان فاني و محدود چگونه مي تواند خدا را همانطور كه هست بشناسد؟ چگونه مي تواند مكاشفاتي از او بيابد؟ كتاب مقدس كتابي است كه در آن خداوند خود را مكشوف مي نمايد ليكن چه كسي بايد مكاشفات را به قلب و روح انسان محدود منتقل نمايد؟ عيسي

مسیح در انجیل یوحنا ۴ : ۲۴، در این باره می فرماید: « خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد » عیسی مسیح در این آیه آشکارا بیان می نماید که انسان تنها به وسیله مدد روح القدس است که می تواند خدا را حقیقتاً پرستش نماید. این شخص روح القدس است که می تواند خدا را حقیقتاً پرستش نماید. این شخص روح القدس است که شکاف عظیم ما بین خدا و انسان فانی را پر می نماید تا حقایق مندرج در کلام خدا را به شخص ایماندار منتقل نموده، حضور زنده خداوند را منکشف سازد. وبه وسیله همین عمل روح القدس است که کلمات کتاب مقدس جلوه ای دیگر برای ایمانداران می یابند بطوری که آنان بر حضور پر جلال الهی واقف گردیده، مطیع او می شوند و با فروتنی و محبت او را می پرستند. پولس در رساله به فیلیپیان می گوید: « زیرا مختونان ما هستیم که خدا را در روح عبادت می کنیم و به مسیح عیسی فخر می کنیم و بر جسم اعتماد نداریم » (۳ : ۳).

در عهد عتیق نیز کاهنان جهت کسب آمادگی خدمت در معبد، بر حسب فرمان خداوند به موسی، می باید به وسیله روغن (سمبل روح القدس) مسح می شدند: « و هارون و پسرانش را مسح نموده، ایشان را تقدیس نما، تا برای من کهنانت کنند » (خروج ۳۰ : ۱۳). همچنین کاهنان به هنگام ورود به معبد، خدمت خویش را در نور چراغدانی انجام می دادند که نور خویش را از سوختن روغن (سمبل روح القدس) تامین می نمود (خروج ۲۷ : ۲). بدین ترتیب ملاحظه می نمایم که روح القدس همواره نقشی تعیین کننده در عبادت خداوند ایفا نموده است. امروز نیز ما تنها به وسیله عمل روح الهی می توانیم پرستشی مقبول در حضور خداوند داشته باشیم. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۴ : ۲۳ می فرماید: « پرستندگان حقیقی، پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان را طالب است. »

فهرست منابع اصلی

1. PACHE, RENE.

The person and work of the Holy Spirit.

2 . RYRIE, CHARLES CALDWELL.

The Holy Spirit

2. SANDERS, J . OSWALD.

The holy Spirit and His Gifts.

